

کتابخانه

شماره ۵ - زمستان ۱۳۹۵
 ۶ صفر ۱۳۹۶ - ۲۲ فروردین ۲۰۱۷
 شماره ۷۱ - بهمن ۱۳۹۶
 ۲۲ صفر ۱۴۰۰ - آبان ۱۴۰۰
ISSN: 1029-3345
 صاحب امتیاز: خانه کتاب
 مدیر: بهرام پاک آیین
 نشانی: خیابان تقی‌مقام فرامانی
 اول فجر (شبه)، شماره ۹، طبقه دوم
 تلفن: ۸۸۳۷۹۵۹، ۸۸۳۷۵۲۴
 تیرگرافی و چاپ: چاپ محمد
www.katibeh.ir

مدیر عامل خانه کتاب در نشست «بایسته های خبرگزاری کتاب» تأکید کرد:

اطلاع رسانی دقیق خبرگزاری کتاب از دنیای نشر



خبرگزاری کتاب پیش از ۳ ماه است که توسط خانه کتاب راه اندازی شده و در طول این مدت مراحل اولیه کار خود را پشت سر گذاشته است؛ از این رو به نظر می رسد کم کم زمان آن فرارسیده تا مسئولان و گردانندگان آن با استفاده از نظر کارشناسان و صاحب نظران به ارزیابی کم و کیف عملکرد خود در این مدت بپردازند و از نظرات آنان در ارتقای این رسانه مهم بهره گیرند. به همین منظور طی نشستی که هفته گذشته در ساختمان فجر خانه کتاب برگزار شد، بایسته های خبرگزاری کتاب با حضور مدیر عامل خانه کتاب، جمعی از استادان علوم ارتباطات، ناشران و سرپرست خبرگزاری کتاب بررسی شد.

در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) عنوان شد

اظهارات معاون وزارت ارشاد در باره نمایشگاه بیستم

فضای نمایشگاه دائمی تهران برای فعالیت های اقتصادی تعریف شده است و چندان با اهداف نمایشگاه بین المللی کتاب منطبق نیست

بای صحبت رئیس واحد شایک خانه کتاب

نشانی کتاب های جهان را از شابک بگیرد

گسترش استفاده از رایانه در فروش و توزیع کتاب در سطح ملی و بین المللی ناشران را به استفاده از سیستم های شماره گذاری تشریح کرده، در سال ۱۳۹۷ کتابفروشی اصمیت و پسران برای اولین بار شماره استاندارد کتاب را برای فروش، سفارش و توزیع مطرح کرد استقبال تعدادی از کشورهای اروپایی و آمریکا از شماره استاندارد کتاب و عدم تکلیف در سطح بین المللی باعث شد با همکاری سازمان جهانی استاندارد استفاده از سیستم شماره گذاری در سطح بین المللی مطرح شود شماره استاندارد بین المللی کتاب، نظامی بسیار سوده مند برای توزیع، سفارش، انبارگردانی و سفارش کتاب، نرم افزارهای آموزشی و چند رسانه ای است. با توجه به منحصر به فرد بودن شابک، امکان بازیابی هر عنوان از بین میلیون ها عنوان کتاب به راحتی امکان پذیر است.

دبیر علمی کتاب سال با اعلام اسامی و بیان نظرات داوران شفاف یافت

شفاف سازی در داوری های کتاب سال

همان طور که در نشست خبری کتاب سال عنوان شد، برآز بود اسامی داوران را اعلام کنیم اما اعلام تمایل برخی بودیم با رازیته های انجام شده، داوران را متقاعد به این کار کنیم تا آنها از مسائل داوری که محصول دیدگاه خودشان است در برابر منتقدان دفاع کنند. اولین ویژگی اعلام اسامی داوران کتاب سال، مربوط به دبیر خانه و خود شخص دبیر می شود. با اعلام اسامی داوران، تا حدودی باز سنگین داوری ها از دوش دبیر خانه برداشته می شود و این شفاف سازی سبب بهبود وضعیت داوری کتاب برای سال های آینده خواهد شد.

معتقدم جدا از ضوابط اصلی بروند داوری های کتاب سال با نگاه آسیب شناسانه منتقدان می تواند حرکت رو به رشد داشته باشد.

عالم ها منبزه آر مین و راضیه نجار و آقایان امیر حسین فردی، فیروز جلالی زینوی، کامران پارسسی نژاد و ابراهیم حسن بیگی، ۲۶ داور بخش داستانی کتاب سال بودند.

۲۰

با حذف تصاویر کتاب «کشورهای دور، کشورهای همسایه» صهیونیست ها حقایق ۱۱ سپتامبر را سانسور کردند

دبیر کنکده معرفی کرد
 ۲۴ مقاله برگزیده در بزرگداشت پروین اعتصامی

منوچهر آگریه، دبیر علمی دومین کنفرانس اعضای اعلام کرد که تاکنون ۲۴ مقاله در دفتر دبیر خانه بزرگداشت یکصدمین سالروز تولد اعتصامی، تألیف و معرفی و علاوه آن ها زودی چاپ خواهد شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) آگریه بیان این مطلب افزود، متن کامل مقالات در سال آینده و پس از تجدید نظر در شمارگان بالا به چاپ خواهد رسید. وی افزود، مقالات منتخب را استادان دانشگاه های اروپا، آمریکا، ترکیه، تهران، اصفهان، تربیت مدرس، تربیت معلم (ایران)، هرمزگان و پیام نور تألیف کرده اند.

www.katibeh.ir

مکان جستجوی اطلاعات بیشتر از نویسندگان و ...

مکان جستجوی کتاب از صفحات وب خانه کتاب

لوح نشرده کتبه آ منتشر شد

لوح نشرده کتبه شامل اطلاعات کتاب های منتشر شده

در طول سال ۱۳۹۰ تا کنون

مکان همه گزارش های نشری



جراغ راه

برای تلاش کردن، اتفاقاً میدان خیلی وسیعی داریم. به خصوص با توجه به آنچه که انقلاب برای ما از سوزها پدید آورده است. انقلاب آقدر سوزه جالب و موضوع جذاب برای نوشتن داستان های خوب و آموزنده و الهام بخش فراهم کرده که در دوره های دیگر کمتر می‌شود این‌طور پیدا کرد؛ کما اینکه ما می‌بینیم در کشورهای دیگر نیز همین‌گونه است. برای خلق داستان‌های ماندنی و جاودان در روزگار، از انقلاب خیلی مایه گرفتند. روی این زمینه‌ها باید کار شود و کسانی که متخصص این زمینه‌ها هستند و کارایی دارند باید بلدانه امروزی این جزو اصلی‌ترین نیازهای ماست. مقدمهٔ رفع بسیاری از مشکلات دیگر ماست.

از بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم پنجمین دوره انتخاب کتاب سال ۶۶/۱۱۹

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

نصرالله مردانی مردزمانه خودبود

دومین کنگرهٔ سراسری ستیغ سخن با موضوع ادبیات پایداری و ریشه‌ها در شیراز برگزار شد. محمدحسین صفار هرندی - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - در آیین افتتاح کنگرهٔ یادشده زبان شعر را زبانی گویا برای ماندگاری سخن دانست و گفت: چه‌سما که اگر زبان شاعر نبود، اشراف برپیشینه خود آنچنان که وجود دارد، نبود؛ هجستان که بسیاری از ملت‌ها که از این نعمت برخوردار نیستند، اشراف چندانی بر تاریخ خود ندارند.

وی ادامه داد: زبان شعر چنان است که به دلیل وزن و قافیه و نشانه‌های گویاترگی که در آن نهفته است، کلام را پایدار می‌کند و در خاطره‌ها نقش می‌بندد و به دلیل آهنگی که ذاتی شعر است، کلام به

ترجم نسخه‌های انسان‌ها تبدیل می‌شود. روزی فرهنگ را در شکل اصلی، با چندین دانشمندی که کلام شعری از خود به یادگار گذاشته‌اند، نظار داشتند؛ شاعری که فضایل انسانی را نیز در خود جمع کرده‌باشد، در کنار این‌که می‌گوید او زبان گویا و کلام ناطع و دلنشینی داشت، خودآمد گفت آنشئی خوب، مردمی و ساده‌زیست نیز هست و دلمشغولی‌هایش مشکلات روزمره مردم است و نسبت به اطراف خود بی‌فراوت نخواهد بود؛ همچنانکه مردانی به نقل از اطرافش این‌گونه بود.

صفار هرندی ادامه داد: مردانی وقتی بچه‌های بچه به شارژ روحی نیاز داشتند، به خط مقدم بچه می‌رفت و محفل ززم آنها را محفل بزم می‌کرد. او شعر مردانی را مدح کسانی‌دانست که ستایش آنها رشد و اعتلای را در جامعهٔ دامن می‌زند. و در بیان ویژگی مهم مردانی بیان داشتند: مهم‌ترین ویژگی مرحوم مردانی این است که مرد زمانه خود می‌باشد و غفلت او را احاطه نمی‌کند؛ بلکه هر زمان درک می‌کند در چه کاری باید باشد و ما شاعری با این ویژگی‌ها کم نمانیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به کسانی که مردانی را به سیاسی‌بودن انحصارش متهم می‌کنند، گفت: به شاعری که در قبال اطراف خود بی‌فراوت نیست و شاعری‌اجته‌ای است.انهاهم می‌زند که سیاسی است و بعد حکم می‌زند که اگر فرهنگ را به سیاست آلوده کنی، ضایع می‌شود که البته یک شکل آن در قبول دارم و آن اینکه اگر فرهنگ به سیاسی کاری آلوده شود، حتماًاجته افغان خواهد افتاد؛ اگر سیاست یعنی گردش ابعاد روزمره ما در هیچ و خم زندگی که یک‌سوی آن انسان‌های شریف نشسته‌اند و در سوی دیگر آن انسان‌های پایه‌کار قرار دارند؛ اگر میان انسان‌های پایه‌کار قرار بگیریم، این درست است؛ اما مردانی به اطراف خود بی‌اعتنا نبود و از این هم نمی‌ترسید که منهایش کنند فرهنگ را به سیاست آمیخته کرده؛ چرا که سیاست یعنی زندگی و این با سیاسی‌کاری سیاست‌بازان که حتی حیثیت و آبروی سیاست‌را هم ریخته‌اند، فرق می‌کند.

در گفت و گو باخبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) عنوان شد:

اظهارات معاون وزارت ارشاد در باره نمایشگاه بیستم

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت که مکان برگزاری بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۳۸۶ هنوز مشخص نشده است و این یکی از مشکلاتی است که مانع از انجام برنامه‌ریزی‌های لازم به‌منظور افزایش سطح کیفی آن می‌شود. دکتر پرویز همچنین گفت که ثابت بودن مکان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب باعث ثبت این رویداد در تقویم بین‌المللی نمایشگاه‌ها شده و ناشران جهان می‌توانند برای حضور در آن برنامه‌ریزی کنند.

دکتر محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت وگویی باخبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) ضمن بیان این مطلب گفت: ثابت ماندن مکان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی باعث می‌شود در تقویم بین‌المللی

مکان‌های فرهنگی کتاب ثبت‌شده همه‌علاقه‌مندان می‌توانند در سراسر جهان برای حضور در آن برنامه‌ریزی کنند. اما متأسفانه هنوز تصمیمی برای مکان‌برپایی نمایشگاه کتاب گرفته نشده‌است.

وی افزود: اقدامات مناسب انجام شده در سال‌های اخیر برای فراهم آوردن مکان مناسب و ثابت به‌منظور برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به نتیجه نرسیده‌است.

دکتر پرویز همچنین دربارهٔ نمایشگاه‌های استانی کتاب به‌خبرنگار ایبنا گفت: ما برای برگزاری نمایشگاه‌های کتاب در سراسر ایران مهمان‌حسین و میزبان‌هامم کشنی هستند که گاهی همکاری خوبی ما می‌کنند و گاهی هم در این باره توجهی نیستند.

وی در پاسخ به این سؤال که نچه زمانی نمایشگاه

پنجمین دوره بازار جهانی کتاب و تولیدات چند رسانه ای ایران «مزممان با بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ۱۲ اردیبهشت ماه برگزار می‌شود. تاریخ تولید کتاب تالیفی و نرم افزارهای که به زبان فارسی و عربی است باید از سال ۱۳۸۱ به بعد باشد و این محدودیت زمانی شامل تولیدات کتاب و نرم افزار به زبانهای دیگر نمی‌شود.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) «مینا فرشچیان» مدیر برگزاری پنجمین دوره بازار جهانی کتاب و تولیدات چند رسانه ای ایران گفت: «معرفی آثار تالیفی و تولیدات چند رسانه‌ای که توسط موسسات انتشاراتی - فرهنگی به فارسی و زبانهای خارجی چاپ و تولید شده‌است و قابلیت ارائه در بازارهای جهانی کتاب را دارد از اصلی‌ترین محورهای برگزاری بازار جهانی کتاب است. یکی از سهیلات این دوره نمایشگاه‌ای موسسات امکان طرحی ویژه فرقه‌است خارجی چاپ و تولید شده‌است و قابلیت ارائه در بازارهای جهانی کتاب را دارد از اصلی‌ترین محورهای برگزاری بازار جهانی کتاب است.

مهمترین شرایط شرکت در پنجمین دوره بازار جهانی کتاب ایران تاکیه بر تالیف کتاب‌ها توسط نویسندگان ایرانی است. همچنین در این بازار جهانی کتاب‌های گردآوری شده مورد پذیرش نخواهد بود و کتاب‌ها و نرم افزارهایی باید از لحاظ محتوا قابلیت عرضه در بازارهای جهانی کتاب را داشته باشند.

ناشران و موسسات فرهنگی علاقه‌مند به حضور در این رویداد فرهنگی می‌توانند با تلفن‌های ۰۲۱۲۲۹۶۰۷-۸۳۳۲۹۶۰۷ تماس بگیرند و یا درخواست خود را به همراه فهرست کتاب‌ها و نرم افزار‌ها حداکثر تا تاریخ ۲۵ فروردین سال ۱۳۸۶ از طریق دو رگزار ۰۲۱۳۳۷۶۵۵-۶ به دیر خبره بازار جهانی کتاب ایران ارسال کنند.

بامکاری خانه‌کتاب

افغانستان عضو شایک می شود



راه اندازی نظام شایک در افغانستان با کمک موسسهٔ خانهٔ کتاب - در جلسهٔ ای با حضور رایزن فرهنگی افغانستان در ایران و مدیر عامل خانهٔ کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این جلسهٔ مقرر شد وضعیت فعلی و پیش‌بینی‌ها برای ۱۰ سال آینده جهت ارسال به سازمان جهانی شایک در اختیار خانهٔ کتاب قرار گیرد.

به گزارش روابط عمومی خانهٔ کتاب، در این جلسهٔ که با حضور نسیم مهدی جهرمی، مدیر عامل خانهٔ کتاب، «حسیب الله تخاری» رایزن فرهنگی افغانستان در ایران، «داریوش مظفری»، مدیر شایک و «غلام سرور سعادت»، مسؤول پیگیری شایک افغانستان برگزار شد، تا رینجیجهٔ پیگیری‌های انجام گرفته دربارهٔ عضویت افغانستان در نظام شایک و بیان اهمیت عضویت در نظام شایک برای کشورها بررسی شد.

در این جلسه، پس از ارائه گزارشی از وضعیت نشر افغانستان در سالهای گذشته از جمله تعداد ناشران فعال و تعداد کتاب‌های منتشر شده در پنج سال گذشته، مقرر شد وضعیت فعلی و پیش‌بینی‌ها برای ۱۰ سال آینده جهت ارسال به سازمان جهانی شایک در اختیار خانهٔ کتاب قرار گیرد.

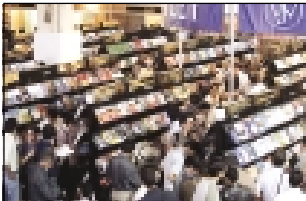
همچنین با توجه به شمار ناشران افغانستان که در کشورهای همجوار فعالیت می‌کنند و ممکن است در آینده در کشور خود فعال باشند، اسمی آنان تهیه و از طریق خانهٔ کتاب در اختیار «سازمان جهانی شایک» قرار گیرد.

بین‌المللی کتاب تهران از یک مکان ثابت و به اصطلاح صاحب خانه می‌شود؛ گفت: معلوم نیست سال گذشته هم رئیس جمهوری در این باره توضیحی دادند، با این حال از این فرصت و از این امکان به خوبی استفاده نشد.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به این که فضای نمایشگاه دائمی تهران برای فعالیت‌های اقتصادی تعریف شده است، گفت: این فضا چندان با اهداف نمایشگاه بین‌المللی کتاب متعین نیست. طبیعی است مسئولان آن نتوانند همکاری و هماهنگی کافی با ما داشته باشند؛ از زمانی که امکانات کافی در اختیار ما نباشد، برنامه‌ریزی و اجرای مطلوب برنامه‌ها هم مشکل می‌شود.

همزمان با بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ایران برگزار می‌شود

پنجمین بازار جهانی کتاب



پنجمین دوره بازار جهانی کتاب و تولیدات چند رسانه ای ایران «مزممان با بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ۱۲ اردیبهشت ماه برگزار می‌شود. تاریخ تولید کتاب تالیفی و نرم افزارهای که به زبان فارسی و عربی است باید از سال ۱۳۸۱ به بعد باشد و این محدودیت زمانی شامل تولیدات کتاب و نرم افزار به زبانهای دیگر نمی‌شود.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) «مینا فرشچیان» مدیر برگزاری پنجمین دوره بازار جهانی کتاب و تولیدات چند رسانه ای ایران گفت: «معرفی آثار تالیفی و تولیدات چند رسانه‌ای که توسط موسسات انتشاراتی - فرهنگی به فارسی و زبانهای خارجی چاپ و تولید شده‌است و قابلیت ارائه در بازارهای جهانی کتاب را دارد از اصلی‌ترین محورهای برگزاری بازار جهانی کتاب است. یکی از سهیلات این دوره نمایشگاه‌ای موسسات امکان طرحی ویژه فرقه‌است خارجی چاپ و تولید شده‌است و قابلیت ارائه در بازارهای جهانی کتاب را دارد از اصلی‌ترین محورهای برگزاری بازار جهانی کتاب است.

مهمترین شرایط شرکت در پنجمین دوره بازار جهانی کتاب ایران تاکیه بر تالیف کتاب‌ها توسط نویسندگان ایرانی است. همچنین در این بازار جهانی کتاب‌های گردآوری شده مورد پذیرش نخواهد بود و کتاب‌ها و نرم افزارهایی باید از لحاظ محتوا قابلیت عرضه در بازارهای جهانی کتاب را داشته باشند.

ناشران و موسسات فرهنگی علاقه‌مند به حضور در این رویداد فرهنگی می‌توانند با تلفن‌های ۰۲۱۲۲۹۶۰۷-۸۳۳۲۹۶۰۷ تماس بگیرند و یا درخواست خود را به همراه فهرست کتاب‌ها و نرم افزار‌ها حداکثر تا تاریخ ۲۵ فروردین سال ۱۳۸۶ از طریق دو رگزار ۰۲۱۳۳۷۶۵۵-۶ به دیر خبره بازار جهانی کتاب ایران ارسال کنند.

انتقاد رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

از کاهش بودجه این نهاد

در حال حاضر که بودجه بخش فرهنگی کاهش یافته ، فرصت خوبی برای مجموعه نهادهای فرهنگی بوجود آمده تا طرح های خود را با توجهات فرهنگی آماده و به مراجع ذی صلاح اعم از دولت و مجلس ارائه دهند و خود را اثبات کنند.

مشاور فرهنگی رئیس جمهوری و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی با انتقاد از کاهش بودجه این مرکز، از تاخیر در اجرای پروژه‌های این سازمان خبر داد.

علی اکبر اشعری در گفتگو با مهر گفت، ما امیدواریم که سال آینده دولت با متممی که به مجلس می‌برد، به حوزه فرهنگ کمک کند. البته از طرف دیگر هم فکر می‌کنم که ما فرهنگ‌ها باید حرفی برای گفتن داشته باشیم تا دولت و مجلس بپذیرند که برای این حرف بودجه ای اختصاص بدهند. وی کاهش بودجه بخش فرهنگ را فرصتی دانست تا نهادهای فرهنگی استحقاق خود را به اثبات برسانند. به گزارش مهر اشعری در این خصوص اضافه کرد: معمولاً سالانه مقداری یارانه، حقوق و دستمزد داده شده است و در نتیجه متأسفانه فرهنگ نقش اساسی خودش را در ساز و کارهای مختلف ملی ایفا نمی‌کند.

جایزه ادبی شهید غنی پور در بخش «آزاد داستانی» برگزیده نداشت

رمان نطنج با مائین قیامت نوشته حبیب احمدزاده در بخش رمان و ادبیات دفاع مقدس ششمین دوره جایزه ادبی شهید غنی پور برگزیده شد. هیات داوران این جایزه در بخش آزاد ادبیات داستانی برگزیده ای را اعلام نکردند.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (یتنا) داوران بخش داستان و رمان ششمین دوره جایزه ادبی شهید غنی پور از میان کتاب های سه دختر گل فروش نوشته مجید قیسری، کی مارا داده یا خست؟ نوشته فرهاد کشوری، و قس جنگ تمام شود تألیف ساسان ناطق، نطنج با مائین قیامت نوشته حبیب احمدزاده و نخل های نشسته نوشته سمیرا اصلان پور رمان نطنج با مائین قیامت را به عنوان کتاب برگزیده در بخش رمان و ادبیات دفاع مقدس در سال ۱۳۹۴ معرفی کرده اند.

حبیب احمدزاده فارغ التحصیل کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر تهران است. احمدزاده از جمله فعالان در عرصه ادبیات پایداری و مقاومت بوده و تاکنون در کتاب در این زمینه نوشته است. همچنین در گزارش فیلمنامه آژانس شیشه ای، چیزی برای کارگردان، دکل و... همکاری داشته است. از جمله آثار وی می توان به کتاب داستان های شهر جنگی اشاره کرد. مراسم اهدای جایزه به برگزیدگان ششمین دوره انتخاب کتاب سال شهید حبیب غنی پور پنجشنبه دهم اسفند ماه، همزمان با سالروز شهادت آن شهید در مسجد جوادالامنه ادبیات داستانی عاشورا و نیز نویسندگان آثار برتر مصطفی غنچه گری، زهره یزدان پناه قهر تپه و محمد کاظم مرنانی ادبی وی در بخش را بر عهده داشته اند.

قدردانی از برگزیدگان ادبیات داستانی عاشورا



راهبیه تجار، سید جمال حبیرو، نورالحق پرست و احمد شاکری اعضای هیات داوران این مسابقه را تشکیل می دهند. نمایشگاه بزرگ فرهنگ عاشورا از ۲۲ الی ۲۳ اسفندماه در بخش های مختلفی چون پیامبر اعظم (ص)، هنرهای نمایشی، علمی، کتب، کودک و نوجوان و جوان در محل دائمی نمایشگاه بین المللی تهران برگزار می شود.

مسابقه داستان نویسی کوتاه (مینی مالیستی) با موضوع قیام عاشورا و حماسه حسینی نیز از دیگر بخش های این نمایشگاه است که علاقه مندان در این زمینه می توانند آثار خود را تا پنجم اسفندماه به نشانی دبیرخانه این نمایشگاه واقع در خیابان طالقانی، خیابان بهار، ساختمان شماره سه نبش شهید ارسلان یا به خره فدایتان نمایشگاه تحویل دهند.

تازه های نشر وزارت ارشاد در کتابخانه ایثار و شهادت

یازده تازه های نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کتابخانه تخصصی ایثار و شهادت نیابت شهید و امور ایثارگران برپا خواهد شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (یتنا)، محمد علی ققیه، مدیر کل انتشارات نیابت شهید گفت: این تصمیم به دنبال توافق صورت گرفته بین این نهاد و معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اتخاذ شده است. وی در ادامه از انجام تغییراتی در کتابخانه تخصصی ایثار و شهادت خبر داد و گفت: از این پس منابع این کتابخانه فقط به منابع ملی محدود نمی شود و کتاب های جنگی و دفاعی از زبان های مختلف دنیا از جمله انگلیسی، عربی و آلمانی به مجموعه کتاب های این کتابخانه اضافه خواهد شد. وی افزود: همچنین سعی داریم کتاب های این کتابخانه کاملاً تخصصی باشد تا پژوهشگران بتوانند از آن استفاده لازم را ببرند. ققیه افزود: ساختار فیزیکی این کتابخانه نیز دستخوش تغییر خواهد شد تا دسترسی عامه مردم به این کتابخانه آسان تر شود.

گزارش آماری هفته

در گزارش آماری هفته تلاش می شود آخرین اطلاعات آماری ثبت شده در بانک اطلاعات خانه کتاب در قالب جدول یا نمودار به گویای ارائه شود که مشخص های اصلی آماری حوزه کتاب را نشان دهد و چنان واضح و گویا باشد که نیاز به شرح نداشته باشد و با یک نگاه سریع و گذرا قابل دریافت باشد. به دلیل محدودیت صفحات، تنها بخشی از آمار اصلی و شاخص های کلی در یک صفحه به چاپ می رسد اما گزارش کامل این آمار در سایت خانه کتاب www.ketab.ir قابل دسترسی و مشاهده است.

از میان کتابهایی که در هفته گذشته در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده، بیشترین تعداد در زمینه های آموزشی و کمک درسی بود که ۲۲ درصد مجموع کتابهای هفته را به خود اختصاص داده بود. در این هفته همچنین ۳۳ عنوان کتاب شمارگانی بیش از ۲۰۰۰ نسخه داشتند که عمدتاً شامل قرآن کریم و مجموعه سوالات آموزشی و راهنمای درسی بود. متأسفانه همواره تعدادی از کتابها فاقد قیمت هستند. در هفته گذشته حدود ۳۰ عنوان کتاب بدون قیمت چاپ شده اند. در مورد تعداد نشرها و پدیدآوران نیز شاید ذکر است که مجموع کتابهای هفته گذشته دارای ۱۲۷ مترجم (۹۶ نفر مرد، ۳۱ نفر زن) و ۵۹۲ مؤلف (۵۷۱ نفر مرد، ۲۱ نفر زن) بوده اند. کتاب های این هفته توسط ۳۶۶ ناشر منتشر شده اند.

توضیح و اصلاح
در شماره ۲۷ (۱۵۹/۱۷) کتاب هفته، در بخش گزارش آماری هفته، بیشترین تیرت چاپ با ۱۰۰۰ تیرت برای کتاب «نمودار برنامه روزی» اعلام شده بود. ضمن پوزش از خوانندگان عزیز، به گامی می رسد تیرت چاپ این کتاب ۸ بوده که به اشتباه شمارگانی ۱۰۰۰ نسخه بجای آن درج شده بود.



دبیر کنگره معرفی کرد ۲۴ مقاله برگزیده

در بزرگداشت پروین اعتصامی
منوچهر اکبری، دبیر علمی دومین کنگره پروین اعتصامی اعلام کرد که تاکنون ۲۲ مقاله دربارتی به دبیرخانه بزرگداشت یکصدمین سالروز تولد اعتصامی، تأیید و معرفی و خلاصه آن ها به زودی چاپ خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (یتنا)، اکبری با بیان این مطلب افزود: متن کامل مقالات در سال آینده و پس از تجدید نظر در شمارگان بالا به چاپ خواهد رسید. وی افزود: مقالات منتخبرا استادان دانشگاه های ارومیه، تبریز، تهران، اصفهان، تربیت مدرس، تربیت معلم، الزهراراک، هرمزگان و پیام نور تأیید کرده اند و به دلیل محتوای غنی آن ها همه برگزیده هستند و به همین خاطر بخشی به عنوان مسابقه نتوابعیم داشت.

دبیر علمی این کنگره، توضیح داد: به دلیل تغییر تاریخ برنامه برخی از نویسندگان مقالات حضور نتخواهند داشت، اما مقاله آن ها فراغت خواهد شد.

وی گفت: در مقالات رسیده که تاکنون درباره پروین اعتصامی نوشته شده، کمترین محتوای اشعار بررسی شده، و در عوض علاوه بر پرداخت به شیوه شاعری و شخصیت فخرخیزه ادبی پروین به محتوا و ساختار شعری وی هم توجه شده است.

گزارش آماری منتشر شده در هفته گذشته به تفکیک موضوع سه شنبه ۱۷/۱۲ تا دوشنبه ۲۳/۱۲/۹۴

موضوع	تعداد کل	تألیف	ترجمه	چاپ اول	چاپ مجدد	شهرستان
کتاب	۱	۸	۲	۲	۰	تهران
فلسفه و روانشناسی	۳۶	۲۰	۱۲	۱۲	۲	۷
تاریخ و جغرافیا	۲۶	۲۸	۳۸	۳۸	۱۴	۱۱۸
آموزشی و کمک درسی	۲۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۹
کودک و نوجوان	۴۵	۷	۲۲	۲۲	۲۸	۲
جمع بندی	۱۱۳۳	۹۱	۱۱۳	۱۱۳	۱۱۳	۱
علوم صحنی	۱۶	۳	۱۳	۱۳	۰	۱۶
هنر	۱۱۸	۲۲	۲۲	۲۲	۵	۷
ادبیات	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۱۷
تاریخ و جغرافیا	۲۶	۲	۱۹	۲	۲	۲
آموزشی و کمک درسی	۲۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۱۸
کودک و نوجوان	۴۵	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۱۸
جمع بندی	۱۱۳۳	۱۰۸	۲۰۵	۲۲۲	۲۲۲	۵۲۴

ه منظور از موضوع آموزشی و کمک درسی کلیه کتابهایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقطع تحصیلی مربوط هستند و مخاطبان آنها دانشجویان و دانش آموزان از پیش دبستانی تا دانشگاهی هستند.

شاخص های آماری کتاب های هفته

تعداد کتابهای منتشر شده	عنوان
ارزاترین کتاب	۱۰۰۰ ریال
گرانترین کتاب	۱۹۶۰۰۰ ریال
بیشترین تیرت چاپ	۵۸ تیرت
بیشترین شمارگان	۳۳۰۰۰ نسخه
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه
بیشترین صفحه	۲۲۲۱ صفحه
کمترین صفحه	۱۰ صفحه

انتشار مجموعه « پیامبران و قصه هایشان »

مجموعه 25 جلدی پیامبران و قصه هایشان، نوشته حسین قاسمی و با تصویرگری حمیدرضا یادیانی برای کودکان 6 تا 10 ساله توسط واحد کودک و نوجوانان موسسه انتشاراتی قدسی منتشر شد. عناوین جلدهای این مجموعه به ترتیب به این شرح است: آدم و حوا، هابیل و قابیل، ادریس، نوح، هود، صالح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، لوط، یعقوب، یوسف، ایوب، شعیب، موسی، الیاس، یونس، داوود، سلیمان، زکریا، عیسی، خضر، داوود، عزیر و عیسی. هر یک از جلدهای این مجموعه با قیمت 300 تومان، شمارگان 11 هزار نسخه و 12 صفحه در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است.

افغان و اهداکنندگان موزه

مرکز استان قدس رضوی در یک کتاب و مجلد دوم کتاب و افغان و اهداکنندگان کتاب و مواد غیر کتابی به سازمان کتابخانه ها، موزه و مرکز اسناد استان قدس رضوی به کوشش جعفر ثابت قدم و عصمت مومنی منتشر شد.

جلد دوم کتاب و افغان و اهداکنندگان شامل موارد کتاب و انشایی موزه است که از سال 1376 تا 1383 به این سازمان اهدا شده است.

فصل اول کتاب به و افغان و اهداکنندگان کتاب ها و قرآن های خطی به این سازمان پرداخته است. اولین نام در این فهرست نام مقام معظم رهبری است که تعداد 78 نسخه کتاب خطی نفیس و ارزشمند و تعداد 1005 نسخه کتاب سنگی و عری را وقف کرده اند.

فصل دوم این کتاب به و افغان و اهداکنندگان کتابهای چاپی پرداخته که بخش نخست آن مربوط به افراد و شخصیت ها است و بخش دوم سازمانها و موسسه های فرهنگی را شامل می شود. در این بخش نیز حضرت آیت الله خامنه ای با اهدای 1024 نسخه کتاب در صدر فهرست قرار داد.

واگذاری اداره کتابخانه های عمومی استان تهران به بنیاد



مدیر امور کتابخانه های عمومی استان تهران خواستار مدیریت یکپارچه این نهاد بر کلیه کتابخانه های استان شد که تحت تصدی سازمان های دیگر زیر حفظ استاندارد عمل می کنند.

ناصر شفیعی در خصوص وضعیت کتابخانه های موجود در شهر تهران به لحاظ رعایت موازین استاندارد گفت: انجمن کتابخانه های عمومی استان آمادگی دارد که کتابخانه های شهرداری را مدیریت کند. در برآوردهایی که برای کتابخانه های عمومی شهر تهران امم از شهرداری، نهاد و جاهای دیگر به عمل آورده ایم، به این نتیجه رسیده ایم که از 85 کتابخانه متعلق به شهرداری تهران، تنها 30 کتابخانه ساز شرایط دارا بودن حداقل 2500 جلد کتاب و 35 متر مربع فضای کلاس برای یک کتابخانه استاندارد است بودند.

کلاس های خردتکنایی در صنعت چاپ

تکلیف بر توانمندی داخلی صنعت چاپ را از بصران خارج می کند کیچه بر توانمندی های داخلی در عرصه صنعت چاپ می تواند این صنعت را به سلامت از بحران خارج کند. رئیس مرکز تحقیقات صنعت چاپ با بیان این مطلب افزود: تحریم و



محدودیت در مبادلات خارجی همیشه در مورد کشور ما وجود داشته و محدودیت های شرکت های اروپایی در مورد صنعت چاپ ایران چیز جدیدی نیست اما نکته ای که در اینجا وجود دارد ابعاد تازه تر این محدودیت ها است.

وی افزود: انقلاب ما در سطح بین المللی حرکتی بزرگ و تازه بود. این انقلاب در محتوای خود شعارهایی را مطرح کرد که به مذاق غربی ها خوش نیامد و همین باعث به وجود آمدن تحریم های شد که هدف اولیه آن مقابله با همین شعارهاست. تکلیفم در ادامه افزود: در طی سال های گذشته ما با انکاه بر توانمندی های داخلی توانسته ایم گام های مهمی در زمینه خودکفایی در صنعت چاپ برداریم و محدودیت هایی که هم اکنون مشاهده می شود نمی تواند اثر چندانی بر صنعت چاپ ایران بگذارد یا تعالیت های آن را محتمل کند.

برگزیدگان مسابقه داستانی با موضوع پیامبر (ص)

مسابقه بین المللی داستانی نویسی با موضوع پیامبر اعظم (ص) اواخر فروردین ماه توسط سازمان آریسنسکو و انجمن نویسندگان کتاب کودک و نوجوان برگزار می شود. به گزارش موبو، سازمان آریسنسکو با همکاری انجمن نویسندگان کتاب کودک و نوجوان به برگزاری یک مسابقه داستانی نویسی با موضوع پیامبر اعظم (ص) اقدام کرده است. در این مسابقه که به شکل فرا مرزی برگزار می شود، نویسندگان از کشورهای ایران، قطر، عراق، آلمان، عربستان سعودی، مراکش و امارات متحده عربی به ارائه آثار داستانی خود پرداخته اند.

مجلس پیش نویس قانون جامع چاپ را تهیه کند

کمیسیون اقتصادی و صنایع مجلس به زودی وضعیت صنعت چاپ را مورد بررسی قرار داده و نظام جامعی را بر اساس نظرات صنف چاپ تهیه و تصویب می کند.

محمد شاهی عربلو با بیان این مطلب در گفت و گو با ایستنا گفت: صنعت چاپ هم اکنون از نظر قوانین و مقررات در وضعیت نابسامانی به سر می برد باید هر چه زودتر با کمک مجلس و فعالان این بخش قانون جامعی برای این صنعت تهیه شود.



وی افزود: مسافله هم اکنون در بخش چاپ قانون جامع و واگذاری وجود ندارد و بخشی از دولت متصدی امور آن شده است که از نظر تخصصی با آن بیگانه است.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس یادآور شد: پس از بررسی و تصویب لایحه بودجه سال 1386 کل کشور اگر از تجدید چاپخانه داران طرحی برای نظام مدرن صنعت چاپ به مجلس ارسال شود، در دستور کار

کمیسیون قرار خواهد گرفت.

«بالبایت را کجا گذاشتی» در ایلام نقد شد

کتاب «بالبایت را کجا جا گذاشتی» به قلم عرفان نظر آهاری 22 بهمن ماه در ایلام مورد نقد و بررسی قرار گرفت. به گزارش ایستا این جلسه در ادامه طرح نقد حضوری در استان ها از سوی مرکز آفرینش های ادبی کانون پرورش فکری کودک و نوجوان تشکیل شد. مهدی میرکیایی مدیر مرکز آفرینش های ادبی کانون پرورش فکری کودک و نوجوان در مورد نقد حضوری در استان ها گفت: این طرح با هدف ترویج کتابخوانی و آشناندن مخاطبان جوان با نقد کتاب و موفقان اثر طی سال جاری توسط کانون پرورش فکری شروع به کار کرد و تاکنون 20 اثر در 20 استان توسط مخاطبان و با حضور موفقان اثر مورد بررسی قرار گرفته است.

مهدی آتریزیدی در کتابخانه ملی

هفته گذشته به مناسبت هشتاد و پنج سالگی مهدی آتریزیدی بزرگداشتی در انجمن آثار و معارف فرهنگی برای وی برگزار شد. آتریزیدی که برای این مراسم به



تهران آمده بود از کتابخانه ملی نیز بازدید کرد. آتریزیدی که از بخش تخصصی ادبیات کودک کتابخانه ملی بازدید کرده گفت: «تاسیس و راه اندازی چنین مرکزی تا به حال صورت نگرفته و حال می توان امیدوار بود که این مکان باعث عمق و ارتقا بخشیدن به کتاب های کودک و نوجوان باشد.»

نویسنده مجموعه داستان های «قصه های خوب برای بچه های خوب» یکی از کتاب هایش را امضا کرد و به کتابخانه ملی اهدا کرد.

اغلب کتاب های کتابخانه مرکزی نوشهر فرسوده است

مسئول کتابخانه مرکزی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشهر گفت: اکنون بخش قابل توجهی از 17 هزار جلد کتاب و منابع موجود در کتابخانه مرکزی نوشهر، قدیمی و فرسوده است. نورالله ناظریان در گفتگو با مهر اضافه کرد: علاوه بر این مشکل، کمبود امکانات و تجهیزات مورد نیاز، سبب کاهش استقبال از این کتابخانه شده است. تنها کتابخانه عمومی شهر استان 28 هزار نفری نوشهر در غرب استان مازندران، دو هزار و 500 عضو دارد. ناظریان اجرای طرح جامع فناوری اطلاعات در کتابخانه ها را برای به روز شدن منابع ضروری دانست و افزود: در زمان حاضر به روز نبودن منابع و کتابها و کمبود امکانات از مهمترین مشکلات فراوری کتابخانه های عمومی است.

نقد کتاب «اندوه جنوبی» در رادیو فرهنگ

«اندوه جنوبی» اثرمانی از محمد ابوبی در رادیو بررسی شد. اندوه جنوبی که در برنامه هفته گذشته ادبیات داستانی مورد نقد بررسی قرار گرفت از رادیو فرهنگ بخش شد. همچنین زمان آراء شنیدنی، «سه گانه آواز طوفانی جنوب» و مجموعه داستان امرایی بی پایان»

هم از دیگر آثار محمد ابوبی نویسنده «هواری است. قابل ذکر است که برنامه «گفت و گو با ادبیات» شب های سه شنبه تا پنجشنبه از رادیو فرهنگ پخش می شود.

کتابی از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

کتاب «دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران» به همت مرکز طرح و برنامه ریزی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران منتشر شد. این کتاب از شش فصل تشکیل شده است: دستاوردهای سیاسی، دستاوردهای فرهنگی، دستاوردهای اجتماعی، دستاوردهای اقتصادی، دستاوردهای نظامی انتظامی و منابع و مآخذ.

تجدید چاپ داستان های «شیرچنگی»

با نامه نظامیان آمریکایی چاپ هفتم مجموعه داستان «داستان شهر جنگی» نوشته حبیب احمدزاده منتشر شد. در این چاپ، متن پاسخ های نظامیان آمریکایی به نامه حبیب احمدزاده خطاب به کاپیتان «ویل راجرز» و نهدنظر از افسران نیروی دریایی آمریکایی در زبان فارسی و انگلیسی به عنوان ششیمه به کتاب افزوده شده است.

کتابخانه های عمومی خوزستان یکدوره شدند

مدیر امور کتابخانه های عمومی استان خوزستان با ابراز نگرانی از وضعیت موجود این کتابخانه ها گفت: «در استان خوزستان به ازای هر 100 نفر جمعیت 46 سانتی متر فضای کتابخانه ای وجود دارد». رحیم فضیلت پور گفت: در حال حاضر تعداد کتابخانه های عمومی استان خوزستان 89 واحد است که 77 واحد آن را کتابخانه های شهری و 12 واحد آن را نیز کتابخانه های روستایی تشکیل می دهند.

زندگی نامه داستانی شهید مهدی باکری

به چاپ سوم رسید کتاب «فردی بی اورد زندگی داستانی شهید مهدی باکری» نوشته جهانگیر خسروشاهی توسط انتشارات سوره مهر به چاپ سوم رسید. این کتاب جلد سیزدهم از مجموعه «مفاخر ملی - مذهبی است که با 176 صفحه، شمارگان 2200 نسخه و قیمت 1500 تومان منتشر شده است.

راه اندازی سایت کتابخانه کتابدل

سایت خانه کتابدل کودک و نوجوان به نشانی اینترنتی www.ktpd.ir راه اندازی شد. این سایت با هدف ایجاد مرکز اطلاع رسانی مشاوره و مشارکت



با خاتمه آن ها، مراکز آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، هنری، رسانه ای، اقتصادی و صنعتی بر پایه شده است و گفتنی است خانه کتابدل نهاد فرهنگی است که با سامانتار اداری مستقل زیر نظر شورای کتاب کودک از سال 83 کار خود را آغاز کرده و گروه هدف این نهاد فرهنگی، کودکان و نوجوانان هستند.



پیشتخوان جهانی

مهدی جدی‌نیا

با حذف تصاویر کتاب « کشورهای دور ، کشورهای همسایه»

صهیونیست‌ها حقایق ۱۱ سپتامبر را سانسور کردند

تصاویر حذف‌شده

این هفته بازار کتاب شاهد رویدادهای مختلفی بود که یکی از مهم‌ترین محورهای آن سانسور کتاب در نقاط مختلف جهان بود. سانسور کتاب مسوور کشورهای دور، کشورهای همسایه، در کرهٔ یکنی از این اخبار بود. ناشر این کتاب در پی فشارهای موسسهٔ سایمون ویزنتال، مجبور شد در چاپ اخیر سه نقاشی از کتاب را سانسور کند. این کتاب که چندی پیش در کره جنوبی منتشر شده بود به کلیه به این مطلب اشاره داشت که نفوذ صهیونیست‌ها در مخابرات اقتصادی و قدرت سیاسی آمریکا موجب حملهٔ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شده است. موسسهٔ سایمون ویزنتال، که نهادی وابسته به صهیونیسم بین المللی است و در شرق آسیا فعال است، پیش از این نیز با فعالیت‌های خود موجب تعطیلی یک‌شنبه فرهنگی «سیاسی ژاپنی» در سال ۱۹۹۵ شده بود. این نهادمانه که مارکو پولو به نامت مقاله‌ای به قلم یک چراح معز و امضای ژاپنی منتشر کرده بود که در آن به نظم اجتناب از انکار سرچ هول گاستس، به خریدهای دریاره صحت ادعای شاهدان دریاره حمام‌های مرگ و کوره‌های آدم‌سوزی در «آشوریتس» و دیگر اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها دامن زده شده بود و تمامی این ادعاها (اتفاق آمیز توصیف شده بودند. کتاب کشورهای دور، کشورهای همسایه، در حالی سانسور شد که به واسطه اثر ساده و شیوه جذابی که برای معرفی کشورهای مختلف جهان اتخاذ کرده، در مدت کوتاهی به پر فروش‌ترین کتاب کره جنوبی تبدیل شده و تا امروز هزاران نسخه از ویرایش سانسور شده آن در این کشور به فروش رفته است.

حالا که از صهیونیسم بین المللی خواندید بخوانید از اینکه ارتست زدن،ل نویسنده و ناشر آلمانی نیز به دلیل نقض قانون «مع انکار هولوکاست» گناهکار شناخته شده و به پنج سال زندان محکوم شد. روی که به دلیل این عمل در سال ۲۰۰۵ از کاتادا به آلمان ستره شده بود تا در این کشور محاکمه شود به شدیدترین مجازاتی محکوم شد که در قوانین آلمان برای انکار هولوکاست در نظر گرفته شده است.

از جمله اتهامات «زدن» جمله ای از کتاب وی است با عنوان «آیا واقعا شش میلیون نفر کشته شدند؟» که بخشی از آن نیز در سخن یادگاره فرانت شد. او در این بخش از کتابش نوشته است: «درحالی که حتی بحث کردن درباره امکان طواع خورشید از مغرب، مسئله‌ای آزاد است، صحبت کردن و زیر سوال بردن هول گاست امری غیر ممکن تلقی می‌شود. به زعم دادگاه آلمانی، او در این کتاب از شیوه‌های شبه علمی» و نادرست برای اثبات مدعای خود در رد ادعای قتل عام ۶ میلیون یهودی در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها استفاده کرده است.

اما اتفاق دیگر مهم این هفته که به نوعی به سبزی مریوط می‌شود، ممنوعیت چاپ یک کتاب مرتبط به خاندان امپراتوری در ژاپن است. در این اثر، خاندان امپراتوری ژاپن، نسخه ژاپنی کتاب پرنسس ماساکو، امپراتور کی کومونه، نوشته مین هیلزو، استرالیایی از بازار کتاب خارج و معلوم شد. در این کتاب، پرنسس ماساکو که پیش از وصلت با خاندان سلطنتی ژاپن، عنوان دیپلمات وزارت امور خارجه ژاپن مشغول به کار بوده، به صورت یک زنانه تصویر شده است که سپس از ادواج با شاهزاده ناروهیچی، ولیعهد امپراتور در سال ۱۹۴۳ قادر به ادامه حرف خود نیست و نقاشی‌های مکرر وی برای بازگشت به سمت سابق خود از سوی مستران سیاسی این کشور نایده گرفته می‌شود.

در پی انتشار این کتاب، وزارت امور خارجه ژاپن از ناشر و نویسنده آن خواست که اشیاءات آن را تصحیح کرده و همچنین از خاندان سلطنتی ژاپن نیز طری خواهی کنند. علاوه بر آن، موسسه امور خاندان سلطنتی ژاپن نیز طری خواهی این کتاب را نامزست و تحریف شده خواند، علاوه بر موضوع کتاب، اثر این جلوه روزنامه‌نگار استرالیایی و نویسنده این کتاب، فاقد ارزش‌های فرهنگی و احترام‌بروی است که مردم ژاپن به طور سنتی نسبت به خاندان سلطنتی این کشور قائل هستند.

در این حال، هیئت‌بهایه‌های دولت ژاپن را تلاش آشکار در سانسور

انکار عمومی توصیف کرد و از هرگونه تغییر یا تعدیل کتاب خود امتناع کرد. از این بحث‌ها که بگذریم خیر، جالب این هفته معرفی نامزدهای بهترین کتاب رمانتیک انگلیس بود که به رغم رسم معمول، برای دومین سال متوالی نام یک نویسنده مرد نیز در آن به چشم می‌خورد. این جایزه پنج هزار یونانی برای بهترین کتاب رمانتیک انگلیس، شش نفر نامزد نهایی دارد که پنج نویسنده زن و یک نویسنده مرد در آن حضور دارند.

در این جایزه که اکنون طی ۲۶ سال برگزار می‌شود، هیچ نویسنده مردی نتوانسته برنده آن شود. «مت دان» با کتاب «دوست سابق» تنها نامزد مرد این دوره است.

به گزارش روزنامه گاردین، «دزی توماس» که در سال ۱۹۸۵ برای کتاب «طلوع خورشید» توانست جایزه بهترین کتاب رمانتیک انگلیس را



به‌دست آورد. این بار با کتاب «السطوره» و یاقوت» نامزد شده است. کتلی فلین» برای کتاب «آن‌سوی تپه‌های آبی»، گامی در تاریکی» نوشته «جودیت لیزکس»، «به‌دنیای واقعی خوش آمدید» نوشته کارول ماتیوس» و «آموزش قلبی» نوشته «الیزابت مکنا گریگور» دیگر نامزدهای جایزه بهترین کتاب رمانتیک انگلیس هستند. برنده این جایزه روز ۲۷ آوریل معرفی خواهد شد.

اما جویلیا از اینکه نوشته انصاری نخستین زن قلمساز و به همکاری یک نویسنده آثار پر فروش، کتاب خاطراتش را منتشر می‌کند. کتاب خاطرات سفر فضایی نوشته انصاری که با همکاری هومر هیکام، نوشته خواهد شد. در اواسط سال جاری مسیحی عرضه می‌شود. انصاری گفته است که قصد دارد درآمد حاصل از فروش این کتاب را به موسسات خیریه اهدا کند.

وی افزود امیدوارم کتابم بتواند مردم سراسر جهان را به محقق کردن رویاهای شان تشویق کند، چون رویاهای حقیقت می‌یابند. در گذارش این کتاب، من سعی دارم خوانندگان را سوار بر یک فرش تجلی به فضا بپریم. آنها زمین را بالا خواهند دید و در حالت بی‌وزنی در فضایی شناور خواهند شد که اکنون برای آنها غیر قابل دسترس و بیگانه است.

در کتاب نوشته انصاری، به آموزش‌های ابتدایی که برای سفر به فضا داده شده، تا المظلات پیش از پرواز و رسیدن به ایستگاه فضایی بین‌المللی اشاره شده است.

هیگام دریاره قبول پیشنهاد همکاری با انصاری گفت: من کتاب‌های

زیادی دریاره خاطرات سفر فضایی‌ودان خوانده‌ام. اما وقتی نوشته‌های انصاری را دریاره قصاص در وبلاگ او خواندم، فهمیدم که هیچ‌کس به اندازه او احساس و درک درستی از فضا نداشته است. برای همین وقتی پیشنهاد همکاری برای نوشتن کتاب را داده، سریع قبول کردم. وی افزود این تنها یک کتاب فضانوردی نیست بلکه داستان زندگی است که با پشت سر گذاشتن مراح متعدد، به موفقیت رسید. این کتاب می‌تواند موجب درک متقابل ایران و غرب شود.

هیگام تاکنون هشت کتاب پر فروش در بخش داستانی و غیر داستانی نوشته و کتاب خاطرات «پسرهای راکت» او جزو نامزدهای کتاب سال آمریکا بوده است. اما شیونید از اینکه اسامی جدیدی ها همجان انحصاری نمایشگاه کتاب پاریس هستند. دبیرخانه دائمی نمایشگاه کتاب پاریس اعلام کرد که کشور هند، همجان و شرکت کننده انحصاری نمایشگاه کتاب پاریس خواهد بود. در این پایه‌های بی‌شمار شده است که در فروش کتاب در این سال، هفتی از هر ۱۵ میلیارد یورو بگذرد در همین راستا و در نمایشگاه کتاب پاریس نیز چندین ناشر معتبر فرانسوی اقدام به برگزاری یک نشست با عنوان «هندستان چگونه به کشف شد؟» می‌کنند که در آن به موضوع گرانش به کتاب و کتابخوانی در هند پرداخته می‌شود. هند در سال ۱۹۹۳ نیز به عنوان شرکت‌کننده انحصاری به نمایشگاه بین‌المللی کتاب پاریس دعوت شده بود.

گفتنی است نمایشگاه بین‌المللی کتاب پاریس از ۱۳ تا ۲۷ مارس هفته اول فوروردن ۱۹ فوراردن می‌شود. حال که از نمایشگاه کتاب حرف زدیم بخوانید از اینکه نمایشگاه بین‌المللی کتاب مراکش هفته گذشته در شهر کازابلانکا برگزار شد. در این نمایشگاه، روزی که ۲۸ بهمن ادامه داشت بیش از ۶۰۰۰۰ عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف به مخاطبان ارائه شد. نمایشگاه کازابلانکا یادالطباعی از مهم‌ترین نمایشگاه‌های کتاب در حوزه علوم اسلامی به شمار می‌رود.

اما از خیرها که بگذریم این هفته کتاب «روز خوش خوب خورد» در هفته‌های گذشته و تا دسامر پخشید در حالی که کتاب «شما در رژیم غذایی» نیز فروش خوب خود را از هفته‌های گذشته ادامه داد. این کتاب که روش علمی تغذیه یکی از پر فروش‌ترین کتاب‌ها در سه ماهه اخیر به شمار می‌رود، دو کتاب جدید نیز به لیست پر فروش‌ها در این هفته اضافه شده. یکی از آنها «دانش موفقیت» است که از طرف علمی کسب موفقیت را ابیات می‌کند. این کتاب که توسط جیمز آزورته ریخته تحریرو درآمد از کتاب‌های موفق در زمینه روان‌شناسی اجتماعی به شمار می‌رود کتاب دیگری که خاطرات روزانه یک سرباز کودک است که توسط شمالی به نوشته شده. این کتاب خاطرات و خطرات پیرامون زندگی سرباز کودک در جنگ و رسوا، استفاده از آنها در تیردهای داخلی تازه سیاه و بیان می‌کند.

کتاب امی پربلی آرزو، نیز به فروش خوب خود ادامه داد. این کتاب که توسط پارانکا اوما را قیب انتخابی دور آینده در ایالات متحده رو قیب جدیدی حامل خبری هیلاری کلینتون در ۲۸ صفحه تهیه شده، توسط انتشارات کرول منتشر شده است.

کتابی «درد سکوت» اثر ترا اربتز در کنار «میوه‌های تازه» اثر سوی شی آکوی و «پایان نقره» به قلم فردا سائز در دیگر کتاب‌هایی بودند که این هفته فروش خوبی را تجربه کردند.

کتاب امی صدفات» کتاب پراستقبال دیگری بود که در رده کتاب‌های غیر داستانی با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد. کتاب «دنیای مسطح» است. نیز کتاب پر فروش دیگر این هفته به قلم فردا من بود. این کتاب اقتصادی به زبان ساده برای مبتدیان است و به سادگی روی دیگر سکه سرمایه‌گذاری‌ها و سیستم‌های اقتصادی را روایت می‌کند.

از دیگر کتاب‌های پر فروش این هفته در سایت اینترنتی بازار آندونیل و حتی آمازون، می‌توان به کتاب «۳۰۰۰»، «فانلیست آمریکایی» و «رمان فانلیته» که در هفته‌های گذشته نیز فروش خوبی را تجربه کرده‌اند اشاره داشت.



بهنام ناصح

خبرگزاری کتاب نزدیک به ۴ ماه است که توسط خانه کتاب راه اندازی شده و در طول این مدت مراحل اولیه کار خود را پشت سر گذاشته است. از این رو به نظرمی رسد کم کم زمان آن فراسیده تا مسئولان گردانندگان آن با استفاده از نظر کارشناسان و صاحب نظران به ارزیابی کم و کیف عملکرد خود در این مدت بپردازند و از راهشهای های آنان در ارتقای این رسانه مهم بهره گیرند. به همین منظور طی نشست هفتگی گذشته در ساختمان فخر خانه کتاب برگزار شد. بایسته های خبرگزاری کتاب با حضور مدیر عامل خانه کتاب و جمعی از استادان علوم ارتباطات، ناشران و سرپرست خبرگزاری کتاب بررسی شد.

در ابتدای این نشست سید مهدی جهرمی به شرح مختصری از اهداف تأسیس خبرگزاری کتاب پرداخت و یاد آور شد: «کتاب مقوله ای است که باید وارد متن زندگی مردم شود و برای این کار امر اطلاع رسانی و تماس علمی با آن ضروری به نظر می رسد».

وی مردم ایران را مردمی فرهیخته و اهل فرهنگ معرفی کرد و افزود: مردم ما در تمام دوران تاریخ، مردمی با دانش و فرهنگ بوده اند. یکی از دلایل این سخن حضور افراد دانشمند و آگاه است که چه در داخل کشور و چه در سراسر جهان منشأ بسیاری از دستاوردهای علمی و فرهنگی بوده اند.

مدیر عامل خانه کتاب آمار پائین ارائه کنیختاری در این راستا حدی آبخسته با افران دانست و عنوان کرد: «اگر چه میزان مطالعه در سطح کشور با مقدار آسانی ما ناصافه دارد و می بایست از افزایش علاقه مردم به کنیختاری بگوئیم اما به نظر می رسد آمارهایی که ارائه داده می شود نیز چندان صحیح نباشد».

وی ادامه داد: یکی از اهداف راه اندازی خبرگزاری کتاب اهتمام به اطلاع رسانی دقیق و همه جانبه در خصوص کتاب برای همه کشرهای جامعه بوده و امیدوارم از این طریق بتوانیم هر چه بیشتر فرهنگ مطالعه را در کشور توسعه بدهیم.

جهرمی افزود: تشکیل چنین نشست هایی را بهر و منفعتی از نظر ارتقاء آستان و خبرنگاران حوزه کتاب برای اتخاذ تدابیر و سیاست های آتی خبرگزاری کتاب ایران ضروری گرد و ایراد امیدواری در این نشست ها در آینده پربارتر برگزار شود. سپس به پانگ آیین، سرپرست خبرگزاری کتاب گزارشی کوتاه از فعالیت های صورت گرفته در خبرگزاری کتاب از زمان تأسیس آن تا کنون ارائه کرد. وی گفت: خبرنگاری حوزه کتاب، تلفیقی از دانش و یادگاریست ای و آشنایی با سبک کمپیتی از حوزه های علوم و معارف و کنیشتاسی آن حوزه است که خبرگزاری کتاب، شروعی برای نهادینه کردن آن است. پاک آیین افزود: همچنین خبرگزاری کتاب می تواند در ادامه مسیر خود فرصتی برای جمع و ایجاد شکل صفتی برای خبرنگاران این حوزه فراهم آورد.

در ادامه این نشست دکتر کاظم معتمدنژاد استاد علوم ارتباطات و یکی از پیشکسوتان عرصه روزنامه نگاری و در خصوص تاریخچه چاپ و استفاده از کاغذ در ایران باستان سخن گفت و عنوان کرد: استفاده از کاغذ در ایران تاریخی حدود ۲۰۰۰ ساله دارد و ایرانی ها بسیار پیش از اروپایی ها از کاغذ و چاپ استفاده می کردند و می توان گفت کاغذ از طریق ایران به اروپا رانیدار کرد. در زمان ایلخانیان در ایران از چاپ چینی استفاده می شد اما متأسفانه اکنون با وجود چنین پیشینه درخشانی از غرب عقب افتاده ایم.

وی ادامه داد: «در وقت کتاب، هدف از انقلاب بهر و هم تمام مشکلات از قبیل جنگ و ... بسیار خوب بود و آمار گواهی این مدعاست در سال های آخر پیش از



مدیر عامل خانه کتاب در نشست بایسته های خبرگزاری کتاب تأکید کرد

اطلاع رسانی دقیق خبرگزاری کتاب از دنیای نشر

انقلاب شمارگان هزاران جلد بود ولی اکنون به پیش از ۵ هزار جلد رسیده است و از این نظر می توان گفت از بسیاری از کشورهای جلوتریم».

دکتر معتمد نژاد با پراهمیت خواندن وجود خبرگزاری کتاب و امر اطلاع رسانی در زمینه فرهنگ تصریح کرد: « هر چه اطلاع مردم و به خصوص جوانان از کتاب بیشتر باشد طبیعی است که استقبال و اشتیاق آنان برای خواندن فزونی می گیرد از این رو من پیشنهاد می کنم آشنایی با کتاب و نقد کتاب را از دوران نوجوانی و از دبیرستان ها آغاز کنیم و برای این کار زمان مشخصی در مدارس در نظر گرفته شود».

وی در پایان سخنان خود به اهمیت پرورش خبرنگاران در حوزه کتاب پرداخت و اظهار داشت: «خبرگزاری کتاب ایران باید مقدمات توسعه فرهنگ کتاب را فراهم کند و در این راه خبرنگارانی را پرورش دهد».

محمد سلطانی فر، استاد دانشگاه نیز در این نشست حضور داشت و با ذکر نظرات و مامیختاری و سایت اطلاع رسانی، عنوان کرد: «امروزه در دنیا کشر می کشیم که خبرگزاری ای در خصوص کتاب وجود داشته باشد و بیشتر سایت های اطلاع رسانی

دکتر معتمد نژاد: خبرگزاری کتاب ایران باید مقدمات توسعه فرهنگ کتاب را فراهم کند و در این راه خبرنگارانی را پرورش دهد

است. وی ادامه داد: «یک خبرگزاری می بایست دارای مراکز مختلف کسب خبر در نقاط مختلف کشور و جهان باشد، توانایی کسب اخبار روزانه کتاب از نقاط مختلف و زمینه های گوناگون و ... را داشته باشد».

این استاد دانشگاه افزود: «به اعتقاد من پیش از هر چیز باید حوزه های مختلف از هم تفکیک شود تا بتوان با کام نهادن در هر یک از این حوزه ها وظایف و رسالت های خود را به نحو بهتری به انجام برسانیم».

دکتر سلطانی فر مهم ترین بایسته برای خبرگزاری کتاب را امر مخاطب شناسی در حوزه کتاب و دادن اطلاعات صحیح و پررور اعلام کرد و افزود: «مخاطفات هنوز نقد کتاب در کشور آنچنان که باید و شاید جایگاه درخور پیدا نکرده است و به نظر می رسد می بایست در این زمینه نیز پیش قدمی».

عبدالکریم جزیره دار «مدیر نشر اساطیر» نیز نظری این چنین داشت. وی عنوان کرد: «اگر چه در خبرگزاری اولویت با تولید خبر است اما در این میان نباید نقد محتوایی کتاب ها را از یاد برد».

وی ایراد امیدواری کرد در کنار دیگر زمینه های خبری رایج در خبرگزاری، مسئله نقد نیز در خبرگزاری کتاب جدی گرفته شود.

در ادامه برخی از ناشران سخن گفتند و به بررسی مسائل در حوزه نشر و اطلاع رسانی پرداختند. نادر قدیانی به عنوان یکی از ناشران مطرح کشور عنوان کرد: «وجود چنین خبرگزاری هایی بسیار مفید و ارزشمند است و جا دارد از مسئولان آن برای راه اندازی آن تشکر کنم».

وی آمار روزگی و کلی گوئی را از آفات بزرگ خبررسانی ها اعلام کرد و افزود: «امیدوارم خبرگزاری کتاب آمار روزگار را ها کند و به جای آن به مشکلات ناشران و به طور کلی نشر بپردازد».

قدیانی توضیح داد: «متأسفانه نکیختاریش از سبک به آمار موجب شده است عده ای موجودی را به چاپ های متعدد با شمارگان معدود از یک عنوان کتاب در یک روز به کسب شهرت های کاذب

بپردازند و برخی رسانه ها ندانسته به بزرگ نمایی این مسائل مبادرت کنند».

سید اقبال مدیر نشر اقبال نیز با اشاره به لزوم همه جانبه بودن اخبار کتاب عنوان کرد: «در اخبار کتاب علاوه بر پرداختن به مولفان و خود کتاب ها باید به دیگر قسمت های چرخه نشر نیز توجه داشت».

متأسفانه در حوزه کتاب، اطلاع رسانی دقیق و روز نیست و ناشران هستند که از وضعیت دقیق مواد اولیه کارشان مثل کاغذ به خوبی اطلاع ندارند. پرداختن به این موارد از وظایف خبرگزاری است که می تواند جای عالی اطلاع رسانی در این حوزه را پر کند».

مدیر عامل خانه کتاب در پایان این نشست اعلام آمادگی کرد که در صورت تمایل و با پیش گذاشتن آسانید و خبرنگاران در خصوص بحث آموزش، خانه کتاب با تمام امکاناتش برای تحقق این امر اقدام خواهد کرد.

در حاشیه این نشست مسئولان و اساتید در فضایی صمیمانه به سوالات خبرنگاران پاسخ گفتند. سید مهدی جهرمی در جواب سوال خبرنگار کتاب هفته مینس بر وجود پاره ای از مشکلات فنی در سایت خبرگزاری کتاب از جمله بخش جست و جو عنوان کرد: «البته پاره ای از مشکلات وجود دارد و ما از آن گاهیم و تاکنون در صد رفع بیشتر آنها را مدیم».

در این راستارم افراز جدیدی به ناگهی نصب شده است که تا چند روز آینده بسیاری از امکانات این سایت از قبیل جست و جو و ... را نامین می کند».

همچنین از وی در خصوص ایراد مشکلات شخصی و کاری ناشران به جای پرداختن به موضوعات مشخص شده در جلسات تخصصی سوال شد که وی پاسخ داد: «البته من هم معتمد که اگر به موضوع جلسات به صورت منسج تر پرداخته شود، نمرات بیشتری حاصل خواهد شد اما به هر صورت این جلسات نیز می تواند نهانه خوبی برای طرح مشکلاتی که به هر نحو به چرخه تولید کتاب مربوط می شود باشد و ما هم به این وسیله از درد دل دوستان آگاه شویم».



حسین لرستانی

حسین لرستانی

خوشبختانه در چند سال اخیر کشور ایران تاوسنه با تلاش دست اندکاران این حوزه جایگاه‌گناسته ای در عرصه بین المللی کسب کند تا آنجا که به آموزش و پوستن کشورهای همسایه نیز همت گماشته است. گفت وگویی با

داریوش مظفری رئیس واحد شاخک خانه کتاب در خصوص موفقیت ایران در سازمان Isbn و اقدامات اخیر این واحد انجام داده‌ایم

پای صحبت داریوش مظفری، رئیس واحد شاخک خانه کتاب

نشانی کتاب‌های جهان را از شاخک بگیرید

آقای مظفری لطفاً کمی درباره تاریخچه حضور ایران در سازمان جهانی Isbn و اقداماتی که تا کنون انجام گرفته توضیح دهید.

خانه کتاب ایران از سال ۷۲ به نظام جهانی شاخک پیوست و در این مدت تمام تلاش خود را معطوف به این امر کرده تا بتواند جزو اعضای فعال در این حوزه باشد. در سال‌های گذشته ارتباط ما با سازمان جهانی و کشورهای عضو منحصراً به دادن گزارش‌ها، گرفتن و دادن اطلاعات بوده است اما از چهار سال پیش تا کنون گوشه‌گشک کرده‌ایم تا فعالیت‌هایمان را گسترده تر کنیم به طوری که از سال ۲۰۰۳ مرتب در کنفرانس‌های Isbn شرکت کرده‌ایم.

با توجه به اهمیت‌یکه کمسیونارهای Isbn دارد ما خیلی علاقه مند بودیم که این کنفرانس یک بار هم در ایران برگزار شود و با تلاش در این زمینه توانستیم در سال ۲۰۰۵ برای اولین بار در ایران آن را برگزار کنیم و به این طریق انحصار میزبانی اروپا توسط ما شکسته شد. **در چند سال گذشته تغییرات عمده‌ای در نظام شاخک رخ داده است. در خصوص این تغییرات توضیح دهید.**

از آنجا که شاخک به شکل چاپی کتاب منحصراً نمی‌شود و تمام تک‌نگارنت‌ها هم از کتاب‌های الکترونیکی، نرم‌افزارها و ویدیوهای آموزشی، نورهای گویا و… در بر می‌گیرد، برخی تغییرات ضروری به نظر می‌رسید. یکی از تغییرات این بوده که ساختار نظام Isbn بر اساس تغییراتی که در حوزه نشر رخ داده از ۱۰ رقم به ۱۳ رقم افزایش یافته است.

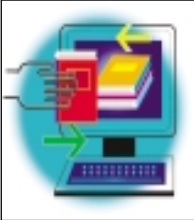
از ابتدای ژانویه سال ۲۰۰۷ کشورهای عضو ملزم هستند که از شاخک سیزده رقمی استفاده کنند و کتاب‌هایی که شاخک ۱۰ رقمی داشته‌اند در تجدید چاپ و اطلاع‌رسانی در بانک‌های اطلاع‌رسانی از شاخک ۱۳ رقمی استفاده کنند.

برای هماهنگی ناشران ما با نظام جدید شاخک چه اقداماتی صورت گرفته است؟

ما برای اینکه بتوانیم پیاده‌سازی ساختار جدید را بدون کم‌ترین مشکل انجام بدهیم در چند مرحله اقداماتی انجام داده‌ایم. در سال گذشته آموزش ناشران، کتابداران و دست‌انگاران حوزه فرهنگ را با چاپ بروشور، برگزاری کارگاه‌های آموزشی آغاز کردیم و همچنین با ارسال مقالات و اطلاعیه‌ها در نشریات مختلف مثل کتاب هفته و روزنامه‌های کثیرالانتشار این کار را پی گرفتیم. سپس نرم‌افزارهای لازم را برای تبدیل شاخک ۱۰ رقمی به ۱۳ رقمی در اختیار ناشران و افراد مربوطه قرار دادیم تا این تبدیل به راحتی انجام گیرد. علاوه بر این در سایت شاخک خانه کتاب به نشانی www.isbn.ir نرم‌افزاری قرار دادیم که ناشران به راحتی می‌توانند با درج شاخک ۱۰ رقمی،

شاخک ۱۳ رقمی را دریافت کنند و همچنین این امکان را فراهم می‌سازد که بارکد یا رمز زمینه این شاخک این‌املاطه کنسد. در مرحله بعد، برای تمام کتابهایی که در مراکز ارشاد استان‌ها در این زمینه با ما همکاری دارند در هفته کتاب یک دوره یک‌روزه برگزارشان در نظر گرفتیم تا با این تغییرات آشنا شوند.

لطفاً کمی درباره شرایط ایران در پیرستن کشورهای دیگر



فارسی‌زبان به سازمان جهانی Isbn توضیح دهید.
در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ برای اینکه بتوانیم نقشن پویا تری در عرصه بین‌المللی داشته باشیم کمک به کشورهای تاجیکستان و افغانستان را برای ورود به نظام Isbn آغاز کردیم. برای کشور تاجیکستان توانستیم شماره گروهی بگیریم و کار آموزش آنها را برعهده گرفتیم و طی سفری که مبحث کتاب Isbn این‌ها به آن کشور داشت این طرح عملیاتی شد و الان تاجیکستان جزو این نظام محسوب می‌شود. البته هنوز سبسیازی از اطلاعاتی که بین سازمان جهانی و کشور تاجیکستان رد و بدل می‌شود با همکاری ایران انجام می‌گیرد.

آن‌را به هر صورت ممکن به دست می‌آورد. اینگونه تست که در شرایط دشوار کنونی و مشکلات اقتصادی موجود امکان دسترسی به کتاب به‌طور مطلق برای یک فرد وجود نداشته‌باشد. پس اگر نرخ کتابخوانی پایین است نمی‌توان این امر را به دلیل پایین بودن درآمد و بودجه برخی خانوارها گذاشت. این پهنانه‌ای پیش نیست.

از سوی دیگر راجع به این فرضیه که نرخ مطالعه در کشور ما پایین است؛ باید بگویم که هیچ ملاک و معیار مشخص و بررسی و تحقیق علمی درباره نرخ مطالعه و کتابخوانی در کشور نداریم. آنچه درباره نرخ کتابخوانی از چند دقیقه و چند ثانیه با آمارهای مشابه گفته می‌شود برداشتی از سوی برخی افراد یا رسانه‌های گروهی است و بیانی علمی و پژوهشی ندارد.

کشور ما به عنوان کشوری برخوردار از یک تاریخ، فرهنگ و تمدن کهن که در آن مکتب اسلام حاکم است و معجزه پیامبرش کتاب بوده شناخته می‌شود. در این مکتب کتابخوانی و علم آموزی یک فریضه و تکفل و ادبیت بسیار مقدس است. با توجه به این موارد و انتظارات موجود، نرخ کتابخوانی با آنچه باید باشد فاصله بسیار عمیق و زیادی دارد.

با توجه به صحبت‌هایی که این روزها درباره بودجه فرهنگی کشور همزمان با ارزیابی آن در کمسیون فرهنگی مجلس مطرح است، معتقدم که مهم بودجه فرهنگی از بودجه عمومی چندان قابل قبول نیست به طوری که در فصل فرهنگ، هنر، تربیت بدنی، گردشگری و میراث فرهنگی شاهد هستیم که جمعاً در حدود سه درصد از کل بودجه کشور به این امور اختصاص می‌یابد که به‌طور مسلم کافی نیست. به خصوص با توجه به اهداف فرهنگی بلندمدت نظام جمهوری اسلامی ایران و با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران انقلابی نیست. این میزان رقم کمی است. اما کاری که می‌توان در کوتاه‌مدت انجام داد بالا بردن بودجه فرهنگی است. وقتی نمی‌توان اعتبارات را بالا برد باید از همین اعتبارات موجود بهره‌وری مناسب داشت. اگر از من پرسید که آیا این توان صورت گرفته است؟ جواب می‌دهم خیر. به عقیده من از اعتبارات کم حوزه کتاب و کتابخوانی بهتر از اینها می‌توان استفاده کرد و نتایج بهتری گرفت.

البته تلاش ما در کمسیون فرهنگی مجلس بر این است که این مهم به درمندی‌را بیشتر کنیم. هفته گذشته دیداری با رئیس جمهور داشتیم و بحث‌های فرهنگی مطرح شد. اکثر قریب به میزان اقع‌بنامه‌تری افزایش سهم بودجه فرهنگی از نرس جمهور این عرصه است. اما بالاخره کمی بودجه فرهنگی در سال آینده، به میزان اقع‌بنامه‌تری افزایش سهم بودجه برای انجام این کار وجود دارد اما بالاخره باید محدودیت‌هایی که در کشور است را نانده گرفت.

آقای رئیس جمهور نیز در کل با این نظر موافقت‌اند. البته عقیده ایشان این بود که نباید حوزه فرهنگ را صرفاً به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات و چند سازمان مشخص محدود کرد بلکه به عنوان نمونه حاصل کار نظام آموزشی و آموزش و پرورش کشور باید تحولات فرهنگی و آموزشی باشد. البته ایشان با افزایش اعتبارات بخش فرهنگ موافق هستند و باید از اینکه در یکی در سال گذشته به این بخش توجه ویژه‌ای داشته‌اند قدردانی کرد چراکه نسبت به گذشته رشد خوبی را شاهد بوده‌ایم.

—————

شماره ۷۱، شماره ۵، اسفند ۱۳۸۵

۷

گسترش استفاده از رایانه در فروش و توزیع کتاب در سطح ملی و بین‌المللی ناشران را به استفاده از سیستم‌های شماره‌گذاری شنویق کرد. در سال ۱۹۶۷ کتابفروشی آسمت و پسران برای اولین بار شماره استاندارد کتاب را برای فروش، سفارش و توزیع مطرح کرواستقبال تدمادی از کشورهای اروپایی و آمریکا از شماره استاندارد کتاب و عدم جواب‌گویی آن در سطح بین‌المللی باعث شد با همکاری سازمان جهانی استاندارد استفاده از سیستم شماره‌گذاری در سطح بین‌المللی مطرح شود.شماره استاندارد این‌المللی کتاب، نظامی بسیار سومندت وای توزیع، سفارش، انبارگردانی و سفارش کتاب، نرم‌افزارهای آموزشی و روش‌های رسانه‌ای است. با توجه به منحصراً به فرد بودن شاخک، امکان بازیابی هر عنوان از بین میلیون‌ها عنوان کتاب به راحتی امکان پذیر است.

در عرصه بین‌المللی کسب کند تا آنجا که به آموزش و پوستن کشورهای همسایه نیز همت گماشته است. گفت وگویی با داریوش مظفری رئیس واحد شاخک خانه کتاب در خصوص موفقیت ایران در سازمان Isbn و اقدامات اخیر این واحد انجام داده‌ایم

پای صحبت داریوش مظفری، رئیس واحد شاخک خانه کتاب

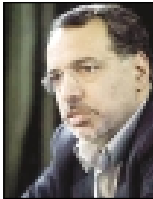
نشانی کتاب‌های جهان را از شاخک بگیرید

در مورد افغانستان نیز در صدد کاری مشابه هستیم. برای این منظور طی جلساتی که در طول یک ماه گذشته با رایزن فرهنگی و نماینده وزارت فرهنگ و اطلاعات افغانستان داشتیم موافقت اولیه صورت گرفته که ایران در امر شاخک با آن کشور همکاری کند.

در حال حاضر در حال گرفتن اطلاعات از نمایندگان کشور افغانستان و انتقال آنها به سازمان جهانی Isbn هستیم تا با بررسی‌هایی که در ایران و سازمان جهانی صورت می‌گیرد هر چه زودتر با همکاری ایران، افغانستان نیز به این نظام پیوندد.

این همکاری‌ها شامل چه بخش‌هایی است؟
اعم از طراحی شرح‌های مربوطه به نظام شاخک و در صورت نیاز شرح‌های حوزه نشر که به نحوی با نظام شاخک در ارتباطند و همچنین توزیع نرم‌افزارهای مربوطه و آموزش کارشناسان و نیروهای مربوطه می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت این همکاری عضویت از راه اندازی و آموزش را شامل می‌شود.

هدف اوان از این همکاری‌ها چیست؟
یکی از اهداف اصلی ما در کمک به کشورهای افغنتستان و تاجیکستان در راه نظام Isbn اعلام‌ویر منترت‌کارت فرهنگی‌زبانی، اهمیت‌است این‌توانیم با همکاری‌های فارسی‌سوز، صورت‌کلی‌داشته‌باشند. احساس‌کنیم که این طریقی می‌توانیم عرضه‌کتاب‌های‌کلاس را در بازارهای جهانی افزایش دهیم و به این طریق موجب گسترش هر چه بیشتر فرهنگ خوددر جهان باشیم. در این کمک‌ها معافت‌دهی‌در میان‌نیست و تنها اهداف فرهنگی را دنبال می‌کنیم.



—————

شماره ۷۱، شماره ۵، اسفند ۱۳۸۵

۷

خانه کتاب در یک نگاه

خدمات اطلاع رسانی

بخش دوم

این هفته در ادامه معرفی خدمات خانه کتاب در حوزه اطلاع رسانی مکتوب، به معرفی کتاب راهنمای ناشران و کتاب‌روشان می‌پردازیم.
اطلاعات ناشران و کتاب‌روشان از انتشار اطلاعات مربوط به ناشران فعال کتابتیراه اقدام می‌کند. این اطلاعات مورد استفاده ناشران کتاب‌روشان، مراکز توزیع کتاب، کتابخانه‌ها، موسسات فرهنگی و نام‌نهادها، مراکز است که به نحوی با حوزه کتاب و نشر سروکار دارند.

ت - راهنمای ناشران و کتاب‌روشان
کتاب راهنمای ناشران و کتاب‌روشان طی یک دهه گذشته از سال ۱۳۷۵ تاکنون هفده سال به خدمت خانه کتاب گزیده شده است. این کتاب از سال ۱۳۷۸ هم‌راه با لوح فلزده منتشر شده است. این کتاب از سال ۱۳۷۸ نیز اطلاعات کتابتیروسی‌ها به آن افزوده شده است. در نسخه حاضر نیز برای نخستین بار فهرست ناشران الکترونیک ضمیمه آن است.

در این نسخه اطلاعات و مشخصات ۲ هزار و ۷۹۶ ناشر فعال کشور و راه‌آزمه و اسامی ناشران به ترتیب الفبایی تنظیم شده است. این کتاب فهرست ناشرانی را شامل می‌شود که در فصلنامه سال‌های ۱۳۷۳ تا پایان شهریور ۱۳۸۵ حداقل یک کتاب منتشر کرده‌اند و مشخصات کتاب آنها در بانک اطلاعات خانه کتاب وارد شده است. اجزای اطلاعات نام خانوادگی مدرستول، نشانی پستی، کنسبی، صندوق پستی، تلفن، و درونگار، تاریخ تاسیس، آمار تعداد کل کتاب‌های هر ناشر و نیز اطلاعات خانه کتاب، موضوع کتاب‌های ناشران، نشانی پست الکترونیکی و نشانی پایگاه اینترنتی.

یکی از تفاوت‌های نسخه حاضر با نسخه‌های پیشین در این است که در سال‌های گذشته فهرست ناشرانی که تا پایان سال قبل از آن کتاب چاپ کرده‌اند، حذف شده است. اما اسامی نام ناشرانی که تا پایان شهریور سال جاری کتاب‌هایشان وارد بانک اطلاعات خانه کتاب شده است نیز در کتاب آمده است.

در این نسخه اطلاعات ۱۰ هزار و ۱۵۲ کتابتیروسی دایر و فعال کشور نیز گزارش داده شده و به کمک جست‌وجو نام شهرها و کتابتیروسی‌ها به ترتیب الفبایی تنظیم شده است. نو این بخش نام کتابتیروسی به همراه نام و نام خانوادگی، مدرستول، نشانی، تلفن و درونگار آنها فراهم آمده و کتابتیروسی‌هایی که فعالیت‌های دیگری همچون لوح فلزده، افزوده‌کننده، وسمار، کنسب، انجمنی و سایر محصولات فرهنگی داشته مشخص شده‌اند.

مهم‌ترین ویژگی کتاب اسامی سال گذشته افزایش ۲۵ درصدی اطلاعات کتابتیروسی‌هاست. در سال گذشته فهرست ۴ هزار و ۵۵۵ کتابتیروسی به چاپ رسیده بود. اما با فعالیت‌های گسترده‌ای که ناشران اطلاعات ناشرین در طول سال گذشته، اسامی اطلاعات این بخش به ۱۰ هزار و ۱۵۲ کتابتیروسی افزایش یافته است. این هم به نرسد تعداد واقعی کتابتیروسی‌ها بیشتر از این باشد.

در نسخه حاضر، همچنین برای نخستین بار اطلاعات ناشران الکترونیک نیز ارائه شده است. در یک معرفی کلی ناشر الکترونیک به شخص یا موسسه‌ای گفته می‌شود که توانایی تولید ناشر لوح فلزده را داشته باشد. مشخصه اصلی این محصول وجود متن یا اطلاعات (دیجی) در آن است. بنابراین به موسساتی که فقط به تولید تراژاری یا تکثیر و فروش لوح فلزده مشغول هستند ناشر الکترونیک اطلاق نمی‌شود. این بخش نام شرکت، نام نام خانوادگی مدرستول، نشانی پستی، تلفن، و درونگار، نشانی پست الکترونیکی و نشانی پایگاه اینترنتی ۷۷۷ ناشر الکترونیک ارائه شده است. یکی از بخش‌های دیگر کتاب ستاره‌ها و نمودارهای آماری از وضعیت کتاب‌های منتشر شده و تعداد ناشران و میزان فعالیت آنها نیز توزیع جغرافیایی کتابتیروسی‌ها و بسیاری اطلاعات دیگر است که تصویر کاملی از وضعیت نشر و کتاب کشور را در سال‌های اخیر نمایش می‌دهد.

در نسخه اطلاع لوح فلزده نیز پیوست کتاب است. در لوح فلزده کامل ترین اطلاعات ناشران آمده است. لوح فلزده همچنین کتاب‌های جستجو‌های مختلف و تهیه عروسی به صورت چاپی با فایل را فراهم می‌کند.

یکی از ویژگی‌های بارز نسخه حاضر کاربندی شدن آن است. در این کتاب با استفاده از شیوه‌های فرهنگ‌آموزسی تلاش شده، استفاده از کتاب سهولت و سریع‌تر شود. به این منظور اولین و آخرین نام هر صفحه در سرصفحه آورده شده و در جایی‌من متن حروف الفبا به صورت ایندکسی چاپ شده است. همچنین به منظور کاربندی و فریبوری از نسخه چاپی حذف اطلاعات تک‌کار و یا فریبوری از نسخه چاپی حذف شده اما در نسخه دیجیتال (لوح فلزده) آمده است. شماره نشانی، نشانی، نشانی، شماره پوآنه نشر، تصویر نشان (آرم ناشران)، جزئیات آماری فعالیت ناشران شامل تعداد کتاب‌های چاپ اول و چاپ مجدد و نیز تعداد ناشران ترجمه و یا اطلاعات بیشتر درباره ناشران و کتاب‌های منتشر شده در کشور و اخبار حوزه کتاب می‌تواند به سایت خانه کتاب **www. Ketaab.ir** مراجعه کنید.



مراسم افتتاح یکی از بزرگ‌ترین مراکز چاپ دیجیتال و تکنگ‌زنی مرتکزترین فروشگاه کتاب کشور هفته گذشته با حضور طیف گسترده‌ای مشاوران، رئیس جمهور و رئیس کنایه‌خانه ملی، رئیس‌سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و تعداد دیگری از مدیران شهری در خیابان شهید مطهری تهران برگزار شد.

در این مراسم خیرنگار کتاب هفته در گفت و گو با سریع القلم روابط عمومی و امور بین الملل و سرپرست معاونت فرهنگی موسسه نشر شهر وابسته به سازمان فرهنگی هنری شهرداری از کم و کزیه مرکز بزرگ چاپ دیجیتال کشور جویندا شد. سریع القلم توضیح داد: پس از اتمام پروژه ای دوساله دستگاه پیشرفته چاپ دیجیتال راه اندازی شد، این دستگاه دارای ویژگی های منحصر به فردی است که قابلیت های زیادی برای انواع چاپ فراهم آورده است».

وی ویژگی های این دستگاه را اینگونه عنوان کرد: «این دستگاه این قابلیت را دارد که با سرعیتی نزدیک به یک کیلو متر در ساعت روی کاغذ، از ۲۰۰ تا۳۰۰ گرم روی پارچه و PVC اقدام به چاپ کند.»

سریع القلم تکنولوژی به کار رفته در این دستگاه را قابل توجه دانست و افزود: «این دستگاه نسبت به دستگاه های مشابه از امکانات منحصر به فردی برخوردار است و با توجه به شرایط موجود در کشور این امکان را به وجود می آورد که برای چاپ دیجیتال در شمارگان محدود و آن اسفاده شود.»

وی راه اندازی این مرکز را برای مجموعه شهرداری و تکنگ‌زنی جوانان و افزود: «بسیاری از موسسات و سازمان های وابسته به شهرداری و تکنگ مراکز تاکنون نایافته‌ای چاپی خود را در شمارگان بالاتر چاپ می کردند درحالی که این دستگاه این قابلیت را دارد که از یک تا چند هزار نسخه را چاپ کند.»

سریع القلم توضیح داد: با راه اندازی این دستگاه امکان چاپ یک نسخه کتاب ۸۰۰ صفحه ای تمام رنگی در یک نوبت چاپ مقدور می‌شود و همچنین کتاب های رنگی به صورت جلد جلد و کاملاً مرتب شده از دستگاه



خارج می‌شود در حالی که چنین امکانی در چاپ اصفد ممکن نبوده. مدیور روابط عمومی موسسه نشر شهر از حذف واسطه های فیلم و… برای چاپ ذرات دستگاه خبر داد و افزود: این دستگاه قادر است انواع کتیبه، پرچم، پوستر، نقشه و نمودار را با سرعت و کیفیت بالا چاپ کند و به علت نداشتن محدودیت در ابعاد، قطع و حداقل شمارگان، برای چاپ انواع اسناد بهادار آمیتی با بالاترین کیفیت مناسب است.»

سریع القلم در خصوص بزرگ ترین فروشگاه کتاب کشور که جذب مرکز چاپ دیجیتال در آینده مورد بهیاری قرار می‌گیرد توضیح داد: فروشگاه بزرگ کتاب در مساحه حدود ۱۸۵ متر مربع زیر بنا قرار است تاسیس شود که به فناوری های روز تجهیز خواهد شد.»

همزمان با آغاز ساخت بزرگترین کتابفروشی کشور صورت گرفت

بهره برداری از پیشرفته ترین دستگاه چاپ در تهران

وی در خصوص بهره برداری از این طرح عنوان کرد: ما توسعه به نشانی که طرح عمرانی در شهرداری دارد امیدواریم حداقل تا ۱۸ ماه آینده به بهره برداری برسد. رئیس کتابخانه ملی که به عنوان یکی از مسئولان فرهنگی کشور در این مراسم حضور داشت، به پاسخ به خبرنگار کتاب هفته در خصوص اهمیت وجود کتابتیروسی‌های بزرگ در سطح کشور عنوان کرد: «یکی از مشکلاتی که در زمینه خرید کتاب در کشور وجود دارد این است که مردم برای پیدا کردن یک کتاب باید خیلی تلاش کنند. اگر بتوانیم با کمک بخش خصوصی یا مراکز دولتی از قبیل شهرداری و… مجتمع های جدید از دستگاه وجود بیاوریم که جوابگوی نیاز مردم باشد کار بسیار خوبی است.»

طی الکر اشعری طراحی شبکه فروش کتاب در شهر را اعلام دانست و اظهار داشت: اگر شبکه فروش کتاب در کشور سازمان بگیرد هر خواهان کتابی با مراجعه به این شبکه می‌تواند پی ببرد که مورد نظرش در کدام فروشگاه موجود است و این کار به فروشندگان کتاب نیز برای عرضه راحت تر کتاب به مقاصبای کمک می‌کند.»

وی در خصوص تاسیس فروشگاه بزرگ کتاب در آینده عنوان کرد: «همچو چند فروشگاهی که در استان و… ساخت آنند امکان فیزیکی فروش کتاب است اما امیدوارم به سرعت بخش حجازی اش هم راه بیفتد چرا که با اعتقاد من آن بخش مهم تر از این ساختمان است.»

اشعری در خصوص برنامه های آینده کتابخانه ملی سوال شد: وی عنوان کرده در سال ۸۶ که کم اکنون مشغول به سرعت بخش حجازی است و آیم امیدواریم چند اتفاق مهم در کتابخانه ملی با منظر کامل بیفتد یا با خدمتطلبی بیشتر کند. او این بحث از رئیس و کتابخانه دیجیتال است که باید حتما راه اندازی شود که البته معدنانش فراهم است. دیو و معدن طرعی یک دنیا پستر (ترکانه ها) هستند تا میزانی سایت های ایرانی به خصوص سایت های فرهنگی را با پدیا آینتیم قصد ما این کار هم حمایت از سایت های را پذیرا هستیم. قصد کار انضباطی داریم».
فرهنگی است و قصد کار انضباطی داریم».
وی افزود: به دنبال رایزنی با ناشران هستیم که امیدواریم به همکاری وزارت فرهنگ شکل قانونی هم به خود بگیرد و علاقه مندییم که ناشران ما هم در راه اندازی کتابخانه دیجیتال کمک کنند البته ما هم در طراحی برنامه، مانع ناشران و موفقان را لحاظ نمی کنیم. حتما با رعایت ناشران این کار انجام خواهد گرفت و اگر بهره مادی از استفاده از این منابع حاصل شود همین بار برنامه خواهد شد.»



بلند است

بلند قدیمی

نمایشگاه کتاب ، باشگاه فرهنگ

نمایشگاه بین المللی کتاب از اواسط دوران جنگ راه اندازی و تاکنون در تلاش فرهنگی کشور به کار خود ادامه داده است. نمایشگاه کتاب همیشه برای من به عنوان یک باشگاه فرهنگی بوده که اثر مثبت آن در طول سال نمایان شده است. در کشور ما به علت نبود کتاب فروشی ای متمرکز و برای بسیاری از مخاطبان کتاب نمایشگاه بین المللی کتاب از فرصت های محدود و قابل اعتنا محسوب می شود. بنده که تجربه سال ها کار در زمینه نشر کتاب کودک و نوجوان و افتتاح چاپ صد ها عنوان کتاب در این زمینه را دارم قدر چنین موقعیتی را برای آشنایی سلوان کشور با مقوله کتاب و کتابخوانی از پیش تر درک می کنم (با وجود آن که فروشی زبالی حاصل از این نمایشگاه برای انتشارات ما بی تاثیر بوده و تنها روی جنبه فرهنگی و تبلیغی آن تاکنون حساب کرده ایم.)

برای من باعث تاسف است که پس از پشت سر گذاشتن ۱۹ دور نمایشگاه بین المللی کتاب هنوز با برخی نااهمگامی ها مواجهیم آن چنان که باعث اکنون که در ماه اسفند قرار داریم هنوز ما ناشران نمی داریم نمایشگاه بیستم در چه تاریخی و در چه مکانی برگزار خواهد شد. همین امر موجب می شود که انگیزه ای برای فکر کردن در خصوص چگونگی کیفیت برگزاری آن نداشته باشیم. من در این جا به عنوان یک ناشر و یک فرد دلسوز برای دولت نهم که از روی موفقت آن دارم امیدوارم هر چه زودتر تکلیف نمایشگاه آتی با استفاده از تجربه های مثبت سال های گذشته روشن شود و پشیمانده من به مسئولان محترم و برگزار کنندگان این نمایشگاه این است که تا آماده سازی مکان جدید برای نمایشگاه بین المللی کتاب که در شهر آفتاب قرار است تاسیس شود و چند سال به طول خواهد کشید، حتما نمایشگاه بین المللی را در مکان سابق برپا دارید و برای این که این نمایشگاه بهتر بتواند کارایی داشته باشد تغییراتی در این نامه گزینش ناشران لحاظ کنید. به این شیوه که حداقل شرایط حضور ناشر را از ۲۰۰ الی ۳۰۰ افزایش دهید. همین مسئله کثرت ناشرین در نمایشگاه را محدود می کند و ناشران کوچک به صورت تعاونی هم می توانند یک حرفه را پذیرا بگیرند و به این شکل تا حدی مشکل فشار نیز حل خواهد شد.

همچنین می توان در صورت لزوم فروش کتاب را محدود به کتاب های چاپ اول کرد و به این طریق ناشران کم تری شرکت می کنند و نمایشگاه بار فرهنگی خود را پیدا می کند.



کتاب



روز جهانی داستان کوتاه در موزه هنرهای معاصر برگزار شد

داستانی به کوتاهی یک روز

چهارشنبه ۲۵ بهمن همزمان با ۲۴ فوریه و روز جهانی داستان کوتاه برنام‌های با عنوان هنر داستان‌نویسی موزه هنرهای معاصر برگزار شد. بخش اول این برنامه تحت عنوان «سلینجر» زرف نگار معصومیت اجرا شد که به بررسی آثار جرم دیوید سلینجر، نویسنده معاصر آمریکایی اختصاص داشت. پس از بخش فیلمی از زندگی این نویسنده سخنرانان به بررسی ویژگی آثار وی پرداختند. امیرعلی نجومیان استاد ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی از سلینجر به عنوان نویسنده‌ای که کار و رازدار نام برد که پیش از آنکه نویسنده باشد برای ما به اسطوره تبدیل شده است. وی در توضیح این مسئله گفت: در این مورد ما مقصر نیستیم زیرا سلینجر خودش پای این اسطوره‌سازی است و با افزایش در این جریان شریک شده است. نجومیان ضمن اشاره به موقعیت چهارم‌ام سلینجر «ناطور دشت»

دیگری از آثار سلینجر یعنی مرگ می‌روسم. تضاد بین دو دنیای حینی و ذهنی و هم‌پوشانی نداشتن این دو از مسائلی است که سلینجر به آن می‌پردازد و در نهایت موجب می‌شود لحن جنون‌آمیزی در آثار سلینجر دیده شود. نجومیان ضمن توضیح این روند ادبیاتی سلینجر، سلینجر را به عنوان نظام‌های اجتماعی که در آثارش مورد دشمنی قرار می‌گیرند نام می‌برد. به اعتقاد وی حضور سلینجر در تیره آمریکا علیه زاین باعث شده است هم‌چواری سلینجر با نویسندگان جامعه به ویژه جنگ‌زده‌ها باشد. وی در توضیح نحوه پرداخت سلینجر، حساسیت، کلاسیک بودن، انتخاب شخصیت‌های ضد کلاسیک، رعایت نکردن قواعد زبانی و داستان‌نویسی، آمیختگی طنز و تراژدی و گفتار و شیوه شگافی را از ویژگی‌های سبک خاص وی دانست. به گفته نجومیان داستان‌های با پیوسته

زیاد به آثار سلینجر میان ایرانیان کم‌کم کند فقدان لذیذ به در داستان‌های ایرانی بیشتر مورد توجه قرار گیرد زیرا آثار سلینجر به‌رغم حجم اندک به شدت عمیق و غنی است. پس از پایان بخش اول برنامه، میزگرد اجتم‌انگذار داستان کوتاه در ایران و جهان برگزار شد. در این میزگرد که توسط علی اصغر محمدخانی معاون فرهنگی شهر کتاب اجرا شد عبدالله کوثری، محسن سلیمانی و محمدرضا کوهرزی سخنرانی کردند. عبدالله کوثری مترجم داستان‌های کوتاه آمریکایی لاین را دارای همان منزلت و مرتبه‌ای دانست که زمان از آن بهره‌برده و در سطح جهان پیش‌رفته است. تلاش برای شناخت و متفقه که منجر به ترجمه و جست‌وجو برای به‌دست آوردن اساطیر شد. نوشتن وقایع نامه‌ها، سرگذشت‌های تعریف شده توسط ماجراجویان و ملاحان و تقلید از مشابه‌های اروپایی با آنکا به اسانه‌ها و اساطیر بومی همگی از منابع داستان

کوتاه در آمریکای لاتین است که کوثری آنها را مورد بررسی قرار داد. وی سال‌های نخستین قرن نوزدهم را آغاز حرکت خودآگاهانه دانست و گفت: از این تاریخ ادبیات به‌صورت یک فعالیت جدی در نظر گرفته می‌شود و وظیفه آن بیان هویت هر ملت می‌شود. وی زبان مشترک و مرزبندی‌های قراردادی در کشورهای آمریکای لاتین را عامل ایجاد نوعی پیوند آگاهانه بین نویسندگان این قاره دانست.

ادبیات آمریکا بخشی بعدی برنامه بود که محسن سلیمانی با رویکردی شکلی به آن پرداخت. به گفته وی آمریکایی‌ها داستان کوتاه را از آن خود می‌دانند و اوج استقبال از این ژانر دهه ۲۰۵۰ بود است. وی در اشاره به وضعیت فعلی داستان کوتاه در آمریکا گفت: هرچند هنوز هم جدی‌ترین نظیر نیویورکر داستان کوتاه چاپ می‌کنند اما در بخش جدی‌ترین کمترین به آن پرداخته می‌شود و ادبیات سایر که مجموعه‌ای از متن و فرامتن است جایگزین آن شده است. به گفته سلیمانی، اولین بار فردی به نام ماتیوس در سال ۱۹۱۱ کلمه داستان کوتاه را برای

داستانی که شخصیت اصلی، حادثه اصلی و تأثیر واحد داشته باشد به کار برد. وی پس از اشاره به تأثیر و ویژگی‌های نویسندگانی چون اهنری، شرودر، اندرسن، همینگوی و فاکتر پرداخت. سلیمانی در توضیح ادبیات سایر این شیوه را به بازی‌های کامپیوتری تشبیه کرد و خواننده را شبیه کاربر



که در ده سال اخیر سالانه بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نسخه آن تجدید چاپ شده است. ناطور دشت نوعی شیفته‌ی در خوانندگانش ایجاد می‌کند. وی پس از توضیح اینکه منظور نویسنده‌ای که آثارش از یک رمان و ۲۴ داستان کوتاه تجاوز نمی‌کند موفق شده به این اندازه تأثیرگذار باشد گفت: نویسندگان دهه ۲۰۶۰ به بعد را فرزندان سلینجر می‌نامند. از طرفی هنوز هم در کتاب‌هایی که در آمریکا در مورد داستان کوتاه منتشر می‌شود از سلینجر یاد می‌شود. وی دلیل محبوبیت سلینجر میان مخاطبان آمریکایی را علاقه این نویسنده به درونمایه‌های ادبیات آمریکا و دوباره نویسی رویای آمریکایی برشمرد. این در حالی است که او برخلاف مارک تواین، با نگاهی متفاوت از رویای آمریکایی می‌نویسد. به گفته نجومیان، معصومیت دوران کودکی از مهم‌ترین درونمایه‌های آثار سلینجر است و پیش از هر دوره زندگی به طبع، نوجوانی جوانی می‌پردازد زیرا این دوره را زیباترین و در عین حال رنج‌آورترین دوره زندگی می‌داند. رنج بزرگ شدن آنگذر زیاد است که قابل تحمل نیست به همین دلیل به درونمایه



جرم دیوید سلینجر

کامپیوتر در بازی‌های کامپیوتری دانست که می‌تواند از امکانات فرامتنی و چند رسانه‌ای استفاده کند. «داستان کوتاه در ایران» موضوع سخنرانی بعدی میزگرد بود که توسط محمدرضا کوهرزی و وی اصل اختلاف در مورد داستان را دلیل به وجود آمدن اختلاف دیدگاه در مورد داستان کوتاه و مشکلات ناشی از آن دانست. وی ریشه این اختلاف را ایدئولوژی ساختار دانست. منظور از ایدئولوژی ساختار عمدتاً پنهانی ارزش‌های ذهنی انسان است که زیربنای نظرات واقعی او را تشکیل می‌دهد و مانند زبان

نابیداست. گودرزی، آینده داستان کوتاه در ایران را درخشان و امیدوارکننده عنوان کرد و گفت: در نوشتن از سایر نویسندگان دنیا کم نداریم بلکه اتخاذ دیدگاه نقادانه و آرای نظری نیز پیشرفت‌هایی داشته‌ایم. وی که داور و جشنواره‌های مختلف را برعهده داشته است در اشاره به نقاط ضعف داستان کوتاه امروز عواملی از قبیل نبود یا کمبود تفکر فلسفی و اجتماعی، دورنی نکردن آموزه‌های نقادانه، بی‌توجهی به آداب و باورهای بومی، بی‌توجهی به نثر و گرایش به شکسته نویسی، تک‌صدایی و تعصب ورزیدن به دیدگاه فردی، ابهام در داستان و ... را نام برد.

پس از اجرای میزگرد، مهدی فیروزان مدیر شهر کتاب طی سخنانی، انگیزه این موسسه از برپایی مسابقه و برپایی همایش را شرح کرد و پس از اشاره به رابطه این موسسه با داستان کوتاه برنامه‌های آینده شهر کتاب را نام برد. در ادامه برنامه به پاس دو دهه تلاش و پیاموتز نشتر داستان کوتاه در ایران، از حسن کیانیان، مدیر نشر چشمه تقدیر شد. همچنین به پاس تلاش برای معرفی ادبیات داستانی سایر کشورها و ترجمه آثار درخور توجه، لوح سپاس به موزه قزوینی اهدا شد. مصطفی مستور دبیر اولین دوره جوایز داستان کوتاه شهر کتاب طی ارائه گزارشی، آثار ارسالی به مسابقه را ۴۰۶ داستان عنوان کرد که در نهایت ۱۵ اثر به‌عنوان نامزد نهایی انتخاب شدند.

بلقیس سلیمانی، علی خدایی، محمدحسن شهسواری و سیدرضا شکراللهی به عنوان نمایندگان هیئت داوران، جوایز نقرات برتر گوید را اهدا کردند. هیئت داوران متشکل از احمد، اخوت، علی اویانی، نیا، عباس یومان، علی خدایی، بلقیس سلیمانی، سیدرضا شکراللهی و محمدحسن شهسواری، داستان میان حفره‌های خالی، نوشته پیمان اسماعیلی را به عنوان نفر اول انتخاب کردند. اشکار چیان در براف نوشته تعبیه فضایی ذهنی و افرقیزی هاجم شکلی دارانند برای خودشان نوشته زهرا نصر جایزه دوم را از آن خود کردند و «حمله‌های خاموش نوشته مهناز زونقی و آرزوه نوشته ترنس قندچی جایزه سوم را به خود اختصاص دادند. بخش پایانی این برنامه، نمایش فیلمی کوتاه با نام «نوشتن داستان» بود.

معصومیت دوران کودکی از مهم‌ترین رو‌نمایه‌های آثار سلینجر است و بیش از هر دوره زندگی به طبع، نوجوانی و جوانی می‌پردازد



سجاد صاحبان زند

گفت‌وگو با علی اصغر شیرزادی، همیشه پرایم جذابتی خاصی داشته است. او سابقهٔ سال‌ها روزنامه‌نگاری را دارد و در روزنامه‌ای چون اطلاعات نوشته‌است که در روزهای یوتوانی‌ام همواره می‌خواندم و نسبت به آن حس بی‌سازوکاری دارم از طرفی شیرزادی به عنوان یک نویسنده نیز همیشه توجهم را به خود جلب کرده بود. او با کتاب‌هایی همچون «فری و آفتاب» (که جایزه بیست سال داستان‌نویسی را نصیب خود کرد)، «طلوع آتش» به «هلال پنهان» و «یک سکه در دو جیب» سهم بزرگی در ادبیات داستانی معاصر دارد. نوشته‌های او روایت مناسبی از انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و در نهایت مناسبات اجتماعی در سال‌های اخیر دارد. گفت‌وگویی زیر به مناسبت نگارش رمانی که شیرزادی در دست تهیه دارد با وی صورت گرفته است. طبعاً گریز به کتاب‌های قبلی نویسنده در این مصاحبه ناگزیر بود.

پای صحبت علی اصغر شیرزادی، به بهانه رمان در دست نگارش او

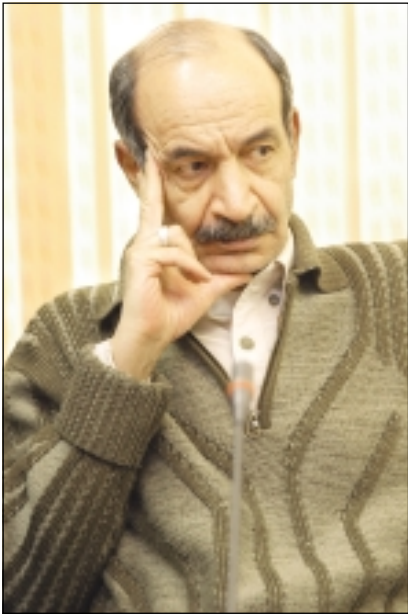
معمای پلیسی طنز آمیز

در خیرها خواندم که در حال نگارش رمانی هستید یا ساختار رمان‌های پلیسی جنطور شده‌ان ساختار را برای کار آینده‌تان انتخاب کرده‌اید؟
 رمان جدیدم، یعنی به نظم جوهر و ماهیت از گذشته‌ام نیست. همان کارهای قبلی‌ام پیروی می‌کنند، چراکه من همواره به این مسئله اعتقاد داشته‌ام که نویسنده گزیری ندارد از اینکه خودش باشد. این مسئله نیز تنها به نویسنده‌ها مربوط نمی‌شود. هر انسانی نمی‌تواند نوع نگاه و زندگی‌اش را مرتباً تغییر دهد. تغییرات چه در مورد نویسنده‌ها و چه در مورد افراد عادی به صورت تدریجی رخ می‌دهد. در واقع یکسری از کمیت‌ها باید طی چند سال طی شود تا یک نویسنده بتواند به یک کیفیت متفاوت برسد. از سوی دیگر، به دلیل رفتاری که من با زبان دارم، حساسیتی که در هنگام کار روی زبان حس می‌کنم و در نهایت دفعه‌ام در مورد به کارگیری زبان، در بستر روایت متناسب با داستانی، همواره نگاه خاصی به داستان دارم. به این دلیل می‌توان گفت که تا اینجا، یعنی در این چند فصل که روی این رمان کار کرده‌ام، شیوه و سیاق کار به طور ماهوی با کارهای گذشته‌ام متفاوت نیست. اما در کارگیری دیگر شگردهای داستانی، مثل شخصیت پردازی، آن هندسه زیبایی‌شناسی که در هنگام نوشتن برای نویسنده رخ می‌دهد در نهایت آن نمودار نمایشی که در داستان نقش اساسی دارد، شاید خوانسته‌ام با تجارب جدیدی روبه‌رو شوم. این نمودار نمایشی به اموری ازادامیز ارتباط دارد که زندگی انسانی ما را شکل داده است.

در این کلام می‌خواهم که به طرز آگاهانه تجربه‌ای نو داشته باشم. یعنی می‌خواهم جذابت‌های داستانی بیشتری را در کارم داشته باشم. تا مخاطب‌های گسترده‌تری بتوانند با کار ارتباط برقرار کنند.

یعنی می‌خواهید از جذابت‌های فرم داستان‌های پلیسی استفاده کنید و روایت خودتان را ارائه کنید؟

بله. در این کار می‌خواهم از ساختار رمان‌های پلیسی - جنبایی برای جذابت رونم داستانی استفاده کنم. البته به هیچ وجه منظرم جذابت‌های کلیشه‌ای و نخ‌نمای برخی از رمان‌های پلیسی - جنبایی نیست. به نظرم استفاده از فرم‌های اصیل پلیسی - جنبایی که خود را در قالب طرح معما مطرح می‌کنند، می‌توانند برای بسیاری از نویسنده‌ها جالب باشد و تجربه‌ای منحصر به فرد به حساب بیاید. بسیاری از



نویسنده‌گان قوی و شش‌دانگ دنیا، همچون داستایووسکی، پیش از این از این شگرد در داستان‌هایشان بهره برده‌اند. داستایووسکی در بسیاری از کارهایش، از این شگرد بهره برده است. یک لایه از داستان‌های او اغلب مستقیمه پلیسی - جنبایی دارد. در نخست موشخ مجهولی را در رویداد داستانی بدل به معما می‌کند و آنگاه به خواننده جهت می‌دهد تا معما حل شود. به نظرم در کار کارآگاهی - پلیسی هم اساس کار بر همین متوال است. همیشه یک کارآگاه هوشمند و مجرب، با بیرون کشیدن نشانه‌ها و سلسله‌ای از شواهد و قرائن، معما را حل می‌کند. یعنی قطعتهای از پازل را کنار هم می‌گذارد و به کمک هوشمندی و تحلیلش سعی می‌کند قطعه یا قطعات کم شده را پیدا کند تا پازل تکمیل و جامی و تهنکار پیدا شود.

در واقع همان فرمول متعارف داستانی «قاتل کیست؟...»

دیفاً. اگر برخوردی درست و هوشمندانه با این شگرد و شیوه داستان‌نویسی داشته باشیم، می‌توانیم کارکردی قابل ملاحظه از آن داشته باشیم. از همین روست که در برخی از داستان و رمان‌ها که به نظر پلیسی نمی‌آید نیز از این شیوه استفاده خوبی شده است. یعنی امر مجهول بدل به معما می‌شود و معما رو به سمت یک پاسخ حرکت می‌کند. چراکه معما به هیچ وجه امر مجهولی به حساب نمی‌آید و همواره دارای پاسخی است. شاید بد نباشد که به همان نکته‌ای اشاره کنم که کمی قبل در موردش گفتیم. استفاده از شگرد معما در داستان و سپس حرکت به سوی قطعات گمشده، در داستان‌های قبلی‌ام نیز وجود داشته است. به طور مثال می‌توانم به مجموعه داستان «یک سکه در دو جیب» اشاره کنم. این ساختار در تعدادی از داستان‌ها، وجه عمده‌ای دارد. در این میان می‌توانم به داستان «روز کوتاه خاکستری» اشاره کنم که فرم معمایی حضور پررنگی در آن دارد. در این داستان، علاوه بر فرم داستانی که می‌تواند جذاب‌های خود را داشته باشد، تلاش کرده‌ام از نوعی طنز نیز بهره ببرم. در رمان اخیرم نیز نوعی طنز به شکل رفتار درونی با روایت داستانی و زبان وجود دارد. البته باید این نکته را در همین جا اشاره کنم که من هرگز تصمیم نمی‌گیرم که طنز بنویسم یا در روایت‌های داستانی‌ام، بیانی طنزگونه را مورد استفاده قرار دهم. معمولاً خود بیان روایی چنین نگرشی را طلب می‌کند.

یک نکته دیگر را نیز قابل به ذکر می‌دانم که منظور من از طنز، چیزی جدای از تکه‌های است.

به نظرم استفاده از فرم‌های اصیل پلیسی - جنبایی که خود را در قالب معما مطرح می‌کنند می‌توانند برای بسیاری از نویسندگان جالب باشد و تجربه‌ای منحصر به فرد به حساب بیاید

تکه‌های در سطح زمان اتفاق می‌افتد. درحالی‌که طنز بیان مناسبات از شکل افتاده انسانی است که در بعضی زبان روی می‌دهد. ممکن است طنز خود را در سطح نشان ندهد.

حذف برخی از اطلاعات داستانی در مجموعه «یک سکه در دو جیب» خود معنای خاصی برای خواننده که برای پیدا کردن قطعات کم شده، تا پایان داستان همراه نویسنده باشد. منظور شما از شگردهای پلیسی، کارکردی اینگونه است یا به چیز متفاوتی می‌اندیشید؟

اجازه بدهید در این مورد از آخر ماجرا شروع کنم. در طول سال‌های نویسنده‌گی‌ام این نکته را دریافته‌ام که یک داستان‌نویس مثل یک ورزشکار، مثل یک جنگاور باستانی و مثل یک شوالیه مدام نیازمند آن است که مهارت‌هایش را افزایش دهد. در بستر این مهارت‌ها و به روز بودنش، داستان‌نویس باید مدام بر تسلطش بر عناصر داستانی بیفزاید و تمام این شگردها را برای پرسش‌های متفد که می‌تواند او را به جواب‌های متعدد برساند به پیش ببرد. این هم نوعی داستان‌نویسی است. به هر حال این شگرد و نوع بیان روایی برای خواننده حرفه‌ای‌تر ارزشمندتر و ارزشمندتر است. اما زمانی پیش می‌آید که یک نویسنده حس می‌کند خوانندگانش بیشتر باید کار او را بخوانند. نمی‌دانم این حرف از کجا آمده که نویسنده نیاید به خوانندگانش فکر کند. اساس این فکر دارای اشکال است. چون انسان می‌تواند تا دیگران بخوانند، یکی از قوی‌ترین انگیزه‌های یک داستان‌نویس یا شاعر این است که نوشته‌هایش خواننده شود و هر چه تعداد

خواندنگا بیشتر باشد، می توانند برای نویسنده ارزشمندتر باشد.

باید به این نکات اضافه کنم که یک نویسنده نباید کار خود را به سطحی کاهش دهد که عوام هم بفهمند.(عوام به معنای دقیق کلمه، یعنی کسانی که حتی روزنامه هم نمی خوانند، و به کتاب‌های درسی شان نیز توجهی نکرده‌اند. خوانده‌اند تا در پایان سال معرفیوی بگیرند و تمام و به طور کل با آنچه که ما آن را مطالعه می‌نامیم، بیگانه هستند.) به نظرم یک نویسنده باید با سطح خود را آن طور پایین بیاورد که در طول سالیان دراز به فرهنگ شاهی، عادت کرده‌اند. یعنی ترجیح می دهند بشنوند تا بخوانند. این در دل شکل مشکل بزرگتری است به نام گریز از فکر کردن. کسی که از فکر کردن می‌گریزد، دارای مشکل است. حمل آن کار داستان نویسی به عوام بی‌معنی‌اند. یک داستان‌نویس خود را نباید به هیچ وجه ملزم بداند خوب است که کار او به‌طور گسترده و از سوی خوانندگان متوسط مورد توجه قرار گیرد.

شاید باید این نکته ضروری باشد، اما در مورد داستان‌های من در عین آنکه از دایره واژگانی وسیعی بهره برده‌ام، می‌گویند زبان ساده‌ای دارد. من هرگز زبان پیچیده‌ای به کار نمی‌برم. اگر کاهی می‌گویند که شیروانی موضوع مبهمی را با بیانی مبهم بیان می‌کند از آن روست که خود موضوع دارای ابهام است. مثلاً در مورد مرگ، چه کسی می‌تواند بگوید که مرگ دارای ابهام نیست؟ همین طور سه‌وی‌های بسیاری از زندگی فردی، اجتماعی و تاریخی ما در حاله‌ای از ابهام شکل گرفته‌است. کسانی از این ابهام (که به فکر کردن می‌انجامد) فرار می‌کنند که منتظر دریافت جواب‌های آماده هستند. یعنی می‌خوانند پیش از آنکه چیزی بداند. منتظر می‌نشینند. انگار ما در سیستم آموزشی مان افراد را به گونه‌ای پرورش داده‌ایم که به هیچ وجه نمی‌خوانند طرح پرسش کنند. به دلیل اینکه فکر نمی‌کنند.

گفتید که می‌خواهید با استفاده از فرم معمایی، خواننده‌گسترتری را با خود همراه کنید. اما این استفاده از فرم معمایی که به شکل گره‌فکتری در روایت و تنظیم وجود دارد در شکل‌های کلاسیک داستان‌نویسی هم وجود دارد، مثل داستان کوتاه‌های ادگار آلن پوپو.سوال اینجاست که کار شما به‌طور اخص به سمت زمان‌های پیشی از چش آثار دتیل همت پیش می‌رود یاپه سمت داستان‌های کلاسیکی چون آثار ادگار آلن پوپ

نکته خوبی از مطرح کردید. همه کسانی که به یک پایه از داستان‌نویسی رسیده‌اند می‌دانند که هیچ کس نمی‌تواند از گره، گره‌افکتری و گره کشایی ادگار آلن پوپ خود را جدا احساس کند. همین طور او نخستین داستان‌نویسی است که با قدرت تمام plot او را پیرنگ با یک وقت و طرافت به کار می‌برد. هیچ داستانی بدون پیرنگ به سرانجام نمی‌رسد، اما قدرت آلن پوپ به استفاده دقیقش از این عنصر داستانی برمی‌گردد. در مقابل او گرترود استاین خوانسته‌است حذف پیرنگ (plot) را تجربی کند. اما با ارجاع به کارهایش می‌بینیم که او به توفیق تریسه‌است.

من در کتاب اخیر به هیچ وجه دقت نظر ندارم که شیوه‌های داستان‌پلیسی-جنایی را به کار ببرم. اشتباه‌کنیم حتی منظورم استفاده از فرم و شکل این نوع رمان هم نیست،بلکه به ساختار درونی و جوهر نظر دارم. این فرم و ساختار، طرح معما می‌کند و داستان را به پیش می‌برد. از طرفی، مضمون و موضوعی که در نظر دارم، شاید در نگاه اول حول آن نلگه تعلیقی پلیسی-جنایی نباشد.

احتمالا می‌خواهید با استفاده از تملیق‌های رمان‌های پلیسی، تمهایی وروایتکارانه را پرورش دهید که در آثار گذشته‌تان هم حضور داشته‌اند. بله وقتی شروع به نوشتن کردم حس کردم تم

داستانی و روند روایتی کار با این شیوه بهتر پیش می‌رود و به ندیدم آن را تجربه کنم.

نمونه موثقی از این تجربه را سراغ دارید؟
نمونه‌ای از این تجربه که در ذهنم به‌صورت نگاره، اجابت و مکالمات داستانیوفلسفی است، حرفم به این معنا نیست که در نوشته‌ام قرار است در یک جهان داستانیوفلسفی وار قدم بزنم. داستانیوفلسفی جهان داستانی مختصر به‌خودش را داشته و من نیز دنیای داستانی خودم را دارم. در رویه اولیه، «صناعت و مکالمات» را سکنگینکنم، با طرح اندیشه‌ای شناخته‌ده در سبتر جغرافیایی ذهنی اش، به این نتیجه می‌رسد که مساجر است پیرزن ریاحوار را به قتل برساند.وقتی او این را مجاز می‌شعرود، مسائل بعدی را نیز بر خودش آسان می‌کند.او بعد از قتل پیرزن، برای محو شاعده جنایت خواهد بارادارش را هم می‌کشد، تباهی راستایکلیفک پیش از آغاز داستان شروع شده‌است. از همان جایی که تصمیم به کشتن پیرزن می‌گیرد کمی بعد او با یک بازیس دچار چالشیش شرطجعی می‌شود و همگام پیش می‌رود. این موضوع خواننده را تا پایان به خود جلب می‌کند، اما در لایه‌ای زیرین، لایه‌ای فلسفی-اخلاقی وجود دارد که به نظر می‌رسد نامیشگر تمام تلاش یک نویسنده برای رسیدن به طرح پرسش‌های اساسی است. او در طول داستان درباره زندگی و معنای زندگی مرتبا پرسش‌هایی از مطرح می‌کند. مهم‌تر از همه در این التهاب و تشنگی که ایجاد می‌شود، تقلایی عجیب وجود دارد برای رسیدن به مفهومی به نام رسنگاری. اینها به رمان داستانیوفلسفی مربوط می‌شود و برای من تنها می‌تواند به عنوان یک الگو مطرح باشد. من خواهم داستانی با شیوه خودم بنویسم. یعنی

اما این بار با این پیش فرض که به مخاطبی گسترده‌تر فکر می‌کنید.
بله چرا ما نباید به مخاطب کثیرتری فکر کنیم؟ ما الان در کشوری زندگی می‌کنیم که با شمار میلیونی تحصیلکرده مدت‌هاست می‌خواهم این تجربه را از سرنگذارم.من می‌خواهم داستانی نویسم که صبیقه ورسنگتفری محض نداشته باشد. نمی‌خواهم خوانندگان آثارم دایره‌ای محدود و نویسنندگان و شبه نویسندگان باشند. این تجربه از چند جهت برای من اهمیت دارد.برایم اهمیت دارد که آیا این طرز فکر به نتیجه می‌رسد یا خیر، البته در طول سال‌های دراز گذشته و به دلیل حرف‌ام، روزنامه‌نگاری، این مطلب در جابم نهفته شده که خوانسته یا ناخوانسته، خودآگاه یا ناخودآگاه، مخاطب باید چنان مطلب را دریابد، من هرگز قصد توهمین به مخاطب را ندارم که او ممکن است مطلب را دریابد. من به خواننده فکر می‌کنم.

برخی از آثار مفخر جهانی همچون «وقتی بتم بودیم» نوشته کازوتویاشی گورو هم از چنین

دیگر در «علائل پنهان» گرفته تا «یک سکه در دو جیب» همواره به نوعی ایجاز و اختصار پرداخته‌اید. آیا این خصوصیت در کار جدیدتان هم وجود دارد؟
تلقی من همواره این بوده که باید اطلاعات را بسیار با ایجاز و اختصار در اختیار خواننده قرار داد. همیشه خود را شبیه تیراندازی حس می‌کنم که یک تیر را به هدف بزنم، بدون حشو و زواید. البته ممکن است گاهی هدف مجاور را در هدف قرار بدهیم تا خواننده با ذهن خلاقش در نهایت به هدف برسد. من همیشه به این ذهن خلاق انسانی اعتقاد داشته‌ام و معتقدم که مخاطبانم بسیار باهوشند و می‌توانند دوش به دوش نویسنده جلو بیایند.

این نکته در «علائل پنهان» نیز وجود دارد، چنانچه شما اشاره کردید اگر قرار بود در اجزایی دیگر این کار نوشته شود، ممکن بود «علائل پنهان» پانصد صفحه شود یعنی در پانصد صفحه، اما به‌نظرم این کار ضرورت نداشته‌است، برای من چالش است که «علائل پنهان» به چاپ چهارم رسیده‌است، به‌رغم انتقاداتی که برخی منتقدان اشاره می‌کردند، آنها می‌گفتند که حذف برخی از موارد سبب شده تا داستان با نانی خواننده شود در حالی که با نالی

ساختاری بهره می‌برد. چندر با کار این نویسنده آشنایی دارید؟

من از این نویسنده، رمان بازیامنده روزی را خوانده‌ام. از خلال خواندن این کتاب، او را بسیار باهوش و خلاق یابتم، به‌نظرم او در بازیامنده روزی نیز به سمت همان نمی حرکت می‌کند که امر معمول را به‌معنا تبدیل کند، ما تا صفحه‌های آخر داستان، آن را از یک دایره غیرعالی استفاده می‌بینیم. این راوی ممکن است به‌خودش نیز دروغ بگوید. کار پیش می‌رود و تمام می‌شود در حالی که در لایه زیرین رمان، یکی از بزرگ ترین مسائلات انسانی یعنی عشق در آن شکل گرفته و روایت شده‌است. در واقع آنچه موضوع رمان است یک ناگامی اجتناب‌ناپذیر است، نه داستانی که با طرح معماپیش می‌رود و به انتها می‌رسد.

ویلیام فاکتر رمانی دارد به نام «حسریم» که بن‌مایه‌ای پاسی-جنایی دارد. این تپکار باقظره، فرزند یک تپکار و معوج یک براموزان را می‌کشد، این داستان از دیدگاه یک وکیل مدافع بیان می‌شود، فاکتر در مصاحبه‌ای گفته‌است با نوشتن



این رمان می‌خواسته نشان دهد که می‌تواند با مخاطب کثیرتری هم ارتباط برقرار کند. فاکتر همیشه با این سوال رویه‌رو می‌شد که برخی از رمان‌هایش همچون اخشم و هیاهو، را نمی‌خوان یا یک‌بار و دوبار فهمید و درک کرد.

به‌نظرم رمان‌نویس نباید از تجربه‌های جدید بهراسند. این نوعی تجربه به حساب می‌آید که در عین اندیشیدن به مخاطب کثیرتر، داستان و عناصر آن را نیز درنکاهیم.

شما در نوشته‌هایتان از «علائل پنهان» گرفته تا «یک سکه در دو جیب» همواره به نوعی ایجاز و اختصار پرداخته‌اید. آیا این خصوصیت در کار جدیدتان هم وجود دارد؟

تلقی من همواره این بوده که باید اطلاعات را بسیار با ایجاز و اختصار در اختیار خواننده قرار داد. همیشه خود را شبیه تیراندازی حس می‌کنم که یک تیر را به هدف بزنم، بدون حشو و زواید. البته ممکن است گاهی هدف مجاور را در هدف قرار بدهیم تا خواننده با ذهن خلاقش در نهایت به هدف برسد. من همیشه به این ذهن خلاق انسانی اعتقاد داشته‌ام و معتقدم که مخاطبانم بسیار باهوشند و می‌توانند دوش به دوش نویسنده جلو بیایند.

این نکته در «علائل پنهان» نیز وجود دارد، چنانچه شما اشاره کردید اگر قرار بود در اجزایی دیگر این کار نوشته شود، ممکن بود «علائل پنهان» پانصد صفحه شود یعنی در پانصد صفحه، اما به‌نظرم این کار ضرورت نداشته‌است، برای من چالش است که «علائل پنهان» به چاپ چهارم رسیده‌است، به‌رغم انتقاداتی که برخی منتقدان اشاره می‌کردند، آنها می‌گفتند که حذف برخی از موارد سبب شده تا داستان با نانی خواننده شود در حالی که با نالی

خواندن نیز به نظرم از فایده نیست. اگر شما رمان را شب‌های زمستانی مسافری» را در نظر بگیرید، این یکی از درخشان‌ترین رمان‌های است که در طول کل عرصم خوانده‌ام. حصرم بارها این رمان را بخوانم، اقبال کالوینو، شیوه‌های مختلفی را در فصل‌های مختلف به کار برده‌است، او در فصل‌های مختلف کتابش، ساختار و داستان‌های عاشقانه، رمان آمریکای جنوبی و… را مورد استفاده قرار داده‌است. شما در نهایت می‌بینید که این تیرهای مختلف روشن و باز می‌شود. به‌نظرم این رمان را می‌توان بارها و بارها خواند. بهترین آثار تاریخ ادبیات را آثاری از این دست تشکیل می‌دهند که می‌شود آنها را چندین بار خواند و هر بار نکته‌ای تازه را در یافت. در این رمان‌ها همیشه آخرین معنی به‌تایخیر می‌آیند.

اما این نکته را نیز نباید از نظر دور بداریم که برخی در سبطره برخی از نظریه‌پردازانی همچون پساپسا مدرن با پسایسالمدرن فرام می‌گیرند و آثار مبهم و ضعیفی خلق می‌کنند، نکته‌گذر ماجرا اینجاست که بسیاری از طریق ترجمه‌های نادرست و نارسا و به این نتایج می‌رسند، در حالی که روشن نیست حتی خود مترجم هم چیزی از کتاب فهمیده‌باشد.

بسیاری از این ترجمه، بسیار شننازده و نادقیق در طول این سال‌ها منتشر شده‌اند. حاصل کار نه چیزی برای خود نویسنده به بار می‌آورد و نه برای خواننده. این مبهم نویسی که به واسطه تئوری زدگی حاصل شده (آن‌هم تئوری‌ای که هیچ‌کس نیست به درستی درک شده باشد)، مشخصه‌ای است که نویسنده‌اش می‌داند چه نوشته و خواننده آن را درک خواهد کرد. جای اینجاست که برخی از افراد با عنوان چندین‌چیزی نوشته در مورد این آثار می‌نویسند که هیچ ربطی به اصل نوشته ندارند. من در یکی از موارد هم با منتقد صحبت کردم و هم با نویسنده. نویسنده گفت که اصطلا منتقد گرامی به هیچ وجه از کتاب سردرنیابوده‌است و بعدش صمیمانه اضافه کرد که خود من هم از تکلم سردرنیابورده‌ام.

در طول یک صد سال داستان نویسی ما، بسیاری نوشته‌بالند که خوانسته‌اند یک‌شبه وه صدساله را ببینانند. گرد و خاک کرده‌اند و هیاهو به راه انداخته‌اند اما همین تاریخ‌نگارانه‌شان می‌دهد که اینها به سرعت فراموش می‌شوند.

به کالوینو اشاره کردید. او در آثارش به افسانه‌های ایتالیایی توجهی خاص دارد و این یکی از عوامل جذابیت آثارش است. شما چه اندازه به این نکته توجه داشته‌اید؟

اگر حمل بر خودسنایی نشود، سال‌های سال خود را ملزم دانسته‌ام که در حد یک مدرس، ادبیات کهنمان را بخوانم. بسیار بسیار از که ادبیات آموخته‌ام و کماکان نوع رفتاری را که سبدهی بزرگ با زبان دارد، برای من ستودنی است. این شاعر بزرگ علاوه بر زبان، به همه دنیا جذاب و درخور توجه‌است. کالوینو هم با ارجاع به فرهنگ و داستان‌های عامیانه، به همین نکته می‌رسد. یک نکته‌جالب که در مورد افسانه‌ها وجود دارد، شابهت آنها با هم است. همه مردم گمان من و به تعبیری شهرزادی، انسان‌ها، قصه می‌گویند تا زنده بماند، او با داستان‌نویسی، یک گام از دانش بشری جلوتر می‌رود. نویسی، یک تخلیش جای حالی ناشناخته‌اش را پر می‌کند. من نیز در این رمان می‌خواهم به طرح پرسش‌هایی پیروزم که گریچه به ظاهر ساده‌است اما با بسیاری از افراد بشر در آن موارد یکسان می‌اندیشم و طرح پرسش می‌کنم. در قصه‌ها هم ما به این موارد مشترک می‌رسیم تا بتوانیم زندگی را درک و قابل تحمل کنیم.

شماره ۶۱، شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۵

۱۱



امیرحسین شرافت

محمود جواد صاحبی، رئیس دبیرخانه دین پژوهان کشور:

پژوهش در حوزه‌ها به نظریه پردازی رسیده است



روند پژوهش و تحقیق در بخش دین را در کشور طی سال‌های گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 پژوهش‌ها به لحاظ کیفی و کمی سیری منطقی و رو به رشد داشته، افرادی با دغدغه پاسخگویی به مشکلات جامعه معاصر و با آشنایی به روش‌های جدید تحقیق و بهره‌گیری از ابزار و فناوری نوین در عرصه پژوهش دینی به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند و به تحقیقات بنیادی و کاربردی، ژرفا و گسترش ویژه‌ای بخشیده‌اند. به ویژه موسسات پژوهشی دولتی و غیردولتی‌ای که پس از پیروزی انقلاب و به خصوص در سال‌های اخیر در سطح کشور شکل گرفته به این توسعه و ارتقا کمک کرده است اما این هرگز متناسب با نیاز زمان و جهان کنونی نیست. پدیده انجمن‌های علمی حوزه را نیز یک رویداد مهم باید شمرده که دستاوردهای آن بعداً آشکار خواهد شد. اقداماتی چون نهضت آزاداندیشی و تولید علم هم اگر از حد شمار بگذرد و به اقدامات عملی تبدیل گردد، افق آینده را روشن‌تر می‌سازد.

به نظر شما در پژوهش دینی اولویت چه جایگاهی دارد و آیا تعیین اولویت را لازم می‌دانید؟ از طرف چه نهاد یا تشکلی؟

الته توجه به اولویت‌های امر لازم و معقول است. طبیعی است تا زمانی که نیازهای مبرم و فوری وجود دارد که به بقا و استمرار حیات جامعه و حفظ دین و فرهنگ و معنویت بستگی دارد، نوبت به مسائل غیر ضروری نمی‌رسد. رعایت اصل «الاهم فی الاهم» ایجاب می‌کند که همیشه حتی از موارد مهم‌تر پرداختن به امور مهم‌تر عبور کنیم؛ پژوهش برای نفع نیست برای رسیدن به حق و حقیقت است، حق و حقیقتی که به حفظ کيان و پیشرفت جامعه انسانی مدد می‌رساند.

اما اینکه اولویت چیست؟ معیارها و ملاک‌های مشخصی دارد که می‌توان با کمک آنها مصداق مشخص کرد و طبیعی است که در این باره اجماعی به وجود نیاید؛ زیرا هر کس از گمان خودش موضوعی را مهم می‌شمرد ولی مواردی که جمعی از کارشناسان که عقلای جامعه هستند بر آن اذعان کنند می‌توان اطمینان پیدا کرد که از اولویت برخوردار است؛ به نظر می‌رسد دستگاه‌ها و نهادهای وابسته به مدیریت کلان هر کشور بهتر از دیگران در تعیین این اولویت‌ها می‌توانند نقش داشته باشند، لذا اگر نیازها بر حسب اولویت در دستگاه‌های مختلف رتبه‌بندی شود و از طریق یک نهاد مسئول به اطلاع پژوهشگران و موسسات علمی برسد، حتماً بهتر خواهد بود در آن صورت دبیرخانه دین پژوهان می‌تواند به این هدف کمک کند.

تا چه حد معتقد به استفاده از روش در پژوهش‌های دینی هستید و پژوهش‌های موجود به ویژه در بخش کتاب تا چه حد روشمند است؟

بهره‌گیری از روش‌های علمی امر لازم و بدیهی است؛ این گذشته این روش‌ها در علوم دینی اعمال می‌شد، حتی پیشینیان برای هر علمی روشی را طراحی کرده بودند، امروزه با پیشرفت علم، روش‌های منجیده‌تری مطرح شده است.

یک محقق می‌بایست از روش‌های جدید تحقیق مطلع باشد، مدام آموزش ببیند، مطالعه کند، هرچه هم اکنون در حوزه‌های علمیه خیلی بهتر و بیشتر از گذشته به روشمندی توجه می‌شود ولی باز هم این مقدار کافی نیست. شکی نیست که هر پژوهشی اقتضانات ویژه‌ای دارد و برای هر کدام، از روش خاصی باید بهره گرفت، از این رو میان پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و راهبردی، تفاوت هست. باز در هر کدام نسبت به رشته و موضوع پژوهش متفاوت خواهد بود. در روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی و پیمایشی هم اکنون پیشرفت‌هایی حاصل شده است اما باید اذعان کرد که حوزه‌های علمیه در بهره‌گیری از روش پژوهش‌های میدانی و پیمایشی کند حرکت کرده‌اند. با آنکه ابزار لازم در این زمینه موجود است و هر ساله ده‌ها تن از دانش‌پژوهان علوم اجتماعی از مراکز آموزشی قم فارغ‌التحصیل می‌شوند اما هیچ بهره‌مناسبی از آنان گرفته نمی‌شود. اهمیت پژوهش‌های میدانی و پیمایشی بر اهل فن پوشیده نیست زیرا هر گونه آمارگیری، نیازسنجی و آگاهی از مخاطب و برآیند فعالیت‌ها با همین شیوه امکان‌پذیر است.

چه مشکلاتی سبب کند رشد شاخص کیفی پژوهش به ویژه در بخش دینی شده است؟
 برخی از مشکلات، فرهنگی هستند، یعنی ما نیاز به شرایط و فضای مناسب به دور از تنگ‌نظری و غوغاسالاری برای پژوهش داریم، بدیهی است که تعصبات و احساساتی که فاقد مبنای علمی و عقلی هستند مانع از رشد و شکوفایی تحقیق می‌شوند. مشکل دیگر نبود برنامه‌ریزی دقیق و درازمدت برای امر پژوهش به ویژه پژوهش‌های علوم انسانی و بالخصوص پژوهش‌های دینی است، اگرچه سرانه بودجه پژوهش در کشور بسیار کم است و سهم پژوهش‌های دینی از این بودجه ناچیز است ولی همین مقدار هم درست توزیع نمی‌شود.

مشکل سوم، برخی از مدیران پژوهشی هستند که به دلیل عدم توانایی لازم و با نداشتن وقت کافی، مسئولیت خود را با نمی‌شناسند و یا نمی‌توانند به انجام برسانند. مشکل مهم‌تر اینکه بسیاری از این مدیران پژوهشی با اعتقادی به مشاوره ندارند و یا از مشاوران با تجربه‌ای برخوردار نیستند.

مهم‌تر از همه اینها کم‌رنگ شدن انگیزه‌های معنوی است، پژوهش دینی با سایر پژوهش‌ها متفاوت است، پژوهشگر نباید درصدد درآمد



شکی نیست که هر پژوهشی اقتضانات ویژه‌ای دارد و برای هر کدام، از روش خاصی باید بهره‌گرفت. از این رو میان پژوهش‌های بنیادی کاربردی و راهبردی تفاوت وجود دارد

تحقیق و تآوری در متعلق به محققان و مراکز علمی دینی می‌دانید؟

زمینه‌های بسیار مناسب و خوبی در حوزه برای شکوفایی پژوهش فراهم آمده است، نسبت به گذشته، تحرک و پویایی خوبی در موسسات دین پژوهی دیده می‌شود، در دهه شصت با توجه به شرایط انقلاب و جنگ به جز چند موسسه معدود که به کار تالیف و تصحیح و آیینا بحث‌های نظری مشغول بودند، پژوهش جایگاهی نداشت، اما هم‌اکنون وضعیت کاملاً تغییر کرده است، طلاب جوانی که از آموزش‌های جدید برخوردارند با زبان‌های خارجی کاملاً آشنا هستند و شرایط امری آورده‌اند، پژوهش‌ها می‌کنند به تحقیق روی آورده‌اند و در این مرحله تصحیح و آیینا متن و تالیف که البته بایسته است و ابزار و منبع اطلاعات محققان است، فراتر رفته و باب نظریه‌پردازی کشوده شده و بحث‌های اجتهادی در همه رشته‌های علوم انسانی از منظر آموزه‌های اسلامی رواج یافته است.

انصاف این است که حوزه علمیه قم در زمینه پژوهش‌های دینی با هیچ کجای دیگری در این سرزمین قابل مقایسه نیست، این را بنده با توجه به واقعیت‌ها عرض می‌کنم، ولی در عین حال این رویکرد عمومیت نیافته، ما امیدواریم میان بخش آموزش و پژوهش توازن ایجاد شود و در تعیین رتبه‌های تحصیلی جایگاه شایسته خود را پیدا کند، گرچه مدیریت حوزه علمیه قم نتوانی ایجاد کرده است ولی هنوز هم «آموزش محوری» غالب است، و البته این امر معلول عوامل زیادی است که حل آن نیاز به زمان دارد.

بیشتر باشد و تحقیق را متناسب با حق الزحمه انجام دهد. متناسفانه تعدادی از پژوهشگران، پژوهش را به عنوان یک حرفه برای امر معاش پذیرفته‌اند و هدف اصلی که حق جویی و حقیقت‌پژوهی است را از یاد برده‌اند به همین دلیل به رقم رشد ابزار و امکانات، کارهایی مانند تفسیر المیزان، الغدیر، اعیان الشیعه، الذریعه و یا آثار شهید مطهری که یک تنه انجام یافته است کمتر دیده می‌شود.

مشکل بزرگ دیگر مدرک‌گرایی است طبیعی است که هر دانش‌آموخته‌ای برای حضور در مسئولیت‌های اجتماعی به مدرک نیازمند است، اما همه می‌دانیم که بسیاری از دانش‌آموختگان به صورت خودجوش و با عشق و انگیزه‌های معنوی به تحصیل و تحقیق روی آورده‌اند و در پی کسب مدرک و عنوانی نبوده‌اند، ولی احیاناً به دلیل نیاز جامعه در برخی از عرصه‌ها تاگزیر از حضور در مسئولیت‌های اجتماعی شده‌اند، خوب اینها برای انجام وظیفه همواره با مشکل و دشواری مواجه می‌شوند هیچ مرجعی اعم از حوزوی و دانشگاهی مشکل آنها را حل نمی‌کند و اخیراً مجلس نیز حتی ورود به عرصه‌های قانون‌گذاری و شوراهای شهرها را منوط به ارائه مدرک تحصیلی رسمی کرده است؛ اما هیچ راهکاری برای آن دسته از پژوهشگرانی که خودآموخته هستند اما آثار آنها مرجم و منبع دانش پژوهان شناخته شده ارائه نکرده‌اند، این مدرک‌گرایی بر اساس آموزش محوری، بی‌تردید نقشی منفی در تولید علم خواهد داشت، باید برای پژوهش‌جویی از آموزش حساب باز شود.

افق و دورنمای پژوهش و تحقیق را در حوزه دین چگونه ارزیابی می‌کنید و چه سهمی از



بریم مسعود

کتاب و ادب

رضا قلیزاده علیار از تازه ترین آثار خود می گوید

زیر نور ماه با ۱۸ قصه جنگ

داشت داری کیفیت خوب به بالا شناخته شده بود. وی دلیل این امر را مسائل سلیقه ای در دآوری‌ها می داند و خاطر نشان می کند، من داستانی می خوانم و آن را دلنشین می پایم، اما شما ممکن است از جنبه دیگری به آن نگاه کنید. من فکر می کردم داستان هایی از نویسندگان خوب در ارزیابی ها درجه ای بهتر کسب کنند. اما رتبه متوسط خورده بود و در مقابل داستان من خوب ارزیابی شده بود. گمانی از لحاظ داستانی دست خود آمد و فهمیدم داستان هایم با کسانی که فکر می کنم بهتر از من هستند تقریباً هم سطح است. با این حال برخی دآوری ها غیرمتنظره بود.

قلیزاده علیار درباره چگونگی رهایی از دآوری های سلیقه ای عقیده دارد بالاخره قسمتی از دآوری نظر شخصی است. هر چور که دآوری انجام شود در نهایت یک شخص رای به خوب بودن یا نبودن یک داستان می دهد. نمی توان برای دآوری

«فشنک های مشقی» را از خاطرات ۱۵ سالگی خود در جبهه برداشت و به آشنایی های همزمان و باران شهیدمهدی باکری رسید. «وقتی ماه طلوع کنده» در کارنامه این نویسنده ثبت شد به سراغ وی رفتیم که به قول خودش دانا آدم کم حرفی است! «وقتی ماه طلوع کنده» مجموعه ۱۸ داستان کوتاه از نویسندگان جوان، محمد رضایی، جلال شمع فروزان، قاسمعلی فرست، رضا قلیزاده علیار، مینا محمدی، جلال محمدی، خلیل محمدی و ساسان ناظم است که رضا قلیزاده علیار آنها را در قالب یک مجموعه جمع آوری کرده است.

قلیزاده علیار در حال حاضر مسئولیت خاطره نگاری معاون فرمانده لشکر عاشورا - سردار جمشید نظمی - را برعهده دارد و تاکنون ۲۵ کاست یک ساعته از وی پر کرده است.

نویسنده کتاب «وقتی ماه طلوع کنده» درباره خطرانی که نویسندگان جوان را تهدید می کند، گفت: برخی افراد با انتشار یک کتاب خود را در پایان راه و قله نهایی می بینند، آقای امیرحسین فردی در یکی از جشواره های گفت و گو کسی را به عنوان رسیده مطرح می کنیم نباید فکر کند به بالای قله که شما هم می توانید نویسنده و آینده دارید. عده ای ممکن است به خود بیاندک که «داستان نویس شدیم» من بیشترین خطر را از این زاویه می بینم.

رضا قلیزاده علیار در مورد کتاب خود می افزاید: نویسنده گانی مانند آقای ناظم، خانم محمدی یا آقای رضایی و ... در زمینه داستان نویسی فعالیت و فکر نمی کنم چاپ داستان آنها در این کتاب تاثیر خاصی بر حالشان داشته باشد. از سوی دیگر شاید برای ما اعتباری باشد که داستان های آنها را چاپ کرده ایم. این افراد دست به نویسندگی خودشان را کم کنند یا از بد حادثه دست به نوشتن زده باشند.

وی در تشریح روند شکل گیری مجموعه داستان های کوتاه «وقتی ماه طلوع کنده» تصریح می کند: تمام این داستان ها در صفحه ادبیات «مقاومت» نشریه میناق منتشر شده بودند که از اواخر سال ۷۵ تاکنون مسئولیت آن با من است. بنیاد حفظ آثار و نشر آثار های دفاع مقدس آذربایجان شرقی پیشنهاد داد که این مطالب را در قالب یک کتاب جمع کنیم.

این نویسنده ادامه می دهد: بعد از گلچین کردن داستان های که در این صفحه چاپ شده بودند، آنها را به بنیاد دادیم. پس از حذف مواردی که از نظر ارزیابی ضعیف بودند ۱۸ داستان تایید شدند.

قلیزاده علیار درباره نحوه ارزیابی داستان ها توسط بنیاد حفظ آثار و نشر آرش های دفاع مقدس تصریح می کند: در نامه های کارشناسی که به بنده دادند، داستان ها در چهار رده ضعیف، متوسط، متوسط به بالا و خوب مورد ارزیابی قرار گرفته بود. بر همین اساس داستان هایی که ضعیف یا متوسط تشخیص داده شدند را حذف کردم.

نویسنده کتاب «فشنک های مشقی» برخی ارزیابی ها را با برداشت شخصیت خود کاملاً متفاوت می خواند و می گوید: برای من غیرمتنظره بود که برخی داستان ها مهر ضعیف خورده بودند. به عنوان مثال دو داستان در یک جشواره رتبه های چهارم و دوازدهم را کسب کرده بودند اما در برگی های ارزیابی داستان رتبه چهارم را متوسط به بالا زده بودند و داستان دیگر که رتبه دوازدهم



یادداشت

عبدالمجید نبیتی

یادداشتی بر مجموعه داستان

«وقتی ماه طلوع کند...»

عاشقان پاکباخته

گردآورنده: رضا قلیزاده علیار

ناشر: صحریر

به همت بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس آذربایجان شرقی، در ششمین شماره این عیارت آمده است: گردیده آثار نویسندگان دفاع آستان آذربایجان شرقی.



از جمله عزیزانی که آثارشان در این مجموعه آمده یکی قاسمعلی فرست از گلپایگان است که سال هاست مقیم پایتخت است. همچنین ساسان ناظم که اردبیلی است و ساکن همان شهر. در مجموع ۱۸ داستان کوتاه در این کتاب چاپ شده که رضا قلیزاده با ۴ اثر، بیشترین سهم را دارد.

خلیل محمدی ۳ اثر و ساسان ناظم ۳ داستان دارد یعنی ۱۲ داستان از آن این سه عزیز است. از داستان های زیبای این مجموعه «وقتی که ماه طلوع کنده» است. چهار رزمده نخریب چی بکارند. پس از پایان کار متوجه می شوند محمود سیم بر او دست وسط میدان من جا گذاشته است. پس از زنگ مگر می فراوان مصطفی ای برداشتن سیم برود و سه دوست خود را وامی دارد به عقب برگردند.

عصر ماه، با خیال (سودا) پیوندی دیرینه دارد در زمان های قدیم افراد سودای (خیالی) را از نگاه کردن به ماه بامی داشتند. به عبارتی این چهار رزمده از قبیله مجنون - سمیل عاشقان پاکباخته - هستند که پای بر میدان پاکبازی نهاده اند. نثر داستان تا حدودی شاعرانه است.

تاریکی برشته های شب سنگینی می کند. ص ۶۱

پاراگراف اول.

ماه این شب ها، دیر یالا می آید و بعد از طلوع

خورشید هم مثل شبی می ماند. این آسمان، ص ۶۲

پاراگراف ۴.

عصر تعلیق و ضرابهنگ ریتم نثر داستانی،

کنک زیادی به نقاشی اضطراب و نگرانی فضای

داستان کرده است. البته نثر داستان در بعضی جاها

دچار مشکل شده است.

... همین جوری سرمر را بندازیم پایین و بریم،

ص ۶۳ سطر اول.

که باید به جای او، راه سرهایمان را (سرمون) باند.

... نی لون کله ات چه انبار کردی؟ ص ۶۵

که به نظر می رسد اشتباه تایپی باشد.

یا آوردن معادل آذری عبارات مانند «پایم به

زمین آمد (ص ۶۵) وقتی داستان را به زبان فارسی

و برای فارسی زبانان می نویسیم باید معادل فارسی

مفهوم زبان مادری را بیابیم به آنکه عیناً مفهوم

را به فارسی ترجمه کنیم. در هر حال نویسنده آسانی

صاف بالای سرمان، دنبال ردیابی از راه می کردم ص

۶۹، مجموعه های از این دست نیاز به پارامتریک البته

بر فضای داستانی ادبیات جنگ می افزاید و با شعار،

فاصله گذاری متنی ایجاد می کند.

وی خاطر نشان کرد: در یک طیف که داوران مشکل نگری چندانی با هم ندارند، مسئله سلیقه مطرح می شود. داوران باید مقداری به وجدان خود رجوع کنند تا داستانی را انتخاب کنند که از هر جهت ویژگی های خوبی داشته باشد.

قلیزاده علیار درباره ویژگی های داستان های که در کتاب «وقتی ماه طلوع کنده» گرد هم آمده اند می گوید: وجه مشترک این داستان ها در موضوع آنها و پرداختن به دوران دفاع مقدس و مسائل حساسه ای آنها، پشت جبهه ها، خانواده های رزمندگان و ... است. نویسندگان این داستان ها - به غیر از آقای فرست - از بیجه های آذربایجان هستند. آقای فرست زمانی که مسئول ادبیات داستانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بودند در سالگرد قیام تریز به این شهر آمدند و در سخنرانی خود داستان «گواهِ را خواندند. به همین دلیل این داستان به مجموعه اضافه شد.

به عقیده او «وقتی ماه طلوع کنده» اولین مجموعه داستان های نویسندگان آذربایجانی در زمینه دفاع مقدس است و معتقد است که به این ترتیب شناساندن نویسندگان هر منطقه به مردم آن سرزمین و همچنین بررسی نقاط ضعف و قوت آنها در کنار سهولت گرد آوری و جمع بندی این داستان ها به راحتی میسر می شود.

کسب رتبه و مقام برخی از داستان های این کتاب در جشواره ها و مسابقه های مختلف ادبی یکی دیگر از ویژگی های این کتاب است که قلیزاده علیار بر آن تاکید دارد.

وی با اشاره به از قلم افغان مقدمه کتاب «وقتی ماه طلوع کنده» در مراحل چاپ آن درباره تغییراتی که در تجدید چاپ این اثر مدنظر دارد می گوید: مقدمه که درباره روند انجام کار است، اضافه می شود. به علاوه نقلیه ای را از نویسندگان بزرگ گلچین می کنیم و با توجه به حضور منتقدان ادبی در تیزر سعی خواهیم داشت از آنها استفاده بیشتری کنیم. ممکن است تعدادی داستان اضافه یا کم شود. شرح حال کوتاه ی نیز درباره نویسنده هر داستان ذکر خواهد شد.

نویسنده کتاب «وقتی ماه طلوع کنده» درباره دلیل انتخاب این نام برای کتاب به شوخی می گوید: دوستان مزاح می کردند که پارسی بازی کرده ام و در ادامه اظهار می کند: صحبت های زیادی درباره اسم کتاب انجام شد. نظر من این بود که نام «وقتی جنگ تمام شود» آقای ناظم را بر آن بگذاریم. اما به دلیل چاپ اثری از ایشان در یک مجموعه با همان اسم، دستمان بسته شد. در مذاکره ای داشتیم نام اخیر را دلنشین و مناسب تر دانستیم. در ضمن دوستان عقیده داشتند برای روی جلد نیز تصویر زیبایی را می دهد.

وی با تاکید بر اینکه این کتاب را سفرش می نوشته است خاطر نشان کرد: کتاب جدیدم درباره خاطرات سردار جمشید نظمی است که معاون فرمانده لشکر عاشورا بود و تا آخر کشتار شهید باکری ماند. وی در حال حاضر رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و جانیازان آذربایجان شرقی است. شاید اگر من به طور شخیصی برای جمع کردن خاطرات سراغ افرادی از سطح آقای نظمی بروم به دلیل مشغله زیاد کاری از طرف آنها به نتیجه برسم اما وقتی تشکیل می ماند بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در قالب طرح جمع آوری خاطرات فرماندهان هر استان اقدام به این کار کند آنها برای نخستین سر میز مصاحبه مجاب می شوند.



نیز یک فرمول مشخص ارائه داد. شاید یکی از راه ها، زیاد کردن تعداد داورها باشد. البته این امر سبب تشتت آرا می شود و ممکن است داوران به سختی به توافق برسند.

وی با طرح این سوال که اجراء داستانی که در یک جشواره اول می شود در جشواره دیگر انتخاب نمی شود آموزش فزون داستان نویسی و آشنایی نویسندگان با آن روش ها را یکی از راه های یکسان شدن سلیقه ها در دآوری می داند.

نویسنده کتاب «آشنایی های» می افزاید: داوران نمی توانند مسائل فکری و سیاسی حاکم بر کشور را در کار خود دخیل نکنند.

کسب رتبه و مقام برخی از داستان های این کتاب در جشواره های مختلف ادبی یکی دیگر از ویژگی هایی است که قلیزاده علیار بر آن تاکید دارد



در گفت و گو با کارشناسان ادبیات کودک عنوان شد

هری پاتر به نسل بعد نمی رسد

لنس نتوانسته نوجوانان را به خواندن کتاب علاقه مند کرده و آنان را به کتابخوانی حرفه ای بدل کند. درحالی که فرولا داله با علاقه مدندان خود چنین کرده و عشقی جاودانه را به آنان هدیه داده است.

مترجم داستان دخانه خردمانه، یکی از ویژگی های افسانه راه مهاجرت بودن با نظارت و سرشت پاک انسان ها برمی شمرد و می گوید: داستان های هری پاتر انسان را ذات و طبیعت الهی خود آشنا نمی کند بلکه در قالب یک مجموعه دناله دار، خواننده را به گونه ای جادوی سیاه پیوند می زند. و با آوردن جادو در جادو او را به خواندن ادامه داستان وامی دارد بدون آنکه با حقیقت زندگی آشناش کند. حتی افسانه های هری پاتر به خواننده این امکان را نمی دهد تا بتواند درباره این داستان ها بنویسد و یا خلاصه ای از آنها را برای دوستانش تعریف کند و تنها می تواند از یک پسر جادوگر به عنوان قهرمان اصلی داستان و یک مدرسه جادوگری سخن بگوید.

قندهاری، لذت بخشی را اصلی فراموش شده در داستان های هری پاتر می داند و معتقد است: طشاده کوچولو، اثری فراموش و فرامکان از آثار آن دوست آگرووی است که همه خوانندگان از مطالعه آن لذت می برند اما هری پاتر اینگونه نیست، تنها یک معرکه و یک گروه حرفه ای رویگام راهمراهی کرده اند و با تبلیغات گسترده خود و ساخت فیلم، لوازم التحریر بازی های کامپیوتری و... هری پاتر را به مردم دنیا شناسانده و آن را جا انداخته اند.

بچه ها را به سست خرافات ندیریم
بعضی بر این باورند که کتاب هایی چون هری پاتر که از افسانه و جادو سخن می گوید، بچه ها را با خرافات آشنا کرده و آنان را به انسان های خرافی

شقایق قندهاری، مترجم و منتقد از جمله کارشناسانی است که می بیند هری پاتر موجی زودگذر، ناپایدار و بی بهره از هرگونه ارزش ادبی و هنری است که افراد بسیاری دست به دست یکدیگر داده اند تا از این مجموعه داستانی بی ارزشی، یک پدیده جهانی بسازند.
وی زمان را بهترین داور می داند و می گوید: اگرچه هری پاتر یک پدیده است و نوسنده آن توانسته از عنصر جادو و خیال - که بچه ها به آن علاقه دارند - نهایت استفاده را ببرد اما زمان در می کند که این مجموعه، جاودانه نیست و تنها یک موج زودگذر است که مدتی ذهن این مردم تسبیحه را مترجم خود کرده است. همان طور که کتاب های پائولو کوئیلو نیز، مدتی پیش چنین کردند.

قندهاری، یکی از وظایف اصلی نویسندگان خوب را کتابخوان کردن بچه ها می داند و معتقد است: اگرچه حتی نوجوانانی که با کتاب بیگانه اند و چیزی به عنوان کتابخانه شخصی ندارند، هری پاتر را خوانده اند تا به رقابت با دوستان خود بپردازند و از قافله عقب نمانند اما حقیقت این است که رویلینگ با خلق فضاهای نامأنوس و غیر قابل

دست یابند.

ابراهیمی همچنین بر این باور است که قلم های هری پاتر نتوانسته اند، افراد بسیاری را در سراسر دنیا با رویلینگ و نوشته هایش آشنا کنند و او را به شهرتی جهانی برسانند. اگرچه تجربه ثابت کرده کتاب هایی که در زمان خود، آثاری موفق بوده و توجه بسیاری را به خود جلب کرده اند، پس از مدتی جذابیت خود را از دست داده و به اصطلاح نشان فرو نشسته است.

ویا اسلامیه معروف ترین مترجم هری پاتر در ایران، توجه به اسامی کل جهان را یکی از عوامل موفقیت این مجموعه می داند و می گوید: رویلینگ در این مجموعه کرده به که با اسامی کشور های مختلف دنیا توجه کند و به کتاب خود چینه فراگیر و بین المللی بچسند. تا آنجا که در مدرسه جادوگری که از آن سخن گفته، ملت های گوناگون حضور دارند و این سبب شده همه مردم دنیا با کتاب او ارتباط گرفته و از خواندنش لذت ببرند.

با این همه اسلامیه معتقد است: آنگاه روند زندگی با شتاب پیش می رود و هر روز نیازهای تازه مطرح می شود که مطمئن نیستیم، نسل بعد از هری پاتر خوش یابند.

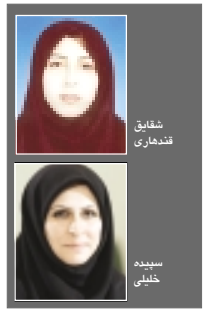
موجی زودگذر، ناپایدار و بی بهره از هرگونه ارزش ادبی و هنری است که افراد بسیاری دست به دست یکدیگر داده اند تا از این مجموعه داستانی بی ارزشی، یک پدیده جهانی بسازند.
وی زمان را بهترین داور می داند و می گوید: اگرچه هری پاتر یک پدیده است و نوسنده آن توانسته از عنصر جادو و خیال - که بچه ها به آن علاقه دارند - نهایت استفاده را ببرد اما زمان در می کند که این مجموعه، جاودانه نیست و تنها یک موج زودگذر است که مدتی ذهن این مردم تسبیحه را مترجم خود کرده است. همان طور که کتاب های پائولو کوئیلو نیز، مدتی پیش چنین کردند.

قندهاری، یکی از وظایف اصلی نویسندگان خوب را کتابخوان کردن بچه ها می داند و معتقد است: اگرچه حتی نوجوانانی که با کتاب بیگانه اند و چیزی به عنوان کتابخانه شخصی ندارند، هری پاتر را خوانده اند تا به رقابت با دوستان خود بپردازند و از قافله عقب نمانند اما حقیقت این است که رویلینگ با خلق فضاهای نامأنوس و غیر قابل

یکی از دلایل موفقیت هری پاتر را توجه به نسل نوجوان و آشنایی با نیازها و سلاقی آنان می داند. نوجوانان عاشق فرسایش بر بازی و کودکان طرفدار جادو و جادوگری هستند و این همان چیزی است که رویلینگ به خوبی با آن آشنا بوده و در این مجموعه به آن پرداخته است. اگرچه بر این باورم که خوانندگان هری پاتر، کسانی هستند که طرفداران پروپاقرص کتاب و کتابخوانی نبوده و عموماً از خواندن کتاب های ضعیف لذت می برند.

جادو پر فروش می کند؟
جعفر ابراهیمی، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان نیز پرداختن به سحر و جادو را یکی از دلایل فراگیر شدن مجموعه هری پاتر می داند و معتقد است: نوجوانان از سحر و جادو لذت می برند زیرا به کمک آن، همسایر دنیای خیالی می شوند و توان انجام کارهایی را می یابند که در جهان واقع قادر به انجام آن نیستند.

وی فراگیری زبان انگلیسی را یکی دیگر از علت های موفقیت این مجموعه برمی شمرد و می گوید: رویلینگ به زبانی نوشته که افراد بسیاری با آن آشنا هستند و به آن سخن می گویند در حالی که نویسندگان فارسی زبانی هستند که درباره جادو و جادوگری نوشته و داستان های زیبایی پدید آورده اند اما خطا گستره کم زبان فارسی است به انگلیسی نتوانسته اند به این محبوبیت و جایگاه آن بپردازند.



شقایق قندهاری

سینا غصی

سال ها پیش جی.کی.رولینگ، نویسنده انگلیسی قلم به دست گرفت و نوشتن داستانی را آغاز کرد و که امروز از آن به عنوان پدیده هری پاتر یاد می کنند. پدیده ای که تا چند ماه دیگر هفتادین و آخرین جلد آن منتشر می شود.

اما علاقه مدندان پروپاقرص هری پاتر چه کسانی هستند تا چه اندازه داستان و جذابیت های آن را می شناسند. اصلا علت شهرت و محبوبیت هری پاتر چیست...؟

تبلیغات گسترده، شمارگان بالای کتاب و چند شماره ای بودن آن و پارتون کودکان و نوجوانان به دنیای پر رمز و راز افسانه که بعضی آن را شبت و خیال بگویی می داند، و برخی از آن عنوان جادوی سیاه یاد می کنند از علل مطرح شدن هری پاتر است.

بعضی شاعران و نویسندگان تبلیغات را عامل شهرت و فراگیری هری پاتر می داند و جمعی دیگر افسانه پردازی و پروبال دادن به خیال خواننده را عامل موفقیت این مجموعه برمی شمارند.

اسدالله شعبانی، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان به نقی مهم تبلیغات در شناساندن یک اثر از جمله هری پاتر اشاره می کند و می گوید: تبلیغات در جهان امروز که جهان ارتباطات است نقش بسیار مهمی دارد و به راحتی می تواند توجه مردم و مخاطبان را به جانب خود بکشاند. این همان کاری است که ناشر و نویسنده مجموعه کتاب های هری پاتر به خوبی آن را درک کرده و از آن بهره جسته اند.

وی، پرداختن به افسانه ها را یکی دیگر از دلایل موفقیت هری پاتر می داند و معتقد است: رویلینگ دنیای کودکان را به خوبی می شناسد و از افسانه و جادو به اندازه نیاز بهره برده و به نو کردن قصه های قدیمی به ویژه افسانه های شرقی پرداخته است. همچنین شمارگان بالای کتاب و به تصویر در آوردن آن از دیگر دلایل شهرت و محبوبیتش به شمار می رود.

دکتر قده علی سرامی، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان نیز، مجموعه هری پاتر را از آن جهت که قابلیت تصویری دارد مثبت از زبانی می کند و می گوید: داستان های هری پاتر با جذابیت بسیار بالا، خواننده را با خود همراه کرده و او را به خواندن باقی داستان علاقه مند می کند. همچنین جمله های مترجم این مجموعه، که بی شباهت به کار سینماگران نیست یکی دیگر از دلایلی است که کنجگاری خوانندگان را برانگیخته و به پیگیری داستان تشویق می کند.

دکتر سیده خلیلی، نویسنده و روان شناس نیز

بدل می کند تا آنجا که بعضی کلیساهای در باره ای کشورهای اروپایی، آثار رولینگ را سوزانده اند. درحالی‌که اسدالله شعبانی معتقد است، افسانه‌ها نه تنها کودکان را خرابی نمی آورد بلکه اندیشه و تخیل آنها را برای شکستن هر گونه قالبی آماده می کند و ذهن آنان را پرورش می دهد. در واقع افسانه‌ها فراواقعیت را پیش روی انسان گذاشته‌ار و با حقیقت آشنا می کنند.

وی جادوی نرفته در آثار رولینگ را جادویی مثبت می داند و می گوید: آن جادویی که در دنیای هنر، به ویژه در شعر و ادبیات به چشم می خورد، جادوی مثبتی است به این معنی که نویسنده تخیل بی مرز خود را به خدمت گرفته و از جادوی کلام برای جذب مخاطب بهره برده است. جعفر ابراهیمی، علم و عقل را جادوی حقیقی انسان می داند و معتقد است که نویسنده حقیقی آن است که تخیل کودکان را نوجوانان را پرورش دهد و نه خیال پردازی آنان را و همچنین به خوانندگان خود پیامورده که علم، جادوی حقیقی است و باید به آن مجهز شد.

وی با اشاره به تفاوت تخیل و خیال پردازی می گوید، تخیل، سازنده است و به خلاقیت می انجامد اما خیال یابی، عمل بیوهده ای است که نوجوانان را از واقعیت دور می کند و نویسنده خوب کسی است که نقش مربیگری خود را فراموش نکند، نیاز خوانندگان خود را بشناسد. ابراهیمی، هری پاتر را مجموعه‌ای می داند که نویسنده آن گاه به مرز تخیل نزدیک می شود و از افسانه‌ها بهره می برد زمانی به خیال پردازی روی می آورد و بدون توجه به مخاطب، تنها در پی نوشتن اثری جذاب و هیجان آور است.



جعفر ابراهیمی



قدیمی سرامی

افسانه‌ها آشنا شوند و این برعهده‌ماست که به آنان بینش دهیم و به آنها بقبولانیم که جادو واقعیت ندارد و بدون خواست خداوند، حتی یک برگ هم از درخت فرو نمی افتند.

قدمعلی سرامی نیز جادو را جزئی از زندگی انسان می داند و معتقد است، ادبیات، جهانی است که باید با دنیای واقع، مشابهت داشته باشد و همه خوبی‌ها و بدی‌ها را ترسیم کرده و در برابر دید علاقه‌مندان بگذارد و به آنان پیامورده که خطی میان سفید و سیاه وجود ندارد و همه چیز خاکستری



ویدا اسلامی، جادوی هری پاتر را مثبت و برخاسته از توانایی‌های انسان برمی‌شمرد و معتقد است، جادویی که رولینگ از آن سخن می گوید، نیروی مثبتی است که خلاقیت بچه‌ها را برمی‌انگیزد و آنان را به فکر کردن درباره چیزهای وایی وارد که امکان دستیابی به آن وجود دارد و این در تقابل با جادوی سیاهی است که انسان‌ها را به خرافه نزدیک و از حقیقت دور می کند و موجب می شود تا از هر چیز، استفاده ایزاری کنند.

اما شقایق قلندهای جادوی رولینگ را جادویی سیاه می داند. وی بیان می کند: تلاش نویسنده‌گان بر این است که غم و شادی را کنار هم بگذارند و از غلبه نیکی بر بدی سخن بگویند. برای نمونه آنچه در «علاالدین و چراغ جادو» اتفاق می افتد نیک و خوشبخت است در صورتی که هری پاتر، این ویژگی را ندارد و از آن بی بهره است.

سپیده خلیلی، افسانه را همزاد انسان برمی‌شمرد و می‌گوید: روزگاری وزارت ارشاد بدین آنکه به نیاز کودکان به افسانه‌ها توجه کند با انتشار اینگونه داستان‌ها مخالفت می کرد، حالا دیگر این منع از میان برداشته شده و کودکان و نوجوانان می خواهند جادو را بشناسند و با



یادداشت

سعید اسلان پور

جادو در ادبیات غرب

هری پاتر یکی از جهانی‌ترین آثار حوزه ادبیات نوجوانان از سال‌های اخیر بوده است، اثری که به هر دلیل مورد توجه نوجوانان و بزرگسالان قرار گرفته و نگاه‌ها را به سوی خود جلب کرده است.

مهم‌ترین ویژگی این مجموعه رمان، ساختن جهانی تخیلی است بر مبنای جادو و جادوگری. اینکه سحر و جادو در ادبیات غرب سابقه دیرینه‌ای دارد، مسئله‌ای روشن است. حضور ساحره‌ها، هیولاها و خون‌آشام‌ها در ادبیات کودک، نوجوان و بزرگسالان اروپا پررنگ و غیر قابل چشم‌پوشی است به نحوی که برخی از جذاب‌ترین و آشناترین افسانه‌های غربی نظیر سیندرلا، سپیده‌برفی و هفت کوتوله، هانسل و گرتل و حتی آثار وزین تری نظیر کارهای شکسپیر بر مبنای حضور ساحران و ساحره‌ها شکل گرفته است. اما تفاوت افسانه‌های قدیمی و افسانه‌های جدید جادوگری در این است که نگارش منفی به جهان جادوگری، کم‌کم رنگ می‌بازد و در کارهایی مانند مجموعه هری پاتر شاهد حضور جادوگرانی بسیار دوست‌داشتنی هستیم. با شخصیت‌هایی مانند دامبلدور روه‌رو می‌شویم که نمونه کاملی از پیران فزانه و فریخته هستند.

البته رهایی از چهره مثبت ساحران را در افسانه‌های قدیمی می‌توان یافت که معمولاً در قالب پری معرفی می‌شوند. اصولاً نگاه اروپاییان نسبت به جادوگران چنان منفی بوده که در قرون وسطی، انبوهی از مردان و زنان به جرم سحر در آتش افکند می‌شدند. اما در دهه‌های اخیر با رواج انواع داستان و فیلم در کنار تصویر چهره منفی، شخصیت‌های مثبتی نیز در جهان جادوگری خلق می‌شدند و موجی از نگارش دوستانه نسبت به این افراد پدید آمده است.

اینکه سحر و جادو در جوامع فعلی غرب در نگارش آنان، در گروه‌های موجود و… چه نقشی دارد، البته جای بحث کارشناسانه دارد و اینکه چه مسئله‌ای باعث شده انبوهی از ساحران و خون‌آشام‌های محبوب در آثار مربوط به نوجوانان

به افغای نقش بپردازند، به جهت تاثیرپذیری مستقیم جامعه از تولیدات هنری غرب قطعاً بایستی مورد مطالعه قرار گیرد که مجال بحث پیرامون این نکات در چنین نوشتار کوتاهی نیست.

هری پاتر، گذشته از مسائل پیرامونی و حاشیه‌ای آن، در اولین نگاه اثری جذاب و بسیار دوست‌داشتنی است؛ نکته‌ای که مهم‌ترین مسئله در خلق یک اثر هنری است، تاکنون بر اساس رمان‌های هری پاتر چهار فیلم سینمایی ساخته شده و به نمایش درآمده‌اند که البته به هیچ وجه به جذابیت خود داستان‌ها نیستند.

برای نگارنده این اصل قطعی است که هرگز فیلمی که بر اساس داستانی ساخته می‌شود، به تاثیرگذاری و جذابیت خود کتاب نخواهد بود. چراکه رمان، جهانی خیالی می‌سازد که هر کس بر مبنای تجربیات، آرزوها، شناخت و درک فرد می‌تواند آن را به تصویر درآورد. شخصیت‌ها و فضای هر داستانی برای هر فرد متفاوت است و او براساس ذهنیات و چگونگی ارتباطش با اثر آنها را بازسازی می‌کند. این نکته جادویی در مورد جهان داستان است، اما در فیلم تمام بلندپروازی‌ها و آمل و آرزوهای مخاطب اثر به آن چیزی محدود می‌شود که مورد نظر سازنده فیلم بود. وی باید شخصیت ذهنی خود را در قالب هنرپیشه‌ای که نقش آفرینی می‌کند بیند و فضای داستان را به شکلی که فیلمساز تصویر کرده محدود کند.

اصولاً در داستان و رمان این پرواز تخیل است که باعث لذت‌بردن از اثر می‌شود، حتی در داستان‌های واقع‌گرا و کاملاً رئال ما با تخیل خود، شخصیت‌ها، فضاها، مکان و زمان و حتی جزئیاتی مانند لباس و چهره را خلق می‌کنیم. قطعاً شاهزاده آندره‌ای که من از جنگ و صلح تصور می‌کنم با آنچه هر فرد دیگری در خیال دارد، متفاوت است. داستان هر قدر که بتواند فرصت بیشتری برای خلاقیت مخاطب خود فراهم کند، موفق‌تر خواهد بود.

در میان داستان‌های تخیلی این مسئله حیاتی‌تر می‌شود، تخیل اگرچه واقعی نیست ولی اصول واقعی دارد، تخیل نمی‌تواند بی‌قاعده و بی‌دریگر باشد. شاید یکی از عوامل جذابیت هری پاتر هم در وجود همین منطقی در پس خیال‌پردازی فوق‌العاده غیرمعمول آن است. این منطق چنان‌طور است که نویسنده، آن می‌تواند کتاب‌های عجیبی بنویسد و در آنها موجودات جادویی حاضر در کتاب‌ها را یک‌به‌یک شرح دهد. چنانچه گویی چنین موجوداتی به واقع حیات دارند، تاکید من در این نوشتار کوتاه بر وجود همین منطق در داستان است، چراکه در بسیاری از آثار مشابه که توسط نویسندگان هم‌وطن برای نوجوانان نوشته می‌شود، نه‌تنها منطقی قوی دیده نمی‌شود بلکه کاملاً بدون ساختار منطقی هستند و به تعبیر من گرفتار تخیلی افسارگسیخته هستند.

در چارچوب تخیل منطقی، خواننده داستان می‌تواند پیش‌بینی کند، شخصیت‌ها همدات‌پنداری داشته باشند و در نهایت همراه و همگام داستان شوند و از خواندن آن لذت ببرند. حال آنکه در تخیل افسارگسیخته از آنجا که هر لحظه امکان بروز هرگونه حادثه

عجیب و غیرقابل پیش‌بینی‌ای هست، کم‌کم رابطه فرد با داستان گسیخته می‌شود و از خواندن آن سر‌باز می‌زند.



در قالب پری معرفی می‌شوند. اصولاً نگاه اروپاییان نسبت به جادوگران چنان منفی بوده که در قرون وسطی، انبوهی از مردان و زنان به جرم سحر در آتش افکند می‌شدند. اما در دهه‌های اخیر با رواج انواع داستان و فیلم در کنار تصویر چهره منفی، شخصیت‌های مثبتی نیز در جهان جادوگری خلق می‌شدند و موجی از نگارش دوستانه نسبت به این افراد پدید آمده است.

اینکه سحر و جادو در جوامع فعلی غرب در نگارش آنان، در گروه‌های موجود و… چه نقشی دارد، البته جای بحث کارشناسانه دارد و اینکه چه مسئله‌ای باعث شده انبوهی از ساحران و خون‌آشام‌های محبوب در آثار مربوط به نوجوانان

به افغای نقش بپردازند، به جهت تاثیرپذیری مستقیم جامعه از تولیدات هنری غرب قطعاً بایستی مورد مطالعه قرار گیرد که مجال بحث پیرامون این نکات در چنین نوشتار کوتاهی نیست.

هری پاتر، گذشته از مسائل پیرامونی و حاشیه‌ای آن، در اولین نگاه اثری جذاب و بسیار دوست‌داشتنی است؛ نکته‌ای که مهم‌ترین مسئله در خلق یک اثر هنری است، تاکنون بر اساس رمان‌های هری پاتر چهار فیلم سینمایی ساخته شده و به نمایش درآمده‌اند که البته به هیچ وجه به جذابیت خود داستان‌ها نیستند.

برای نگارنده این اصل قطعی است که هرگز فیلمی که بر اساس داستانی ساخته می‌شود، به تاثیرگذاری و جذابیت خود کتاب نخواهد بود. چراکه رمان، جهانی خیالی می‌سازد که هر کس بر مبنای تجربیات، آرزوها، شناخت و درک فرد می‌تواند آن را به تصویر درآورد. شخصیت‌ها و فضای هر داستانی برای هر فرد متفاوت است و او براساس ذهنیات و چگونگی ارتباطش با اثر آنها را بازسازی می‌کند. این نکته جادویی در مورد جهان داستان است، اما در فیلم تمام بلندپروازی‌ها و آمل و آرزوهای مخاطب اثر به آن چیزی محدود می‌شود که مورد نظر سازنده فیلم بود. وی باید شخصیت ذهنی خود را در قالب هنرپیشه‌ای که نقش آفرینی می‌کند بیند و فضای داستان را به شکلی که فیلمساز تصویر کرده محدود کند.

اصولاً در داستان و رمان این پرواز تخیل است که باعث لذت‌بردن از اثر می‌شود، حتی در داستان‌های واقع‌گرا و کاملاً رئال ما با تخیل خود، شخصیت‌ها، فضاها، مکان و زمان و حتی جزئیاتی مانند لباس و چهره را خلق می‌کنیم. قطعاً شاهزاده آندره‌ای که من از جنگ و صلح تصور می‌کنم با آنچه هر فرد دیگری در خیال دارد، متفاوت است. داستان هر قدر که بتواند فرصت بیشتری برای خلاقیت مخاطب خود فراهم کند، موفق‌تر خواهد بود.

در میان داستان‌های تخیلی این مسئله حیاتی‌تر می‌شود، تخیل اگرچه واقعی نیست ولی اصول واقعی دارد، تخیل نمی‌تواند بی‌قاعده و بی‌دریگر باشد. شاید یکی از عوامل جذابیت هری پاتر هم در وجود همین منطقی در پس خیال‌پردازی فوق‌العاده غیرمعمول آن است. این منطق چنان‌طور است که نویسنده، آن می‌تواند کتاب‌های عجیبی بنویسد و در آنها موجودات جادویی حاضر در کتاب‌ها را یک‌به‌یک شرح دهد. چنانچه گویی چنین موجوداتی به واقع حیات دارند، تاکید من در این نوشتار کوتاه بر وجود همین منطق در داستان است، چراکه در بسیاری از آثار مشابه که توسط نویسندگان هم‌وطن برای نوجوانان نوشته می‌شود، نه‌تنها منطقی قوی دیده نمی‌شود بلکه کاملاً بدون ساختار منطقی هستند و به تعبیر من گرفتار تخیلی افسارگسیخته هستند.

در چارچوب تخیل منطقی، خواننده داستان می‌تواند پیش‌بینی کند، شخصیت‌ها همدات‌پنداری داشته باشند و در نهایت همراه و همگام داستان شوند و از خواندن آن لذت ببرند. حال آنکه در تخیل افسارگسیخته از آنجا که هر لحظه امکان بروز هرگونه حادثه

عجیب و غیرقابل پیش‌بینی‌ای هست، کم‌کم رابطه فرد با داستان گسیخته می‌شود و از خواندن آن سر‌باز می‌زند.

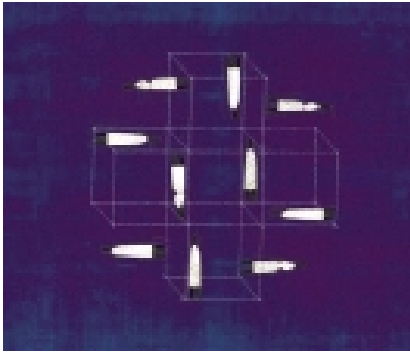


سام محمودی

با دکتر احمد واعظی درباره کتاب «درآمدی به هرمنوتیک»

هرمنوتیک ، خارج از متن

جناب دکتر واعظی می‌خواهم طرح چستی و چرایی نگارش این کتاب را که ظاهراً حاصل چند سال تلاش پیوسته حضرت‌تعالی تیز به‌شمار آید به عنوان مدخلی بر این گفت‌وگو قرار دهم. چرا که اساساً خاستگاه هرمنوتیک به عنوان یک شیوه ناول متن متعلق به یونان باستان و تمدن غرب بوده است و شما به عنوان معلم فلسفه اسلامی دست به نگارش یک متن درباره این سنت فکری زده‌اید. بگذریم از اینکه برخی رویکردهای هرمنوتیکی با پیش فرضی‌ها و مبانی تفسیری متون اسلامی ناسازگاری جدی دارد. البته شما در مقدمه کتاب ناحدودی به این موضوع اشاره کرده‌اید



اما تصور می‌کنم این بحث به تفصیل بیشتری نیاز دارد

ببینید اساساً چرخش‌هایی که در قرن بیستم در علم هرمنوتیک به واسطه تلاش متفکرانی چون گادامر و ریکور صورت گرفت با پیش فرضی‌ها و مبانی تفسیری ما که در شاه‌هایه نظیر قفقه، کلام و تفسیر قرآن استفاده می‌شود ناسازگار است. طبعاً بنده به عنوان یک روحانی و معتقد به مبانی تفسیری باید در برابر این نگرش‌ها و چالش‌های جدید موضع تفسیری خودم را اعلام می‌کردم. از سوی دیگر دانشگاهی‌ها و نهجگان علمی ما مباحث جدید ولو مباحثی‌که چالش‌برانگیزباشند می‌تواند به غنای فکری، فلسفی ما و به نفع آن غنای معارف دینی‌مان بینجامد. از این رو بنده چیزی حدود پنج سال روی این پروژه کار کردم. این کتاب به تعبیری شاید یک گزارش دقیق علمی از آنچه در هرمنوتیک معاصر می‌گذرد بوده باشد. گزارش ناظر بر نقد و ارزیابی است که اساساً عصری تعیین‌کننده در مناسبات و تعامل‌های فکری

میان دو سنت فکری است.

اما تا جایی که من می‌دانم هر نقد و ارزیابی نیازمند موضع‌مندی است. زمانی من ایرانی و مسلمان می‌توانم در مقابل آرای فکری و فلسفی یک سنت فکری دست به نقد و ارزیابی بزنم که موضوع داشته باشم. بگذریم از اینکه به اعتقاد بسیاری از متفقدان و استادان فلسفه عنصر نقد نیازمند زیستن در جغرافیای تفکر موضوع نقد است به این معنی که متفقد زمانی می‌تواند نقد تنوریک و پویایی ارائه‌کننده که در همان جغرافیای فکری پالیده باشد.

من به این نوع نگرش به نقد قائل نیستم چرا که معتقدم این شیوه به شدت مکانیکی است.

سوی دیگر می‌توان کارکردهای منفی و مثبت یک نظریه را در جامعه‌اشکافی کرد. این سه گونه نقد (یعنی ۱- بررسی انسجام درونی یک تفکر ۲- تحلیل میزان موفقیت آن ایده در گستره فکری و حصول منفکر به مقصود ترسیم شده ۳- واشکافی کارکردهای اجتماعی آن نظریه) به‌باور من نیاز به پرورش فکری در جغرافیای خاصی ندارد. بلکه آنچه مهم است این است که ابتدا باید متن و آن ایده فکری را از زوایای مختلف درک کرده باشد.

طبعاً می‌پذیرید که نقطه عزیمت‌ها و پیش‌نیازهای هر کدام از این سه نوع نقدی که شما مطرح کردید تفاوت‌هایی با هم دارند.

به ضرس قاطع تقد اول و دوم به راحتی قابل دسترسی است اما تقد سوم نیازمند فهم‌بستر فکری و فرهنگی آن جامعه‌است که متفکر در آن پالیده است. اتفاقاً پیش‌نیاز این تقد سوم فهم (و نه پرورش) فکری به آن معنایی که شما ارائه کرده‌اید) و درک آن بستر فکری و فرهنگی اجتماعی است که متفکر مورد بحث در آن پالیده‌است به این معنی که متفقد باید با آن پیشینه فکری و فرهنگی (به لحاظ اجتماعی و sociological) آشنا و به تعبیری بر آن مسلط باشد. در حالی که در نقد اول اگر متفقد به این اطلاعات دسترسی نداشته باشد توفیری نقد و ساختمندی ارزیابی او ندارد و قادر به نقد است.

و شما در این کتاب از دو شیوه تحلیلی اول بهره برده‌اید.

در تقد‌هایی که در این کتاب صورت گرفته به خصوص در نقد اندیشه‌های گادامر و... چون مباحث به شیوه‌ای نظری و تئوریک تحلیل شده لزوماً به حضور در بافت فرهنگی غرب و با پذیرش بسیاری از مبانی نظری آن جغرافیای فکری نیازی احساس نمی‌شد.

شما در فصل اول کتاب حاضر از چیزی تحت عنوان هرمنوتیک بی‌نام یاد کرده‌اید. این سوال عنوان هرمنوتیک بی‌نام بخوانده و امگشا باشد که هرمنوتیک بی‌نام یعنی چه؟

ببینید! چنان‌که در مقدمه و فصل اول نیز اشاره کرده‌ام اساساً مباحث هرمنوتیکی در بسیاری از مناطق و فرهنگ‌های مختلف جهان وجود داشته بدون اینکه این عنوان هرمنوتیک را بر خود داشته باشد. آنچه به‌باور من جدید است

ما گونه‌های مختلفی از نقد و ارزیابی داریم که در همه جای دنیا وجود دارد. طبعاً می‌پذیرید که بررسی انسجام درونی یک تفکر و یا تحلیل سازگاری درونی یک اندیشه با اجزای آن و ریشه‌یابی تناقض‌ها و تعارض‌های فکری متفکران متناسب به آن سنت فکری نیاز به پرورش در درون آن جغرافیای فکری ندارد. شما وقتی یک تفکر را درک می‌کنید به راحتی خواهید توانست جزئیات آن را واشکافی و نقد کنید. یک شیوه نقد (چنان‌که من نیز در این کتاب به آن پرداخته‌ام) میزان موفقیت آن ایده در وصول به اهدافی است که متفکر برای حصول به اهدافش ترسیم کرده است. طبعاً ما می‌توانیم تفکر را از زاویه‌های مختلفی مورد بررسی قرار دهیم. از

کتاب «درآمدی به هرمنوتیک» زمانی منتشر شد که مولف آن چندماه پیش از آن برای تدریس در مرکز مطالعات اسلامی و خاورمیانه دانشگاه کیرنج زیر نظر پروفسور آریو (مترجم انگلیسی قرآن کریم) به انگلستان رفته بود این کتاب تلاش می‌کند براساس مبانی فکری هرمنوتیک غربی، نمارض‌های موجود در اندیشه‌های متفکران برجسته این نمله را به چالش بکشد. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگویی است کوتاه با حجت‌الاسلام والمصلین دکتر احمد واعظی درباره این کتاب و رویکردهای مطرح در اثر حاضر.

عنوان این علم بوده و نه مباحث آن و دلیل اینکه در دوران معاصر هرمنوتیک رشد فزاینده‌ای یافته و توجه بسیاری از متفکران سنت‌های فلسفی جهان را به خود جلب کرده چرخش‌هایی است که در قرن بیستم در علم هرمنوتیک اتفاق افتاد.

تفکر اسلامی با کدام وجه از علم هرمنوتیک سازگاری دارد و به بیان دیگر چه استفاده‌ای می‌توانیم از این علم بکنیم؟

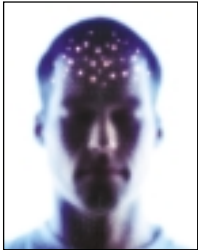
این سوال منوط به پاسخ به این پرسش است که هرمنوتیک چه کارکردی دارد. هرمنوتیک اساساً در دو سیما در تفکر غرب و به‌طور کلی در جهان وارد شده است. سیمای اول هرمنوتیک به‌باور من متداول‌وزی فهم است که قرن‌ها بر گفتمان‌های فرهنگی، فلسفی و دینی تسلط داشته و به تعبیری صحیح‌تر در همه ادیان، فرهنگ‌ها و... وجود داشته چرا که این چهره در ساده‌ترین تعریف‌هاست است با دستیابی به قواعد فهم متون. اما آنچه در قرن بیستم اتفاق افتاد حضور چهره دیگری از هرمنوتیک بود که به‌جای پرداختن به قواعد تفسیر متن به ارزیابی ماهیت فهم و شرایط وجودی حصول آن گرایش داشت. به‌باور من آنچه به‌طور مستقیم با متون دینی ما ارتباط برقرار می‌کند جلوه نخست هرمنوتیک است اما جلوه دوم آن در مقام یک بحث نظری و پایه برای تفسیر متون دینی اساساً هیچ‌قاعده‌ای برای فهم متون عرضه نمی‌کند. در حالی‌که رویکرد اول ناظر بر کارکرد گرای است بنابراین انتظار اینکه بحث‌های هرمنوتیکی جدید دخالت مستقیم در فهم متون دینی داشته باشند نارواست گرچه دخالت غیرمستقیم در قالب نظریه پردازی فهم غیر قابل‌انکار است.

این چرخش که شما در ابتدای بحث عنوان کرده‌ید به توضیح نیاز دارد و طبعاً در این توضیح نمی‌توان از اهمیت شلایر ماکسر غافل شد.

ببینید! اهمیت شلایر ماکسر در این است که نقش مهمی برای شخص‌مفسر و خواننده در فرایند تفسیر و تایل متن باز کرد. به تعبیری تا قبل از او نقش خواننده بسیار متغلاانه و گنیش‌پذیر (passive) بود ولی در هرمنوتیک رمانتیک که با شلایر ماکسر آغاز شده، نقش مفسر برجسته‌تر می‌شود.

فلسفه اسلامی شیوه‌های مختلفی از تفسیر متون فلسفی و دینی وجود دارد. سوال بعدی من ناظر بر یک نگرش تطبیقی است. آیا می‌توان شیوه‌های تفسیری خودمان را براساس آنچه در علم هرمنوتیک (در قرن معاصر) اتفاق افتاده روزآمد کرد.

اینکه ما در رشته‌های مختلف علوم اسلامی به تفسیر کتاب و سنت مبادرت می‌کنیم مبتنی بر نظریه تفسیری خاصی است که پیش فرض‌ها و مبانی خاص خودش را دارد. در هرمنوتیک معاصر (دست‌کم در بسیاری از نمله‌های آن) این مبانی و پیش فرض‌ها به چالش کشیده شده است. از این حیث تبیین، دفاع و غنا بخشیدن به نظریه تفسیری عالمان مسلمان نیازمند آگاهی،



از زبان وی و چالش این رویکرد‌های جدید است. طبعاً اگر بخواهیم نظریه تفسیری خودمان را به طور متقن، تفتیح و روزآمد کنیم باید از چالش‌ها و نظریه‌های هرمنوتیکی معاصر آشنایی کافی داشته باشیم.

آیا این آشنایی با راجع به متون اصلی و برگردان آنها به فارسی اتفاق می‌افتد که منشا به نگارش این کتاب دست زده‌اید؟

طبعاً می‌پذیرید که اغلب ترجمه‌ها (و شاید همه آنها) به دلیل ترجمه بودن و ورود از یک ساخت فکری به ساخت دیگری از تفکر به واسطه برگردان با نارسایی‌هایی مواجه است و از سوی دیگر مخاطب با پیش فرض‌هایی که دارد به راحتی نخواهد توانست آن‌گونه که باید و شاید در درک آموزه‌های آن موفق عمل کند.

طن این سال‌ها متفکران زیادی در ایران تلاش کرده‌اند تا بر مبنای هرمنوتیک غربی متون دینی و فلسفی را مورد مطالعه قرار دهند. آیا یا توجه به پیشینه فکری و فلسفی ما می‌توان یک شیوه تفسیری **کاملاً اسلامی - ایرانی چون هرمنوتیک غربی احداث کرد؟ یا توجه به آنچه شما در مورد هرمنوتیک می‌نام گفتید.**

ما در درون علوم اسلامی چیزی به نام هرمنوتیک (به‌عنوان یک رشته مستقل) نداریم، اما بخشی از مباحثی که امروزه تحت نام و عنوان هرمنوتیک طبقه بندی می‌شوند در علوم چون علم اصول، علم کلام و مقدمات تفسیر به طور پراکنده یافت و بیان پرداخته می‌شود. طبعاً در مورد این موضوع نمی‌توان پیشگویی کرد اما آن دسته از مباحثی که از هرمنوتیک غربی ریشه کرده است از قدیم در علم اصول وجود داشته و در تفسیر متون دینی به کار رفته ولی به دلیل پراکنده‌گی و فراهم نشدن تحت عنوان یک دانش واحد، فاقد آن انسجام لازم است و قطعاً نیاز به این مهم احساس می‌شود. این کتاب نیز در جهت یادآوری اهمیت این نکته است.

تأجایی که من می‌دانم این پروژه ادامه دارد. لطفاً در مورد ادامه این تلاش پر ایمان بگویید.
کتاب حاضر هرمنوتیک اول از یک پروژه است که همچنان ادامه دارد. در مرحله اول تلاش کرده‌ام تا مهم‌نخه‌های هرمنوتیکی را نقد کنم. اما باید به این نکته تأکید کنم که همه نظریه‌های تفسیر متن به هرمنوتیک اختصاص ندارد، به این معنی که ما در خارج از فضای هرمنوتیک، نظریه پردازی‌هایی درباره تفسیر متن داریم. بنابراین در مرحله دومی که در پیش است دیگر نظریه‌های تفسیر متن نظیر ساختارگرای و شلاره‌شنکئی و مانند آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌ام. هدف اصلی من از مرحله دوم این پروژه، تبیین نظریه تفسیری عالمان مسلمان است و اینکه این نظریه تفسیری چه پاسخی به مهم‌ترین چالش‌های موجود در زمینه تفسیر متون ارائه می‌دهد.



یادداشت

باسخ دکتر صانعی درمبیدی برنقدهای دکتر حکمت و عبدالکریم رشیدیان

بررسی همه نخله های فلسفی عمر نوح می خواهد

چندی پیش نقدهایی از دو تن از استادان فلسفه در دانشگاه شهید بهشتی (دکتر عبدالکریم رشیدیان و دکتر نصرالله حکمت) بر کتاب صحنی اندیشه‌های فلسفی به در کتاب هفته با فاصله زمانی اندکی منتشر شد که هر کدام از این متفکران جنبه‌ای از کتاب حاضر را به چالش کشیده بودند آنچه در می‌آید پاسخ دکتر صانعی دره پیدای نقد‌های یاد شده است. در دنیای متفکران امروزی و در مسأله‌های فزینی و رسم بسیار عقید و پسندیده‌ای وجود دارد که گروهی از معلمان فلسفه سلسله کتاب‌هایی در زمینه‌های مختلف علمی تحت عنوان ساده سازی (Simple Made) خود را می‌نویسند. این جرمو به کتاب‌ها در همه زمینه‌ها وجود دارد. هدف این قبیل کارها این است که عامه مردم درس خوانند و اغلب دانشگاه‌پدیه‌ها اما فرمتخصص‌ها یا آن مباحث آشنا کنند. در فنی کنید فزیکدان‌ها ما عمر خود را در مباحث پیچیده فزیک‌کی گذاشته‌اند و می‌خواهند اطلاعاتی را جمع به تازه‌ترین دستاوردهای علم پزشکی یا موضوعات و علوم دیگر بیاورند. این کار مثل بسیاری از کارهای دیگر که ما را این‌ها باید در صد یا صدویچجاه سال پیش می‌کردیم و نگردیم در کشورهای غربی به خصوص در حوزه زبان انگلیسی بسیار رایج و متداول است. بنده نخستین بار که اصول فلسفه دکارت را ترجمه کردم در همان مقدمه چاپ اول نوشتم که این کتاب باید دویست سال پیش به زبان فارسی ترجمه می‌شد. و نه امروز. این کار هم از آن دسته کارهاست. نسلاً های قبلی باید این کارها را می‌کردند و کتاب‌هایی در زمینه مختلف علمی به زبان غربی و عامه فهم می‌نوشتند. کار بنده فلسفه است به این امید که دانشمندان محترم در موضوعات مختلف دیگر و در همه زمینه‌ها همت کنند و چنین کارهایی را ارائه دهند. در فلسفه کتابی که به زبان ساده و فزونی برای غیرفلسفه‌خواننده‌ها باشد، تا آنجا جامع همه مباحث و تازه‌ترین مباحث فلسفی باشد. نااشتم، در حدود سی جلدی سال گذشته کتاب‌های متعددی با یوز عنوان فلسفه عمومی ترجمه شده است. مرحوم یحیی مهدوی چند کتاب ترجمه کرده‌اند. مرحوم محتوی ترجمه کرده بودند و دیگران هم این کارها را کرده‌اند. ما دانش‌پاؤل که در محتوی یادآوری کردم این کارها دو پایه عمو می‌داشت. باؤل اینکه چون ترجمه است قلم و زبان مترجم از ادبیت و در ترجمه قوت و مهارت آن بنده که مثل من در ایران فلسفه خوانده‌اند می‌باشد که در کتاب فلسفه عمومی پل فزیک‌ای از لحاظ پیچیدگی مباحث و مطالب چه خیر است. در بین دانشجو یان فلسفه متداول است که این کتاب را به دلیل زبان سختی که دارد باید بیست و چند بار خوانند.

عیب دیگر اینکه بسیاری از این کتاب‌ها در دهه‌های اولیه قرن بیستم به زبان اصلی نوشته شده است و بسیاری از مباحث جدید را ندارد. علاوه بر این نویسنده کتاب اصلی با مباحث خاصی این کتاب‌ها را به زبان‌های مختلف نوشته‌اند و بعد به فارسی ترجمه شده و معمولاً به بعضی از مباحث کمتر توجه شده و بعضی دیگر بیشتر مورد توجه است. بنابراین این نوع کتاب‌ها اولاً و بنامبار باید تألیف باشند و در کار ترجمه نمی‌توان چنین کاری کرد. تألیف‌اش امکان‌نا حلوی همه مباحث باشد که امروزه دست‌اندرکاران فلسفه با آن سروکار دارند. طبعاً اگر فلسفه‌خواننده‌ای بخواهد اطلاعاتی عمومی از مثل اطلاعاتی گرفته تا باید از فلسفه هورس، به دست آورد با مشکل روبه‌روست. این مسئله بنده را وادار کرد که دست به این کار بزنم.

جواب دکتر رشیدیان در نقد خود یادآور شده‌اند که این کتاب در سه محث و سه باب سازمان یافته و من هر محث را یک‌باب نامیده‌ام. هدف من این بود که یک اطلاعات عمومی، چنانکه در مقدمه گفته به دانشگاهیان فلسفه‌خواننده و دهم و احساسی کرده که با این مشخصاتی که در کتاب حاضر عنوان شده بهتر است مباحث در سه باب تهیه شوند. باب اول تاریخ فلسفه، باب دوم نخله‌ها و مکث‌های فلسفی رباب سوم هم موضوعات و مسائل فلسفی. نکته دیگر در مورد نقد ایشان پیرامون ادعای من در این کتاب منی بر اینکه که فلسفه بیست و هفتمین سوورتی از شکافیت است، باید بگویم که ذهن ما به این مفاهیم شاکله‌ای و کلیه‌ای انس گرفته و عادت کرده، یعنی وقتی کسی در فلسفه غربی می‌زند، می‌گوید حرف فلافل‌نویس‌ها نیست که نشان‌های می‌آورد و یا نمی‌تواند به حقیقت برسد. طبعاً این ادعا که اساساً انسان‌نی‌تواند به حقیقت برسد در تاریخ

فلسفه شکافیت نام دارد اگر دریا چنین بگر نشی داشته باشد شکاف است. اگر لوی اشتراوس چنین گفته باشد شکاف است. آنجا که می‌گویند انسان می‌تواند به یک حقیقتی برسد آن وقت می‌گویند این حقیقت را با مشاهدات واقعی و تجربی دریافت می‌کنیم که می‌شود جان‌لاکنه، می‌گویم این آبروست است. در مقابل دکارت می‌گویند می‌تویم حقیقتی را بوییم ولی با مشاهده هم نمی‌تویم. رجوع می‌کنیم به دورن خودمان، این نوع نگریش را در غرب اسپینوزا، کانت، هایدگر، نیازیان سخت تفکر بیست و هفتم و آن چیزی که ما در تاریخ فلسفه غرب داریم شکافیت است. یعنی همان‌طور که آقای دکتر رشیدیان به درستی فرموده‌اند واقعاً عمر نوح می‌خواهد که کسی بتواند همه این نخله‌ها را بررسی کند.

کار من فلسفه‌خواننده است. من مدعی هستم که در قرن هفده و جمله و تاحدودی قرن نوزدهم را می‌شناسم. اما در بیست و هفتم توفقی کردم و با این توفی توجه شده که به ساده‌ترین تعبیر حرف متفکران بیست مدرن این



است که دست انسان حقیقت جو به جایی نمی‌رسد.

و اما نقد دکتر حکمت: آقای دکتر حکمت در بحث کلی‌شان به دو

نکته مهم اشاره کردند.

نویسچ به نقد ایشان باید عنوان کنم که به باور بنده ساختار فلسفه اسلامی، کلیه است و فلسفه اسلامی پیش از هر چیزی Theology است و در این مجموعه‌های که نام آن‌ها ساختار فلسفه اسلامی است بنده فقط راهم در این مجموعه آورده‌ام) به نظر من متکلمان ما داناتر و حکیم‌تر و فرزانه‌تر از کسانی بودند که به حکما معروفند.

تاریخ فلسفه اسلامی رایه در گروه متکلمان و فقها تقسیم می‌کنند. اما در این سن -جهلی سال اخیر- وقتی می‌گویند حکما خیلی بالا می‌رود وقتی می‌گویند متکلمان خیلی پایین می‌آید، بنده درست برعکس این فکر می‌کنم و می‌گویم باید متکلمان را بالاتر ببریم و حکما را پایین‌تر بشناسیم.

اما آنچه ایشان از آن به عنوان تخریب نام برده‌اند نمی‌توانم منظور همین تلخیص است یا چیز دیگر. اگر منظور تلخیص است که کتاب و مقدمه آن گویاست ولی اگر منظور تخریب این باشد که بنده تماماً مطالبی را ناموست گفته که فلسفه اسلامی را کویک کنم، چنین هدفی نداشته‌ام. در مورد عنوان غربی سه‌هم به همین شکل است. قصد بنده فقط گزارش بوده و در جهت اکهارت متاسفانه بنده نوشته‌های اکهارت را بنده‌ام از منبع مستقیم دوم استفاده کردم. اگر کتاب‌های ایشان را دیده‌ام و بخوانم شاید او هم چنین بیرونی‌ای را گفته باشد. بنده اصلاً معتقد به این نیستم که تفکر شرقی و غربی است و این تقسیم‌ها را قبول ندارم.

در مورد فلسفه اسلامی معتقدم که پایه

فلسفه اسلامی قرآن است.

بنده هیچ شش معیار نام بره فلسفان اسلامی اول به ترحیل معتقدان این باره به یونان تعلق ندارد. ترحیل مختص متفکران اسلامی و اندیشه‌ها از قرآن است. یونان نظریه حقیقت را قبول دارد، بگذریم که این سبیا تا چه حد توانسته‌اند آن داستان حدیث زمانی و وقتی را مطرح کند ولی بالاخره این سبیا مسلمان است و نسبت ما به وحی معتقدیم و قرآن مصدور وحی است. در حالی که وحی به این معنا در فلسفه یونانی وجود ندارد. مفاهیم کلیدی فلسفه اسلامی از قرآن درک شده است.



رضا آشفته

عزت‌الله مهرآوران، نمایش‌نامه‌نویس، کارگردان و بازیگر سال‌هاست که در جست‌وجوی مختلف صاحب رتبه‌های برتر شده‌است. او با موضوعات متنوع می‌نویسد. یکی از دفعه‌های او جنگ تحمیلی است و دربارهٔ معرفی آثار نمایشی می‌گوید سال ۱۳۴۹ شروع جدی نمایش‌نامه‌نویسی من بود که به علت زندگی در خوزستان امکان چاپ کتاب‌هایم نبود. در مسیر حرکت‌های تئاتری در خوزستان، امکان حضور در تهران برای چاپ کتاب‌هایم را نداشت‌لمی در سال ۶۳ مرتب آثار نمایشی‌ام را به انتشارات مختلف می‌بردم، اما نمایش‌نامه کمتر چاپ می‌شد. مرکز هنرهای نمایشی بیشتر نمایش‌نامه‌ها را قلم‌نمند نبود. آنچه مورد تأیید نشد یا شورای نشر نمایش‌نامه‌ها وجود نداشت و متأسفانه نمایش مرکز هنرهای نمایشی قرار نمی‌گرفت. در جست‌واره جایزه می‌گرفت.

در انتشارات سوره پنج نمایش‌نامه در سال ۷۰ چاپ شد به نام‌های: «صدای کلبکو»، «جبال پازره»، «عاشق کثون»، «انتظار» و «سجلی» که خیلی زود ناب شد.

نمایش‌نامه «غزافراه» که در جست‌واره بین‌المللی دفاع مقدس برگزیده شد، در مجموعه‌ای چاپ شد که خود مقدم به چاپ آن کردم اما عقب‌برای نشر آثارم باید پول داشته باشم. پنج پنج جلد کتاب بازیگری آسان را آماده چاپ دارم. همچنین چهار نمایش‌نامه که فعلاً عاشق کثون آمادهٔ بخش‌است.

ابریشم‌بانو

عزت‌الله مهرآوران تحت تأثیر جنگ تحمیلی بوده و از آغاز جنگ نگاهش متوجه تمام جریان‌ات و اتفاقات نانی از آن بوده‌است. «مسئله انسان» برای او یک دفعه

بوده و در تمام این سال‌ها به عنوان یک نویسنده منتظر شناخته شده‌است. او وقتی که می‌خواست «ابریشم بانو» را بنویسد، آن انتظار جمیع می‌آورد و کلماتش را با خود می‌برد. بارها مهرآوران ابریشم بانو را می‌نویسد. یادداشت‌ها و تحقیق‌های او دربارهٔ «ابریشم بانو» و «زنان ایران» شاید پنجاه برابر تعداد صفحاتی است که این نمایش‌نامه چاپ شده‌است. این نویسنده کتاب‌های زیادی را مطالعه می‌کند و به جاهای مختلف سفر می‌کند اما آنچه باید روح ابریشم بانو را آرام کند، نمی‌یابد. این متن مجموعه‌ای از آرزهای انسانی را در خود دارد. «ابریشم بانو» به اعتقاد مهرآوران، علاوه‌یک زن نیست، بلکه تمامی یک زن است که مقابله با مرگ سیارش - «ابریشم بانو» زنی است که نمی‌تواند سیارشش مرده‌است یا نه. می‌آید یا نمی‌آید. به «ابریشم بانو» در آذاره، خانواده و هرچایی که با می‌گذارد، می‌گوید که دیگر سیارشش نمی‌آید، اما

با عزت‌الله مهرآوران، نمایش‌نامه‌نویس

اسطوره‌ای با یک دوچرخه و چمدان

ابریشم بانو از آذاره و شهر با یک دوچرخه و چمدان فراری می‌کند و به یک قبرستان پناه می‌برد. برای آنکه در آنجا همه چیز ساکت و ساکن است، همه مرده‌اند. حیات می‌دهد. او برای آنکه به هدف زندگی، عدالت و آزادی برسد، زنان زمانه خودش را در کنار زنان اساطیری فرودسی قرار می‌دهد. او به همان اندازه که در مقابل اقدس و عصمت و ثریای امروزی می‌ایستد، در مقابل فرنیگیس اساطیری زمان سیارش هم ایستادگی می‌کند. «ابریشم بانو» زنان اساطیری را محاکمه می‌کند که چرا در تسلیم سیارش در برابر سرنوشت قانع بودید. او نمی‌خواهد یاور کند که سیارش نمی‌آید، بلکه سیارش در ذهنش زندگی می‌کند.

عزت‌الله مهرآوران از سال ۷۰ درگیر موضوع ابریشم بانو می‌شود و در سال ۸۸ موفق به نگارش آن می‌شود.

عزت‌الله مهرآوران هفتاد معرفی‌زنانی در جهان است که ماندگار شده‌اند. به همین دلیل نوشتن ابریشم بانو؛ برای او سخت شده بود.

این نویسنده از نحوهٔ چاپ کتابش گلگند است. درست نمایش‌نامه توسط بازیگران و کارگردان می‌شود. یک کتاب نمایش‌نامه، بعداً توسط یک گروه کبیبی می‌شود و هر بازیگر و کارگردانی توضیحات لازم مربوط به بازی و میزبان‌ها را بر روی کلمات و در حاشیه کتاب می‌نویسد. اما قلع جیبی «ابریشم بانو» مانع از این کار می‌شود.

عزت‌الله مهرآوران از نشر سوریه به عنوان یک نشر موفق یاد می‌کند، برای آنکه پنج جلد کتاب از او چاپ و منتشر کرده‌است و برای هر پنج جلد در انتخاب هر جلد و نوع قطع و فونت و ویرایش‌هایی از نویسنده

آرام اول

این هفته با جواد عاطفه نویسنده مجموعه داستان «تا مقصد می‌خوایم بیدارش نکن»

آزمون و خطاهای کتاب اول

رسول آبادیان

جواد عاطفه متولد ۱۳۵۸ و فارغ‌التحصیل رشته تئاتر است. اولین مجموعه داستان این نویسنده جوان در نیمه استفاده سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید اما در اوایل سال ۱۳۸۵ روانه بازار کتاب شد. به امید خدا پانزادوم در هفته‌های آینده در همین صفحه به معرفی آثار نخست جوانان که به گونه‌ای مورد توجه واقع شده‌اند بپردازیم.

اولین کتابی که دوباره مجموعه داستان‌شما خواننده را فرغیر می‌کند گنجاندن مقدمه در اول کتاب است، اصولاً چرا در آغاز مجموعه داستان باید مقدمه‌ای وجود داشته باشد؟! خودمقدمه یک داستان است. داستانی که جالبی درهیلو دارد و می‌توان هم به عنوان مقدمه آن یاد کرد که من و دنیای داستانی مرا به خواننده و مخاطب معرفی کند و هم اینکه داستانی است با نام و عنوان مقدمه. اما نوشته اول کتاب بیشتر به یک یادداشت شخصی شیء است، در واقع بعضی موارد اصلاً چارچوب داستانی ندارد.

در اینکه داستان‌است یا نه فضاشرت برعهده مخاطب است اما هدف من رسیدن به دنیای داستان و خلق یک اثر داستانی است. یادداشت شخصی که از آن نام می‌برید، ریشه در فضای روحی شخصیت داستانی دارد. او تک و تنها روی تختی در تانجا آباد یک بیمارستان به روایت آنچه بر سرش آمده می‌پردازد. چیزی که در حد یک وهم و خیال است. پس

طبعاً با چنین موقعیت داستانی خواجه و باخواجه به شخصیتی نویسی شخصیت داستانی خواهیم رسید.

مدتی است که کتاب‌های اول بسیاری از نویسندگان دارای قواعد و اصول نسبتاً خوبی است، یعنی اینکه این دسته از نویسندگان قبل از چاپ اثر تا حد قابل قبولی در شناخت دنیای خلق اثر کار کرده‌اند، خود شما تا چه اندازه روی این مسئله کار کرده‌اید؟

طبعاً هر نویسنده‌ای زبان و نگاه خاص خود را دارد و کاملاً طبیعی است که کاری قدرت و ماندگاری خواهد داشت که به زبان و نگاه مستقل خود در اثر برسد. و برای رسیدن به چنین نگاه و زبانی هم تلاشی مستمر و پیگیر لازم است. من هم طبق همین اصل با نگاهی که مخالف عموم بوده و هست به بازنوایی و بازنویسی چندباره این داستان‌ها دست زده‌ام و سعی‌م بر رسیدن به اثری خاری از اشتباه و یکدست بوده که امیدوارم موفق بوده باشم.

مجموعه داستان‌شما کتابی است که تا حدودی توانسته نظرات مختلف ستقدان را در پی داشته باشد و چند داستان کوتاه از این مجموعه در جایزه‌های متعدد ادبی در زمره کارهای مطرح بوده‌اند، با این حال لازم شما بعد از چاپ این کتاب متوجه کم و کاستی‌هایی نشده‌اید که؟

برای آنکه در نوشتن کارهای بعدی از آنها دوری کنید؟ هر اثری که چاپ می‌شود دیگر از دست خالق اثر رها شده و خودش را می‌پوشد یا پیش می‌برد. اگر ضعیف باشد بالطبع گم و ناپایده می‌شود و اگر هم قدرتی داشته باشد که زنده و حاضر در آینده هم نفس خواهد کشید.



خود در اثر برسد. و برای رسیدن به چنین نگاه و زبانی هم تلاشی مستمر و پیگیر لازم است. من هم طبق همین اصل با نگاهی که مخالف عموم بوده و هست به بازنوایی و بازنویسی چندباره این داستان‌ها دست زده‌ام و سعی‌م بر رسیدن به اثری خاری از اشتباه و یکدست بوده که امیدوارم موفق بوده باشم.

مجموعه داستان‌شما کتابی است که تا حدودی توانسته نظرات مختلف ستقدان را در پی داشته باشد و چند داستان کوتاه از این مجموعه در جایزه‌های متعدد ادبی در زمره کارهای مطرح بوده‌اند، با این حال لازم شما بعد از چاپ این کتاب متوجه کم و کاستی‌هایی نشده‌اید که؟

برای آنکه در نوشتن کارهای بعدی از آنها دوری کنید؟ هر اثری که چاپ می‌شود دیگر از دست خالق اثر رها شده و خودش را می‌پوشد یا پیش می‌برد. اگر ضعیف باشد بالطبع گم و ناپایده می‌شود و اگر هم قدرتی داشته باشد که زنده و حاضر در آینده هم نفس خواهد کشید.



دعوت به گفت‌وگو و اعمال نظر شده‌است. حتی در زمان خود حوالی‌تالیف مناسب نیز به ازای انتشار آنها پرداخت کرده‌است.

مشکلات نشر نمایش‌نامه

عزت‌الله مهرآوران معتقد است که ما هنوز مشکل نشر نمایش‌نامه داریم و در این خصوص می‌گوید: مرکز هنرهای نمایشی مولوی چاپ و نشر نمایش‌نامه است به همین دلیل مرکز می‌تواند با انتشاراتی‌های علاقه‌مند به چاپ نمایش‌نامه قرارداد ببندد و به این ترتیب حوره نشر و گسترش نمایش‌نامه را حتی در شهرستان‌ها گسترده کند.

و می‌افزاید: چاپ هر نمایش‌نامه، شناسنامه نویسنده‌است اما قدری که متقدان بر آن اثر می‌نویسند، است که چرا از نقد نمایش‌نامه در کشور ما خبری نیست.

این درد بزرگی است. آدم‌هایی که در یوق و کرنا بزرگی می‌شوند و بعد می‌روند هیچ اثری هم از آنها باقی نمی‌ماند. به اندازه نمایش‌نامه‌هایی که چاپ شده، ما می‌توانیم کتاب نقد نمایش‌نامه‌ها را منتشر کنیم. در تمام دنیا هم همین‌طور است. با نقد نمایش‌نامه است که نویسنده‌اند می‌کند و می‌تواند پیدا می‌کند.

این مجموعه به من فهماند که جامعه ادبی و کتابخوان ما چه طرز تفکری را بیشتر می‌پسندد و برای چه نوع نگارشی بیشتر ارزش قائل می‌شود. بعد از چاپ و بازنوایی مجدد بود که متوجه شدم باید از ذهنی گریای به عینی‌گرایی تمایل بیشتری داشته باشم و تصاویری ملموس‌تر و قابل باورتر ایجاد کنم.

اقلب داستان‌ها به‌رغم پیچیدگی‌هایی که خودتان هم به آنها اشاره کردید داستان‌هایی قابل فهم‌اند اما عنوان کتاب نامحدودی از این فضا دور است، چرا؟

پیچیدگی‌هایی که من در کارهایم از آنها استفاده کرده‌ام، پیچیدگی‌هایی است که در لایه‌های زیرین و زیر متن فکری امروز ما حاکم است. یعنی تصویر بعضی آدم‌ها یا روابطی ظاهری و ساده‌اما یا پیچیدگی‌ها و تودرنوی‌های ذهن پنج درپنج. عنوان کتاب هم که عنوان یکی از داستان‌های این مجموعه است، درگیری ذهنی یک مسافر در اتوبوسی بین شهری را به تصویر می‌کشد. مسافری که تا رسیدن به مقصد دائم در خواب و خیال و ذهن خود مورد تاراج و دستبرد همسفرانش قرار می‌گیرد.

شما علاوه بر داستان‌نویسی در حوزه نوشتن نقد هم فعالیت دارید، برای ما بگویید که حال و هوای کتاب‌های اول در حال حاضر چگونه است و بگفته باید یا آنها کنار آید؟

داستان‌های اول معمولاً داستان‌هایی تجربی و تجربه‌گراست. نویسنده سعی دارد تمام حس‌ششاسی داستانی خود را با اثرش به رخ بکشد. که در باره‌ای موارد آناری مهم، تئری‌نگار و ماندگار خلق می‌شود و در بسیاری دیگر، داستان‌ها در حد یک طرح داستانی یا تجربی باقی می‌ماند. ولی به هر جهت کتاب اول را می‌توان گذاری و گذری و ورطه تودن به شدن و ماندن تعبیر کرد.

... و حرف آخر

با وجود آنکه سخت و دور از انتظار است، آرزوی درک داستان‌نویسان جوان و داستان‌اولی‌ها از سوی ناشران دارالم آملی‌پروازم که نگاه ناشران به کتاب‌های اول لطیف‌شود و امیدم باشد نشود.



مروری بر وضعیت آنتالوژی های شعر در ایران

دیدار با شاعران در یک کتاب

پریش انگیز شده است که چه اهدافی، افراد را به گردآوری و تحلیل یا نقد شعر امروز وامی دارد، آیا شعر امروز بضاعت این همه توجه دارد؟ آیا اصلا از دیداد و توجهی وجود نداشته و حتی کمتر از بضاعت درونی شعر امروز کتاب های جانبی منتشر شده است، کاهی نیز وراثت یک شاعر یک منتقد را به دادگاه می کشاند که چرا بدون هماهنگی قبلی و پرداخت حقوق مادی، دست به چنین گزینش و انتخابی زده است.

شناخت شعر

عبدالعلی دستغیب، منتقد ادبی کشورمان که سال هاست در زمینه شعر و داستان معاصر مطالعه، تحقیق و نقد داشته است، آنتالوژی های شعر را به دو دسته عمده تقسیم می کند. یک دسته بر اساس اشخاص (شاعران) و دسته دوم بر اساس موضوع (شعر عاشقانه، شعر اجتماعی و...) گردآوری و منتشر می شوند. وی معتقد است که درباره شاعران نوپرداز کتاب های زیادی گردآوری شده و در این زمینه نشر مروارید مجموعه چشمگیری را منتشر کرده است: «آخوان ثالث، انیما یوشیح، اسهراب سهری» و دیگران که گزینه اشعارشان درآمده است. علاوه بر این نشر، نشرهای دیگر نیز دست کم از پنج شش شاعر اصلی نوپرداز غافل نبوده اند. این موضوع باعث شده بسیاری از شاعران که از شهرت و اقبال عمومی کمتری برخوردار بوده اند، ناپایده انگشته شوند.

عبدالعلی دستغیب برای نشر یک آنتالوژی با موضوع شعر سیاسی پیشنهاد می دهد که حتما بعد از گردآوری اشعار، نوشتن یک مقدمه متوسط مرتبط به دوره تاریخی و شرایط سیاسی و مختصات اجتماعی آن دوره از نیازهای اصلی آن آنتالوژی است. همچنین با موضوعات دیگر نیز اگر یک آنتالوژی تدوین شود، نوشتن مقدمه جزو ابزارهای اصلی آن به شمار می آید. مثلا آنتالوژی شعر زنان، شعر جوانان و غیره نیازمند یک پشتوانه علمی و تحقیقاتی است تا اهداف نظر مد نظر ارائه آن اثر، مطالعه گزینه اشعار شاعران را راحت تر کند و در ضمن اطلاعات و تحلیل های بهتری را برای درک آن اشعار فراهم کند.

وی با انگیزی زبیین توجه گردآورندگان اشعار را به افرادی جلب می کند که در دهه های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ ششسی شعر گفته اند اما مورد غفلت واقع شده اند. حسین منوچری، شمس لنگرودی، اقبال معتمدی، منوچهر نیستانی و بسیاری از شاعران که هنوز آثارشان جای نقد و بررسی دارد، زمانی آنتالوژی ها به سرانجام موثر و مفیدی نزدیک می شوند که به تمامی جریانات و افراد توجه داشته باشند یا ما محصل کارآمدتری پیش روی خوانندگان شعر امروز قرار دهند.

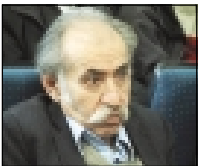
عبدالعلی دستغیب مجلات ادبی را یک منبع مهم برای گردآوری آثار شاعران امروز معرفی می کند که برخی از شاعران به دلایلی موفق به نشر کتاب نشده اند و آنتالوژی نویسان می توانند از این فرصت برای معرفی این شاعران استفاده کنند.

او توجه به نیما، شاملو، آخوان ثالث و سهراب را کافی ارزیابی می کند و معتقد است افراد زیادی هستند که هنوز درباره آنها مطلبی نوشته نشده است. به عنوان مثال به افرادی مانند رحمی معیری، دکتر صورنگر، دکتر علی آذرخش و ملوک الشعرايي بهار اشاره می کند که نباید با آنکه نوپرداز نیستند اما

مضامین نویی را در قالب شعر کلاسیک مطرح کرده اند. این منتقد در ادامه به دسته بندی موضوع بر پایه سبک های رایج (توقدمايي، نیمايي، موج نو، شعر بیست مدرن) می پردازد که هر یک از این موضوعات نیز می تواند بستر مناسبی برای یک تحقیق چشمگیر ایجاد کند. در عین حال نوشتن مقدمه ای بر اساس سبک های رایج و همچنین اشاره به نوآید، آثار و زندگی شاعران بر جداییت آنها می افزاید.

عبدالعلی دستغیب شناخت شعر، دوره های تاریخی و شرایط اجتماعی را از نکات لازم برای آنتالوژی نویسان دانست، چرا که یک منتقد باید با نگاه علمی و تکنیکال بتواند ارتباط اشعار با شرایط سیاسی را پیدا کند.

وی در ادامه به آنتالوژی محمد حقوقی انتقاد می کند برای آنکه در این کتاب برخی از شاعران مطرح شده اند که اصلا شاعر نیستند و یا برخی از اشعار ضعیف شاعرانی به عنوان نمونه معرفی شده اند که در مقابل، اشعار قوی تری از آن شاعر



موجود بوده است. این منتقد ادبی علاوه بر اشراخ، مقدمه، نقد و انتخاب، شناخت شاعر و علاقه مندی به او را یک شیوه مناسب برای گردآوری آثار یک شاعر ارزیابی می کند. به نظر دستغیب چهار مجموعه اول سهراب سهری اصلا شعر نیستند و در مقابل برخی دیگر آنها را شعر می داند. شاید این هم به دلیل ضعف ابهام و ایجاد رعایت شده در مطالب باشد. او به بودن قوانین در علوم انسانی همانند علوم طبیعی و فیزیک معتقد است که همین قوانین می تواند ضوابطی را حاکم کنند تا شعر بودن یا شعر نبودن یک اثر قابل بررسی باشد. شعر سعیدی یا شعر فردوسی قابل مقایسه نیست برای آنکه فردوسی شعر حماسی می گوید و سعیدی شعر نعتی.

وی تفاوت درباره اشعار بسیار نو را بر پایه میزان تاثیر بر مخاطب قرازمی دهد که اگر چنین اتفاق نیفتد باید به ضعف شعر یا شعر نبودن آن نگاه شد.

جای خالی کبیر ایلت

کامیار عابدی، منتقد و پژوهشگر درباره مشکل اساسی آنتالوژی های شعر در ایران گفت: واقعیت این است که خود دو سه بار آنتالوژی تهیه کرده ام اما به این دلیل که کبیر ایلت را به لحاظ مادی و معنوی در کشورمان رعایت نمی کنیم، این کار را موفق کردم. فکر می کنم درست باشد از یک تک این افراد یا خانواده هایشان اجازه بگیرم و این حالی بود که دسترسری به برخی از این خانواده ها مشکل بود.

یابد حقوق معنوی و مادی صاحبان و

بازماندگان آنتالوژی ها رعایت شود. وی برای برطرف شدن این مشکل توصیه می کند که در کشورمان قانون وضع شود تا وقتی قرار است در یک آنتالوژی از نیم تا ۳۰ صفحه از اشعار دیگران گزینش شود، بدایم حق نسخه اشعار را به چه شکلی پرداخت شود.

این منتقد و پژوهشگر به ابتدایی بودن قوانین مشکل ساز اشاره کرد و گفت: کسانی که در زمینه نشر تخصص دارند و ناشران صاحب صلاحیت و مسئولان دولتی می توانند در این زمینه به نتیجه اصولی و کاربردی برسند.

وی ابراه ویزیر آنتالوژی های ایرانی را برخورد سلطه ای و نه تخصصی افراد عنوان کرد و گفت: هر کسی به صورت تخصصی در این زمینه کار کرده باشد، و یا شناخت شعر فارسی و معاصر اثر خود را ارائه کرده باشد، احتمالاً مجازهای علمی تری در اثرش تریق می کند، گزینه هر کسی می تواند دست به انتخاب اشعاری بزند. نیم تا آن آنتالوژی بگذارد، دوسرونی که این کار نمی تواند دیگر یک اثر حرفه ای و کارشناسانه باشد.

کامیار عابدی تاکید بسیاری بر رعایت حق مؤلف دارد. برای آنکه ضوابط مؤلفان اصلی آثار باید رعایت شود. او آنتالوژی خود را پس از سه بار ویرایش برای همیشه کنار می گذارد برای آنکه هیچ ضابطه ای برای جلب رضایت صاحبان آثار و خانواده هایشان پیش روی نداشته است.

ادبیات شگولی

رسول یونان، شاعر آنتالوژی های ایرانی را با نگاهی تند بشتر شبیه شگول دانست و در این خصوص گفت: در این آنتالوژی ها بیشتر به چهره های برمی خوریم من نگوییم که بعد از آنکه می بینیم، من نوستر ادومس نیستم که درباره آنها پیش بحث کنم اما قراین و شواهد این طور نشان می دهد، فلافل منتقد می رود به شهرستانی و بعد می آید ۱۰ شعر از آن چندشاعر را کنار هم چاپ می کند. ما گوش می خوانیم که از این آفا خبری به عنوان شاعر بشود و هیچ خبری نمی شود.

وی با تاکید بر آسیب شناسی آنتالوژی شعر به غیر معتبر بودن اکثریت اشاره کرد و گفت: اکثر این افراد زحمت به خرج نمی دهند تا شعرها را انتخاب کنند. بیشتر به گفتگو و شنیدن کتاب و درود حق الا حرمه درایتی خود هستند تا بپوششتری به دست بیاروند. به همین دلیل شاعران شناخته شده و صاحب سبک را لایه لای کاغذها در کنار مکتبهای شاعرانی می گویند.

وی می افزاید، ما وقتی آنتالوژی شعر کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه، اسپانیا، چین و ژاپن را می خوانیم، می بینیم که شاعرهای گرد آمده اند که نمایندگان ژانرهای مختلف شعری آمریکایی لاین هستند و در کشور خودشان صاحب سبک و شناخته شده و دارای شعر قدرتمند هستند. اما در کشور ما، بعضی وای اسم گرد آورنده ای را روی کتاب می بینیم و بی آنکه کتاب را درق بریزیم می دانیم چه کسی به مبهما می آید.

معموما این مبهماها ها بسیاری شان از میهمان های باشناخته و گناه هستند. در عین حال باید یادآوری کنیم، در کنار این پژوهشگرها، آیه های اندک توانمندی هم دیده می شوند که تلاششان قابل ستایش است.

دانشنامه نویسی خرج دارد

دکتر حسن توشه مدیر دفتر دانشنامه ادب فارسی:

دکتر حسن توشه مدیر دفتر دانشنامه ادب فارسی چندی پیش خبر از توقف چاپ این دانشنامه پس از انتشار جلد نهم داده و دلیل آن را اختصاص یافتن بودجه ای از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تکمیل کار عنوان کرد. وی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پاسخی را داد بر اختصاص بودجه بیشتر کرد که در آن به پرداخت هزینه های دفتر اشاره شده بود. به همین سبب و برای روشن شدن موضوع با دکتر حسن توشه گفت وگویی انجام داده ام.



در مصاحبه ای خود گفته اید که این کار بعد از انتشار جلد نهم متوقف می شود؟ الان جلد نهم دانشنامه ادب فارسی در دست تدوین نهایی است و امیدواریم آن تا پایان اسفند تمام کرده و به چاپخانه بدهیم و به نامگذاری، برنامیت، کار دایره المعارف خرد کاری زیادی دارد. هزینه می خواهد و ما هم از عهده این هزینه ها بر نمی آییم. این دفتر برای دانشنامه ادب فارسی است و ربطی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارد. آنها می توانستند این موسسه را علم کنند. به یک موسسه ملی تبدیل کنند. البته کار ما را دیدند. حجت و مراتب ما را مشاهده کردند. دیدند که ۵۰۰۰ سال سرمان را باین حد انداختیم و برایشان کار داریم. تا حالا با نظره بچکان ما رنگ داشته بودند. ما به همان وضع هم راضی بودیم. اصولا باید یک خبری می گرفتند. سری می زدند. حالی می پرسیدند. هیچ کدام از این اتفاق ها نیفتاده است.

وزارتخانه معتقد است که این بودجه را اختصاص داده است و شما مدعی هستید که این بودجه تاقانی بوده است. آیا برای رفع این مشکل اقدامی کرده اید؟ ما یکی دو دفعه مراجعه کردیم. پیش خودشان که بنشینیم می گویند: این طرح ملی است. کار یک ملی که باید حتما انجام شود.

دو هر صورت باید اقدام دیگری هم انجام داده باشید؟ من سال های دراز است که از مسائل اداری دور هستم. اما بالاخره قسمت طری مانند معاونت فرهنگی، معاونت پژوهشی یا معاونت طرح و برنامه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود دارد. هنگامی که برای آقایانی که اینجا هستند مهمان می آید، دانشنامه ادب فارسی را به آنان اهدا می کنند. من به اینها اعلام کردم که اگر به من کمکی نکند تاگزیرم کار را تعطیل کنم. اینجا هزینه دارد. خرج دارد آقای محمد حسین رحیمی جلله گفتند که اگر فقط چراغ اینجا روشن شود، ماهانه ۵۰۰ هزار تومان هزینه دارد. من هیچ حرفی ندارم.

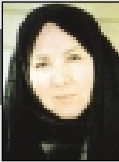


منیزه آرمین نویسنده و عضو انجمن قلم، بهرغم دعوت رسمی ارشاد

داوری کتاب سال را به دلیل مشغله هایم قبول نکردم

منیزه آرمین نویسنده و عضو انجمن قلم گفت که با وجود دعوت رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای داوری کتاب سال، به دلیل مشغله و کمبود وقت نتوانسته است در کار داوری کتاب سال حضور یابد. وی همچنین تصریح کرد: خیلی دوست داشتم در این داوری شرکت کنم چراکه ضمن این کار می توانستم کتاب ها را بخوانم اما از انجام آن عذرخواهی کردم.

منیزه آرمین در گفت و گو باخبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: داوری کتاب سال یک



توفیق اجباری بود که طی آن می توانستم کتاب ها را نیز بخوانم و خیلی دوست داشتم که داوری را انجام دهم، اما به دلیل نداشتن وقت، از انجام آن عذرخواهی کردم.

وی هر گونه شایعه مبنی بر حذف وی از فهرست داوران را رد کرد و افزود: داوری کار دقیقی است که باید برای آن وقت گذاشت و چون من در آن زمان به عنوان یکی از اعضای شورای سیاست گذاری و سالانه سفار درگیر کار بودم، از قبول آن عذر داری کردم.

این نویسنده محقق در بخش دیگری از سخنان خود به فعالیت های جدیدش در گزارش زمان اشاره کرد و گفت که زمانی را درباریه زندگی زنان آفریقایی که مسلمان شده اند، در دست نایف دارد.

کامران پارسی نژاد، داوی بخش داستان، دوستی ها در داوری دخالت نداشت



کامران پارسی نژاد، یکی از داوران کتاب سال گفت که گله ها را نسبت به گزینش داوران کتاب سال معرضانه و بر مبنای برخی دوستی ها می داند.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) پارسی نژاد گفت: مهم ترین نکته داوری اسال، جانک بودن رابطه ها در دوستی ها بود ما حتی نویسنده ها را نمی شناخیم اثر برگزیده هم ساختار خوبی دارد و هم محتوای آن برجسته است و تنها به این خاطر انتخاب شده است.

این داور کتاب سال اعلام داشت: آثار ادبی نسبت به سال های گذشته انقلابی کرده اند. وی در ادامه با اشاره به این که اسامی داوران باید هم زمان با تعیین آن ها منتشر شود گفت: کتاب اندکی سابقه از آثاری است که به تنها اسال که در آینده نیز اثری شایسته خواهد بود.



دبیر علمی کتاب سال: با اعلام اسامی و بیان نظرات داوران تحقق یافت

شفاف سازی در داوری های کتاب سال



ایلام اسامی داوران کتاب سال همیشه یکی از جالبش های اصلی بین منتقدان و برگزار کنندگان این رویداد فرهنگی بوده است. اسامی اما مسئولان برگزاری کتاب سال با اعلام نام تمام داوران قدیم برگزاری در راه شفاف سازی برگزاری کتاب سال برزیده اند. علی ارجمی دبیر این دوره کتاب سال جمهوری اسلامی در این گفت و گوی کوتاه به تبیین دلایل این تصمیم می پردازد.

شما در نشست های خبری مربوط به کتاب سال اعلام کردید بودید اسامی داوران را معرفی می کنید، چرا اعلام این اسامی کمی تاخیر همراه بوده است؟

مطمئنم که در نشست خبری کتاب سال عنوان شد. قرار بود اسامی داوران را اعلام کنیم اما عدم تمایل برخی از داوران سبب این تاخیر شد. ما امیدوار بودیم با رأی زینی های انجام شده، داوران را متقاعد به این کار کنیم تا آنها از مسائلی داوری که محصور دیدگاه خودشان است در برابر منتقدان دفاع کنند. این اولین ویژگی اعلام اسامی داوران کتاب سال، مربوط به دبیرخانه و خود شخص دبیر می شود. با اعلام اسامی داوران، تا حدودی پار سنکین داوری ها از دوش دبیرخانه برداشته می شود و این شفاف سازی سبب بهبود وضعیت داوری کتاب برای سال های آینده می شود.

معتقدم جدا از ضوابط اصلی روند داوری های کتاب سال با نگاه آسیب شناسانه منتقدان می تواند حرکت رو به رشد باشد. البته.

خانم ها منیزه آرمین و راضیه نجار و آقایان امیرحسین فردی، فیروز جلالی، زینوی کامران پارسی نژاد و ابراهیم حسن بیگی، ۶ داور بخش داستانی کتاب سال بودند.

آیا در انتخاب داوران از شکل های صفتی، به

ایلام اسامی داوران کتاب سال همیشه یکی از جالبش های اصلی بین منتقدان و برگزار کنندگان این رویداد فرهنگی بوده است. اسامی اما مسئولان برگزاری کتاب سال با اعلام نام تمام داوران قدیم برگزاری در راه شفاف سازی برگزاری کتاب سال برزیده اند. علی ارجمی دبیر این دوره کتاب سال جمهوری اسلامی در این گفت و گوی کوتاه به تبیین دلایل این تصمیم می پردازد.

شما در نشست های خبری مربوط به کتاب سال اعلام کردید بودید اسامی داوران را معرفی می کنید، چرا اعلام این اسامی کمی تاخیر همراه بوده است؟

مطمئنم که در نشست خبری کتاب سال عنوان شد. قرار بود اسامی داوران را اعلام کنیم اما عدم تمایل برخی از داوران سبب این تاخیر شد. ما امیدوار بودیم با رأی زینی های انجام شده، داوران را متقاعد به این کار کنیم تا آنها از مسائلی داوری که محصور دیدگاه خودشان است در برابر منتقدان دفاع کنند. این اولین ویژگی اعلام اسامی داوران کتاب سال، مربوط به دبیرخانه و خود شخص دبیر می شود. با اعلام اسامی داوران، تا حدودی پار سنکین داوری ها از دوش دبیرخانه برداشته می شود و این شفاف سازی سبب بهبود وضعیت داوری کتاب برای سال های آینده می شود.

معتقدم جدا از ضوابط اصلی روند داوری های کتاب سال با نگاه آسیب شناسانه منتقدان می تواند حرکت رو به رشد باشد. البته.

خانم ها منیزه آرمین و راضیه نجار و آقایان امیرحسین فردی، فیروز جلالی، زینوی کامران پارسی نژاد و ابراهیم حسن بیگی، ۶ داور بخش داستانی کتاب سال بودند.

آیا در انتخاب داوران از شکل های صفتی، به

زینوی جلالی، داوی بخش داستان، آثار از زاویه های گوناگون بررسی شد

فیروز زینوی جلالی یکی از داوران کتاب سال در بخش ادبیات داستانی معتقد است: تمکن است برخی ابهامات و اعتراضات بر هر داوری وارد شود، اما این ابهامات را نمی توان به کتاب سال وارد دانست. به عقیده من حقی ضایع نشده است و داوری کتاب سال به دور از جناح بندی ها بود.

فیروز زینوی جلالی نویسنده و یکی از داوران کتاب سال در گفتگو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: همیشه در هر داوری افرادی هستند که نسبت به اثر انتخاب شده و حق خود اعتراض داشته باشند و این امری طبیعی است چراکه ادبیات با احساس انسانها در ارتباط است، اما ما در انتخاب و ارزیابی ها متصفانه بوده و افرادی که برای داوری انتخاب شده بودند بسیار با تجربه و کار آمد بودند. ما در گزینش خود سعی کردیم به دور از جناح بندی ها دست به انتخاب بزنیم. وی در خصوص نحوه داوری یادآور شد: آثار از زاویه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و اثری که از نظر پرداخت و درون مایه عناصر داستانی شایسته بود انتخاب شد. البته هیچ اثری بی نقص و جامع و کامل نیست، اما با توجه به بررسی های به عمل آمده، اثر منتخب از لحاظ مضمون و اثر، نسبت به آثار دیگر شاخص تر بود.

وی تصریح کرد: به عقیده من ارزیابی ها متصفانه بوده است. اما متأسفانه خیلی از نقدها و اعتراض ها را می بینم و می شنوم که بسیار خام دستانه به قضاوت می پردازند. حتی بسیاری از دوستان از من آزرده شدند، اما در قضاوت عادلانه و ادبی، نظر دوستانه مد نظر نیست. وی در پایان خاطر نشان کرد: من گوشتیلم که به دور از مسائل حاشیه ای دست به انتخاب بزنم؛ حتی آقای احمد بیگلری را تا به سال نهم دیدم ام و اگر به دنبال جناح بندی بودم، باید دست نوازشی بر سر دوستانم می کشیدم.

امیرحسین فردی، داوی بخش داستان، معیار انتخاب، ارزش های ادبی بود

امیرحسین فردی یکی از داوران کتاب سال، معیار گزینش کتاب سال را ارزش ادبی، قوت ساختاری و استحکام آن اعلام کرد. داور کتاب سال افزود: باید همه چیز شفاف باشد تا هیچ شبهه ای به وجود نیاید. ما می توانیم هر سال این گزینش را داشته باشیم، اما نباید مسائل را پنهان کاری کنیم.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، امیرحسین فردی با اشاره به این که آثار اسامی نسبت به سال های دیگر ادبی تر و داستانی تر بودند، درباره محتوای کتاب ها گفت: البته کتاب هایی که مورد نایید وزارت ارشاد قرار می گیرند، از لحاظ محتوای مشکلی ندارند. با این همه ما جنبه های ارزشی و اخلاقی مرتبط با این آثار را مد نظر داشته ایم. فردی همچنین در مورد تاثیر انتخاب کتاب سال بر انتخاب کتاب های مراکز دیگر گفت: ما کشور آزادی داریم و هر کس می تواند انتخاب خودش را داشته باشد.

ویژه افرادی که در حوزه ادبیات داستانی فعال اند، استفاده شده؛ ملاک انتخاب افراد چه بوده است؟

ملاک های داوری در بیشتر حوزه ها مشخص و ثابت است، اما در ادبیات داستانی و شعر اختلاف نظرهایی وجود دارد. در این حوزه دو رویکرد متفاوت وجود دارد. برخی معتقدند ادبیات وسیله ای برای تعالی انسان است و به تیر این جنبش، در کنار اهمیت به فرم و ساختار بیشتر به محتوا مایمی می پردازد. در مقابل این دیدگاه برخی ادبیات را برای خود انبساط می خوانند و

در نتیجه در دیدگاه آن ها درون مایه در زده های بعدی اهمیت قرار می گیرد.

به ناچار در ادبیات داستانی و شعر بیشتر باید سریع افرادی می رفتیم که معقده و رویکرد نخست بودند. ما با برخی از شکل های ادبی از جمله انجمن اهل قلم مکاتبه کردیم. این انجمن خاتم منیزه آرمین و آقای داریوش عادلای را برای حضور در بخش

داوری به دبیرخانه معرفی کرد. اما از آقای عدلی به دلیل حضور در شهرستان نتوانستیم استفاده کنیم و دیگر گزینه ما یعنی خاتم منیزه آرمین نیز به دلیل برخی از مشکلات و مشغله ها از حضور در جمع داوران انصراف داد. ما مجدداً انجمن اهل قلم مکاتبه کردیم اما این انجمن، داوری دیگری را به دبیرخانه کتاب سال معرفی نکرد.

برخی مسئولان انجمن اهل قلم در مصاحبه های خود اعلام کرده اند که از داوران معرفی شده آنها استفاده نشده، در صورتی که این گونه نبوده است. اکثر داوران این دوره کتاب سال، کسانی بودند که در انجمن اهل قلم عضو هستند.

برخی از منتقدان به این نکته اشاره می کنند که چرا اسامی بعضی از کتاب های که مدتی در اداره کل کتاب و کتابخوانی منتظر دریافت مجوز بودند، در جمع کاندیداهای برگزیده کتاب سال دیده می

شود؟

هیچ رابطه ای میان میزب کتاب و کتاب سال جمهوری اسلامی وجود ندارد. در اداره کتاب و کتابخوانی وزارت ارشاد، آثار قبل از انتشار بر اساس ملاک های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ارزیابی می شوند و کتاب هایی که حداقل ملاک ها را دارا هستند، مجوز نشر می گیرند. اما در دبیرخانه کتاب سال کتاب هایی که سال گذشته منتشر شده اند، برای ارزیابی احراز بالاترین ملاک یک کتاب خوب، مورد داوری قرار می گیرد و چنانچه کتابی پس از اصلاح انتشار به بخش مسیله کتاب سال راه یابد و حتی جایزه ای نیز کسب کند، برای داوری این دو مجموعه زیر مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند.

از دیدگاه متفاوت، آثار نگاه می کنند. کتاب سال به ارزیابی نویسنده نمی پردازد بلکه خود اثر، حائز اهمیت است جدا از اینکه نویسنده چه دیدگاه و جبهه گیری سیاسی داشته باشد.



فیروز زینوی جلالی یکی از داوران کتاب سال در بخش ادبیات داستانی معتقد است: تمکن است برخی ابهامات و اعتراضات بر هر داوری وارد شود، اما این ابهامات را نمی توان به کتاب سال وارد دانست. به عقیده من حقی ضایع نشده است و داوری کتاب سال به دور از جناح بندی ها بود.



کتاب هفته از صاحب‌نظران دعوت می‌کند

نظرخواهی درباره ضوابط نشر کتاب

خود در چهار موضوع ذیل فرا می‌خواهیم و با درج مستمر این نظرات در کتاب هفته می‌گوشیم تا مابین نظری بدیده میزری را با توجه به اهداف مذکور در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی همچون اعتدالی فرهنگ، ارتقای سطح دانش و حفظ حرمت و حریت قلم تبیین کنیم.

به همین منظور صمیمانه از زمره اهل تحقیق می‌خواهیم تا نظرات خود را در چهار محور زیر به نشانی کتاب هفته ارسال کنند.

- ۱- مبادی و مبانی نظری میزری کتاب
- ۲- ضوابط و معیارهای میزری کتاب
- ۳- راهکارهای ارتقای کیفیت میزری کتاب
- ۴- آسیب‌شناسی میزری کتاب.

کتاب و نشریات کشور طبق اصل ۲۴ قانون اساسی در بیان مطالب آزادند و دولت و همه ارکان حاکمیت موظفند بر اساس قانون از حريم آزادی کتب و نشریات حمایت کنند. همچنین تلاش برای افزایش آگاهی‌های دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، هنری و... و انتشار کتاب و نشریه به این منظور از حقوق افراد ملت است و هیچ مقام رسمی و غیررسمی نمی‌تواند با اعدال نشریات انتشار یا عدم انتشار کتب و نشریات سباز را باعث شود. از این رو برخورد قانونی با موارد غیرمجاز از اصل فوق، مستثنی است و از سوی مراجع ذی‌ربط، به طریقی که در قانون تعیین شده است، انجام می‌گیرد چرا که نشر کتاب همان گونه که ممکن است مظهر و نمودی از آزادی‌های

از سوی دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران اعلام شد

اسامی داوران کتاب سال

اسامی داوران اولین بار اسامی داوران بخش‌های مختلف کتاب سال جمهوری اسلامی از سوی دبیرخانه این جشنواره اعلام شد تا سیاست شفاف‌سازی که از روز اول از آن سخن رفته بود عملی‌شود. اسامی داوران بخش‌های مختلف که تمایل به معرفی شدن داشتند به این شرح است:

کود و نوجوان

مصطفی رحماندوست، سیده خلیله سید محمد صادق موسوی مهدی کاموسی، یلک نیک طلب، جعفر ابراهیم نصر، افشین علا، خسرو بابائیان، حسین قناتی، محمود جامی طلیعی، سید علیرضا حافی، سید علی محمد رفیعی، امید وهاب املاشی، محمد مهدی اعتضادی بروجنی، محمود سالک، محمد امینی تهرانی، هدیه شریفی، مصطفی نعمتی.

بخش هنر

مسعود دلخواه، منیژه جمادی، عادل فرهنگی، نادیه ایمانی، محمد خزایی، هدیه مارانگرنی، عازمی، شیریان پورنگهر، سید شهاب الدین عادل، مجید شیخ انصاری، مجید سرسنگی، بهمن فامور مطلق، اسماعیل بنی اردلان و محمود ارزماندی.

کتاب های اقتصاد

محمدتوفیق‌محمدابراهیمی، محمود توسلی، مجید باطنیان، غلامرضا کشورز، حماد علی سوری، نگران نوری، حسن عیوض، حسین علیی نژاد.

زبان و ادبیات زبانهای دیگر

احسان عیاضلو، جمشید ارجمند، اسماعیل‌اسلامی

کتاب های فیزیک

حسین مدرس، حسابداری:

علی اصغر کویته، سید مهدی جهرمی، غلامرضا اسلامی یکنگانی، بدالله کریمی، ویدا جمشید زاده نقی بهرام فر، ایرج کر ووش، محمد رضا نیک بخت

کتاب های آواز

محمد زاده، عین الله پاشا.

کتاب های علوم سیاسی

کیومرث اشرفیان، احمد نقیب زاده، قاسم انصاری، جهانگیر جمعی، غمگاری، محمد رضا تاجیک، داود فرحی، غلامرضا سادگر، سید مهدی جهرمی، محمد علی شیرجانی.

کتاب های ادبیات فارسی (مصر مشروطه)

باقر صدیقی نیا.

کتاب های ادبیات معاصر (نثر)

کاروان پارسی زاده، ابراهیم حسن نیگی، منیژه آرمن، فیروز زونوزی جلالی، راضیه نجار.

کتاب های تربیت بدنی

حمید آقا علی زاده، سید محمد حسین رضوی، محمد احسانی، حمید رحیمی، حسن خلجی، معصومه



شجاعت، حیدر صادقی.

کتاب های کشاورزی:

سید علی محمد مدرس نوری، مجید آقا علی خانی، ابراهیم پور جم، محمد هادی خوش نقاش، رضا بهاری کاشانی، نورد هرگنی، ولی زاده، مهدی داودی، داود کبوتری، حسن سلیمانزادگان، عبدالله موزری، محمد شاهدانی، امیر حسین شاه مرادی، مهدی کاکویز، محمد رضا عابدی، سید جلال الدین خواجه الدین، محمد رضا کریمی شهری، حمیدباز و بنیاد، مهیار حیدر پور احمد قدرت مند، یوسف روزبهان، محمد امیر کریمی.

کتاب های مواد و معدن:

پرویز دومی بهرام رضایی، حسن مدنی.

کتاب های زیست شناسی:

جمشید درویش، حسن ابراهیم زاده، جواد فرش الحسینی، شاهین زاغ مبارکه، محمد رضا توری، دلیلی، مرتضی نظری، عادل جلالی، یونس عسری، فتح الله فتحی، حمید انجهادی، حمید صادقی زاده، امید میر شمسی کاشی، علی تقی میر مویندی، محمد حسین ارشد محصل، علیرضا میرزاغلامرضا امین، مرتضی بهنام رسولی، اکبر وحیدی، طیفه رحیبان، وحید نیکام، علی فراز مند، بهمن زلفی، محمد رضا زمانی و مریم مقدم شین.

کتاب های دینی:

سید علی آقایی، حسن سید عرب، محمد صادق، بهادالدین خرمشاهی، مرتضی کریمی نیا، یلک عیسی و محمد زاغ.

کتاب های فلسفه اسلامی:

اکبر لیوت و تحقیقی حبیبی.

کتاب های علوم اجتماعی:

حسن کجوییان، جلال الدین رفیع فر، سید مهدی جهرمی، عباس روج کاشفی، منیم موسایی، حمید عبداللهپایان، اعظم داود زاده، غلام میرا، سید ضیاء هاشمی، علیرضا دهقان تریز، محمد توکل، سید یعقوب موسوی، سعید سعید فرد، رحمت الله حدادی، سرورستانی، حمید انصاری و محمد امین قناتی زاد.

کتاب های پیامبر پژوهی:

احمد برادرانی، علی شجاعتی سائین و محمد رضا وصفی.

کتاب های تاریخی:

سید محمد صادق سجادی، رضا شعیانی، مهدی کیوان، پرویز رحیمی، آذر آنجهی، عبدالله انصاری، هادی عالم زاده و جلال الدین رفیع، مصطفی توان پور، داود منظور، غلامرضا مصباحی، مقدم، علیرضا رحیمی، پرویزدری، محمد رضا منجدب و سید محمد مشکوة.

کتاب های حقوق:

مرتضی یوسف زاده، رضا وصالی، محمود محمد رضا احمدی.

کتاب های زمین شناسی:

احمد معتمد، مسیب سبزه‌ای، محمد حسین آذینی، حسین مدنی، عبدالله هوشمند زاده، منوچهر فریثی، مهدی زاغ و عباس آسیابانها.

کتاب های مدیریت بازرگانی:

علی رضائیان، سید مهدی آفرین و سید محمد اعرابی.

کتاب های بیژن‌شناسی:

شهریار غریب زاده، احمد قیاض بختی، مسعود

ستوده، منصور جمالی، فخر الدین قدوسی، زاده، سعید اشراقی، محمد جعفر کندلی، زهرا رامک، محمد رضا موتزی، بیژن جهانگیری، قاسم محمد نغانی، زهرا سلیمانی، حسین فغانی، مویجر امینی، سید شجاع الدین شایخ، محسن امیر سلطانی، کیومرث نظری مقدم، عزیزالله باابط، شاه علی بارونی، علی نور بالا و محمد حبیبی.

کلیات:

جمشید کایفر، کاروان قالی، عباس حری، سعید رضایی، نوش آفرین انصاری، حسن نوشه، فریبا افکاری و عصاد الدین شیخ الحکمایی.

کتاب های روان شناسی:

جوادزای، محمود میرسلیمی، علی فتحی اشراقی و رضا پور حسین.

کتاب های ریاضیات:

نظام الدین مهدوی.

کتاب های فلسفین پژوهی:

علی شجاعتی سائین، محمد تقی غی، پور، شمس الدین رحمانی، علیرضا سلطان شاهان، جواد رگایی و احمد سرورشان نژاد.

جغرافیه:

سید جابینخش اصل، مهر نقی رحمانی، حسن محمدی، حسن علی عبور، حسن فرهی سبگال، محمد حسن ضیا نوا و مصطفی مومنی.

کتاب های عمران:

ایرج محمود زاده کنی، ابوالحسن وفایی و مجید صادق آذر.

صنایع:

محمد علی شفیعا، علی خاکلی صندیق و محمد تقی فاطمی.

برق:

پرویز پروین، شاهرخ فرهنگی، رضا مومنی، اکبر حریری، محمود رضا فتحی قام، علی گوشا، محمد حائری، طهماسب شاهرخ شاهمی، مجتبی خدر زاده، احمد سالم نیا، پرویز مارالانی، محمد رضا آقا محمدی و محمود کمره‌راهی.

کتاب های شیمی:

محمد رضا آفرینی.

کتاب های مکانیک:

محمد حسن غلاری، مهدی بهادری نژاد و منوچهر زاد.

کتاب های مهندسی شیمی:

لیوسعد رشتیادی و میر هادی سید اصفهانی.

کتاب های کامپیوتر:

سپهرشیر خرمشاهی، مهدی نجری، احمد عبدالله زاده و کامیاب بدیع، محسن فریثی، پرویز جبه دار مارالانی و کریم فاتح.



مفر دلتنگی از روزمرگی

بسیار قابل توجه است، بسیاری از افراد باز نسته‌با توجه به اوقات فراغت فراوان و نیاز آنان به فعالیت بیشتر و احساس دلتنگی آنها از روزمرگی‌ها، از چنین دعوتی استقبال خواهند کرد و از آنجا که این افراد دارای سواد و تجربه کافی و شخصیتی دنیابنده و سرد و گرم چشیده هستند می‌توانند در امور محول شده بسیار موفق ظاهر شوند.

یکی از مسائل پراهمیتی که نباید نادیده گرفته شود، توجه به کودکان و نوجوانان است. اگر با این گروه از افراد جامعه هنگامی که به کتابخانه‌ها مراجع می‌کنند، برخورد مناسب و دلپذیری صورت گیرد، یقیناً این امر موجب جذب آنان خواهد شد. امید به فراد گذرش همکاری‌های متأسفانه بسیاری از کتابخانه‌ها در مناطق مختلف از پذیرفتن کودکان و نوجوانان به عنوان عضو کتابخانه شانه خالی می‌کنند. به‌علاوه این مختلف درخواست آنان را نادیده می‌گیرند که این امر می‌تواند به خاطر دای ناخوشایند در ضمیر آنان مبدل شود و آنان را برای مراجعه به کتابخانه و یا مشارکت در تاسیس کتابخانه بازدارد.

شوق حضور در کتابخانه و احترام به حفظ اموال و دارایی این مراکز باید از سنین بسیار پایین و دوران کودکی به خردسالان آموزش داده شود. ضرورت تاسیس کتابخانه‌ها توسط مردم و حمایت از آن می‌بایست از دوران تحصیلات ابتدایی تا دانشگاه در کتاب‌های درسی دانش آموزان و دانشجویان گنجانده شود تا این نکته به عنوان یک اصل بدیهی و نیاز جامعه در ذهن افراد به صورت ملکه درآید.

حضور شخصیت‌های برجسته کشور در جلسات راه‌اندازی و یا هنگام افتتاح این کتابخانه‌ها و تقدیر رسمی آنان از شخصیتی که در اداره امور کتابخانه‌ها همکاری و مشارکت می‌کنند، می‌تواند درجه اهمیت این کار را در نظر مردم ارتقا بخشد و آنان را نسبت به اهدای این راه‌لگرم تر سازد. باید این نقش در تمام آحاد جامعه پدید آید که تاسیس، نگهداری و اداره کتابخانه‌ها یک وظیفه ملی و شرعی است و برای رسیدن به آینده‌ای روشن‌تر، همه افراد جامعه باید با تمام توان خود در این راه‌گام هندی و از موانع و مشکلات احتمالی موجود در این طریق نهراسند که بدالله مع الجماعه...

جای نگاهداری کتاب در منزل آن را به کتابخانه‌ها هدیه کنند. تا امکان استفاده عموم از آن میسر شود. در هر حال با موضوع کتابخانه و مشارکت مردم در اداره آن نباید ساده‌انگارانه برخورد کرد. در شرایطی که ارائه خدمات از سوی کتابداران، تحصیل‌کرده، وضعیت چندان مطلوبی ندارد، چگونه می‌توان چنین امر مهمی را به افراد این‌طرح یا دارای اطلاعات اندک سپرد؟! اگر مراد از این طرح رفع تکلیف و ارائه یک سلسله آمارهای زرد کسب باشد، شاید طرح مذکور در کوتاه‌مدت موفق به نظر برسد اما یقیناً در بلندمدت به شکست فاحشی منجر خواهد شد. اعتبار و آبروی برگزارکنندگان آن را به‌عنا خواهد سپرد.

نظارت بر کیفیت و نحوه انجام امور نباید به فراموشی سپرده شود. همچنین در انتخاب افرادی که برای اداره امور کتابخانه‌ها برگزیده می‌شوند می‌بایست دقت کافی صورت پذیرد تا این افراد علاوه بر حسن شهرت و رعایت اصول اخلاقی و شئونات اسلامی، در زمینه تحصیل نیز از سابقه ارزنده‌ای برخوردار باشند.

جلب مشارکت‌های مردمی نیازمند برخوردی صمیمانه و مردمی است. در حالی که سیستم بوروکراتیک بیمار محصولی چیز مانع تراضی و ناراضی کردن مخاطب نمی‌تواند داشته باشد. اگر کارهای اداری مرتبط با موضوعی کاملاً توجیه نشده باشند و افراد دردمند و متعهدی در این رده‌ها وجود نداشته باشد، بدیهی است که امور روال طبیعی خود را طی نخواهد کرد.

در حال حاضر تعداد بسیار زیادی کتابخانه تخصصی در کشور وجود دارد که با توجه به علاقه‌مندی صاحبان این کتابخانه‌ها، در صورت شناسایی و مذاکره با آنان می‌توان طلیعه امیدبخشی در گذرش کتابخانه‌های مردمی داشت. برخی از این کتابخانه‌ها متعلق به کسانی است که خود از شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور هستند و می‌توان با پیشنهاد خرید خانه آنها و نام‌گذاری کتابخانه به نام آنان، زمینه و رغبت آنها را جهت اهدای کتاب‌هایشان به کتابخانه‌ها م‌ذکور برای استفاده عموم جامعه فراهم آورد. استفاده از اشخاص باز نسته و سعادت از آنان برای همکاری در امر اداره کتابخانه‌ها یکی از نکات

«وقف» که احیای آن در سال‌های پس از انقلاب بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، می‌تواند ناگفته نماند که تاکنون هرگاه سخن از فرهنگ و وقف به میان آمده است، هیچ‌گاه موضوع تاسیس کتابخانه ذکر نشده است!

اداره کردن کتابخانه‌ها توسط مردم بی‌گمان نیازمند یک سلسله آموزش‌های علمی است. این آموزش‌ها می‌بایست از طریق استادان مسلم و فرهیخته‌ای صورت پذیرد که به راستی به دانش کتابداری آگاهی و اشراف کافی داشته باشند.

فرهنگ اهدای کتاب به کتابخانه‌ها می‌بایست مورد تشویق قرار گیرد. امروزه در بسیاری از کشورهای جهان این فرهنگ رایج است که مردم به



نیز مورد بررسی قرار دهیم.

همچنین توسعه مفهوم کتابخانه در عصر نوین و بهره‌گرفتن کتابخانه‌ها از انواع وسایل ارتباط جمعی، آموزش سمعی و بصری و فرآورده‌های تازه تکنولوژی، این شکاف عمیق را در جامعه‌ای که هنوز کتابخانه به شکل سنتی آن به قدر کافی در هر شهر و دیار پا نگرفته است، نمایان می‌سازد. برای جلب مشارکت مردم و حضور شکوهمند و تمیزکننده آنها در صحنه تاسیس و اداره این کتابخانه‌ها، نکات متعددی باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر این موضوع می‌بایست با توجه به امکانات و مقنضیات زمانی و مکانی به عنوان یک پروژه ملی در قالب طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برنامه‌ریزی و با بسیج و هماهنگی کلیه نهادهای، وزارتخانه‌ها و موسسات مورد اجرا گذاشته شود. علاوه بر آنچه گفته شد، فرهنگ اسلامی

امروزه نقش ویژه کتابخانه در توسعه و پیشرفت جامع بر کسی پوشیده نیست. کتابخانه‌ها در جهان امروز ضمن ارتقای سطح آگاهی کلیه اقشار جامعه، به عنوان محیطی امن برای گذران بخشی از اوقات فراغت آدمی به مفیدترین شکل ممکن معرفی و شناخته شده‌اند. چنانچه کتابخانه در زندگی اشخاص نقش یک نقطه عطف را داشته است. به عنوان مثال چک‌لندن نویسنده نامدار و پدیدآورنده آثاری همچون «سپیدندان»، «تهیستان» و «آوای وحش» در سال‌های نوجوانی در جریان یک حادثه، هنگامی که در حال فرار از دست پلیس بوده است، برای رهایی و پنهان کردن خود به کتابخانه‌ای پناه می‌برد و در آنجا ضمن سرگرم شدن با رمان «اریستون کروژونه» به مطالعه علاقه‌مند شده و رفته رفته با مطالعه بیشتر و حضور مداوم در کتابخانه مسیر زندگی خود را تغییر داده و به یکی از نویسندگان جهان تبدیل می‌شود.

در حال حاضر در جامع پیشرفته هزینه‌های نگهداری و توسعه کتابخانه‌ها از طریق حمایت‌های مردمی و کمک‌های موسسات بزرگ خدماتی و صنعتی صورت می‌پذیرد. این امر بیابانگر این نکته است که مردم جامع گو‌تاکون به کارکرد مثبت کتابخانه‌ها در تعالی جامعه وقوف یافته‌اند و در سایه چنین حمایت‌های گسترده و همه‌جانبه‌ای کتابخانه‌ها با مساحت بسیار زیاد و کتاب و امکانات بسیار فراوان در این کشورها ایجاد شده است.

در کشور ما امر و اقدام نشانگر این واقعیت شایان توجه است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بر شمار کتابخانه‌های کشور افزوده شده است. بخش قابل‌تاملی از این کتابخانه‌ها در مساجد تاسیس شده است که در دوران انقلاب به عنوان کانون اجتماع مردم، همواره باسکویی نسل جوانی بوده است که عطش دانش‌دوستی داشته است. در جست‌وجوی هویت خویش و ارتقای آگاهی‌های خود، عاشقانه به مطالعه و فراگرفتن روی آورد. این اشتیاق سوزناک در سال‌های نخست پیروزی انقلاب علاوه بر مساجد به مدارس و دانشگاه‌ها نیز سرایت و در این امکان موجب تحولی کیفی در امر کتاب‌ها و کتابخانه‌ها شد. البته با افزایش سریع جمعیت در ۲ دهه اخیر و توسعه کلان‌شهرها، نباید از این واقعیت غفلت ورزید که در حال حاضر تعداد کتابخانه به نسبت جمعیت و مساحت هر کتابخانه نسبت به مقاضیان عضویت از چندان وضعیت مطلوب و مناسبی برخوردار نیست. این امر زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بخواهیم کتابخانه‌های شهرستان‌ها و روستاها را نیز مورد بررسی قرار دهیم.

همچنین توسعه مفهوم کتابخانه در عصر نوین و بهره‌گرفتن کتابخانه‌ها از انواع وسایل ارتباط جمعی، آموزش سمعی و بصری و فرآورده‌های تازه تکنولوژی، این شکاف عمیق را در جامعه‌ای که هنوز کتابخانه به شکل سنتی آن به قدر کافی در هر شهر و دیار پا نگرفته است، نمایان می‌سازد.

برای جلب مشارکت مردم و حضور شکوهمند و تمیزکننده آنها در صحنه تاسیس و اداره این کتابخانه‌ها، نکات متعددی باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر این موضوع می‌بایست با توجه به امکانات و مقنضیات زمانی و مکانی به عنوان یک پروژه ملی در قالب طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برنامه‌ریزی و با بسیج و هماهنگی کلیه نهادهای، وزارتخانه‌ها و موسسات مورد اجرا گذاشته شود. علاوه بر آنچه گفته شد، فرهنگ اسلامی



کتاب واژه

بابک رشتزاده

ستار عودی متولد ۱۳۳۳ شمسی در بغداد است. در ۱۳۵۰ شمسی از عراق اخراج شد و به ایران آمد. در ۱۳۶۶ لیسانس ادبیات زبان انگلیسی، در ۱۳۷۵ فوق لیسانس تاریخ و در ۱۳۸۰ از دانشکده الهیات دانشگاه تهران دکتری خود را در رشته تاریخ با گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی گرفت. دکتر عودی که سال‌ها سابقه تدریس در دانشگاه‌های کشورمان را دارد در حال حاضر مدیر گروه تاریخ بنیاد دانشگاه امام صادق(ع) و مسئول شاخه شمال آفریقا و اندلس در دانش نامه جهان اسلام است. با او به انگیزه انتشار کتاب جدیدش که «تاریخ دولت اقلیبیان در افریقیه و صقلیه» نام دارد به گفت‌وگو نشستیم.

این اثر نخستین اثر علمی تحقیقاتی مفصل و مشروح به زبان فارسی درباره نخستین دولت اسلامی در آفریقااست که بیشتر منابع قدیم و جدید این دولت را دربر می‌گیرد.

نخستین کتاب فارسی دربارهٔ نخستین دولت اسلامی در شمال آفریقا

چه انگیزه‌ای موجب شد به تاریخ‌نگاری درباره اقلیبیان روی آورید؟

اقلیبیان دوره‌ای به اقلیب بنی‌سالم بن علی ثنیمیی نسبت می‌دهند. اقلب بنی‌سالم در اواسط قرن دوم هجری در مروالریود (خراسان بزرگ) مقیم بود و خدمات زیادی به دستگاه خلافت عباسی می‌کرد و بنابر روایت ابی‌ایبار در قبل ابویسلم خراسانی در سال ۱۲۷ هجری هم شرکت داشت. اقلب بنی‌سالم در سال ۱۲۴ هجری همراه با سپاه محمدبن اشعث وارد قیروان شد و مدتی حاکم بخشی از افریقیه‌اکثر امروز به آن تونس می‌گویند شد تا اینکه در سال ۱۵۰ هجری در تروی یا محالقات دولت عباسی کشته شد. موسس دولت اقلیبیان ابراهیم‌بن‌اقلب بنی‌سالم ثنیمیی در سال ۱۰۴ هجری در بغداد متولد شد و در سال ۱۹۶هجری در قیروان وفات یافت. ابراهیم بن اقلب در محرم سال ۱۹۳ه‍.ق در مصر روانه لایپت‌زایب در افریقه شد و پس از یک‌دهه تلاش و فعالیتش در محرم ۱۹۲ هجری (۱۰۰۰ میلادی) فرمان حکومت افریقیه و از هارون‌الرشید، خلیفه مشهور عباسی (حکومت ۱۷۰–۱۹۳ هجری) دریافت کرد و از این تاریخ دولت اقلیبیان را تأسیس کرد. این دولت پیش از یک قرن پانچا بود و تا اینکه در سال ۲۶۶ هجری به دست عبیدیان فاطمی سقوط کرد.

دولت اقلیبان که عهدهد فرمانروایی یازده امیر از این خاندان بود و نوعی حکومت خودمختار و نسبتاً مستقل و موروثی به وجود آوردند. نخستین دولت نیمه‌مستقل شمال آفریقا محسوب می‌شود که طاهرا و اسما از خلافت عباسی پیروی می‌کرد و مورد تأیید خلافت بغداد قرار داشت.

در واقع هارون‌الرشید از دادن فرمان‌امارت افریقیه به ابراهیم بن اقلب جلوتر می‌از حملات پیرها و نفوذ ادریسیان علوی و یا رستمیان لیبی به سوی مصر و مشرق جهان اسلام بود. هارون‌الرشید امیدوار بود دولت اقلبی توانا بد عنوان سدی در برابر هرگونه حملات دشمنانش از مغرب و یا اندلس قرار گیرد. دولت اقلیبیان توانست یک قرن کامل مانع از هرگونه نفوذ پیرها و سوی مصر و سایر مناطق خلافت عباسی شود. در سال ۳۰۱هجری در دوران امارت زیاده‌الدین ابراهیم (حکومت ۲۰۱–۳۳۳ هجری) مسلمانان جزیره سیسیل را فتح کرد و پیش از در قرون در آن لغات کردند. آنان همچنین مناطق ایالیا را فتح کردند و تا سومه‌رم هم رسیدند.

توپیت و فصل کتابی به چه شکل و پرچه اساسی سامان یافته است؟

کتاب تاریخ دولت اقلیبیان در افریقیه و صقلیه به‌طور مختصر نخستین تلاش برای معرفی جوانب مختلف دولت اقلیبیان در افریقیه و صقلیه (همان سیسیل است) به حساب می‌آید. این کتاب نتیجه تلاش شانه‌روزی بنده به مدت پنج سال جهت روشن کردن اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این دولت است که جزو نخستین دولت‌های مستقل اسلامی در شمال آفریقا محسوب می‌شود. کتاب در یک پیشگفتار کوتاه به معرفی خاندان اقلبی پرداخته و به‌طور خلاصه‌امیران این خاندان و مهم‌ترین اقدامات آنها را معرفی کرده‌است. در مقدمه کتاب تاریخ‌نگاری در شمال آفریقا و سیبری تاریخی در معتبرترین منابع این خطه ارائه شده. موسی‌تالافه سده‌موسم به مدت هرازان سال در موروث و بررسی اثر او گرفته‌است و آنچه لفظ کتاب با عنوان کلیت کتابت، سیبری در تاریخ افریقیه و دولت اسلامی تا پایان دولت اقلبی، تاریخ سیاسی دولت اقلیبیان، دیوان‌ناملاری، مشکلات قضایی، اوضاع دینی، اوضاع فرهنگی و علمی عصر اقلبه، شهرسازی و تأسیسات عمرانی، اوضاع اجتماعی افریقیه، اوضاع اقتصادی، روابط خارجی، فتح جزیره صقلیه، سیسیل، اوضاع تمدنی آن در عصر اقلبه ذکر شده‌است. در پایان کتاب فهرست منابع و

آبوم تصاویر رنگی و نمایه آمده است. تاکنون کمتر به تاریخ‌نگاری خطه غرب جهان توجه شده است. تألیف آثاری از این دست چه‌قدر می‌تواند در چیران این خلأ مؤثر باشد؟

ما متأسفانه در ایران کمتر به خطه غرب جهان اسلام می‌پرداییم و حتی در دانشگاه هم تنها دو یا حداکثر چهار واحد درسی از دوسر رشته تاریخ مربوط به شمال آفریقااست. درحالی‌که سهم اکثر این مربوط به جزیرهٔ العرب و عراق و شام است. از آنجا که دانشجویان ما کمتر اطلاعی از این منطقه و سلسله‌های حاکم در آن دارند و اگر هم اطلاعی هست در حدی بسیار مختصر و اجمالی است. اخیر بر آن شد که نخستین دولت مستقل اسلامی این خطه را معرفی کند تا مشوقی برای دیگران برای ادامه کار و نگارش تاریخ سایر سلسله‌های این منطقه شود. در کنار معرفی این کتابان حکمتگر سعی کردم سیبری در منابع آن خطه هم داشته باشم تا دوسران و آینده‌نگان نیز با آنها پیش از پیش آشنا شوند.

این اثر اولین اثر تألیفی فارسی درباره اقلیبیان است؟ متأسفانه در زبان دولت‌های اقلی منطقه تاکنون به صورت اقلیبیان و حتی دیگر دولت‌های اقلی منطقه تاکنون به صورت تألیف نداشته‌اند و تنها چند کتاب کوچک که ترجمه از اصل عربی بود است اخیراً وطی‌کله ده‌خانی ترجمه و چاپ شده‌است. از این‌رو کتاب بنده نخستین تلاش جدی در این زمینه محسوب می‌شود.

در نگارش این اثر از چه منابع و متون مرجعی استفاده کرده‌اند؟

مجموع منابع مورد استفاده در تألیف این کتاب ۶۴۲ ماخذ و منبع است که عمدتاً به زبان عربی و اندکی هم به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی و چند منبعی فارسی نوشته شده‌اند. عمده منابع کتاب و اندکی هم محلات مختلف است. ماخذ مورد استفاده در پاروئی هر صفحه از قدیمی‌ترین منبع تا جدیدترین آن ذکر شده است تا خواننده در صورت نیاز بتواند تمام آن منابع را مورد استفاده و بررسی قرار دهد. از کهن‌ترین منابع تاریخی که مورد استفاده در تألیف این اثر گرفته‌می‌توان از کتاب‌های چون خلیفه الاصحی (تفسیر) معروف به تاریخ ابن‌عسیر، اخبارالفتح (تفسیر احمدبن سهل، زاری (حدود ۳۱۰ ه‍.ق)، «طبقات علمای افریقیه و تونس» اثر ابوالعرب محمدبن شمام ثنیمیی (۳۳۳ ه‍.ق)، «فتوح قریبه» از محمدبن حارث خنسی (۳۶۱ ه‍.ق)، «فتوح القوه» اثر قاضی القضاةقلیبان موسوم به قاضی نعمانی (۳۶۱ ه‍.ق)، «تاریخ افریقیه و المغرب» اثر ابن‌دقیق‌قیروی بزرگ‌ترین مورخ شمال آفریقا، «امراض القوس» اثر ابویکر عبدالله بن محمد مالکی (نیمه دوم سده پنجم هجری) نام برد. البته ده‌ها کتاب و مرجع کهن دیگر هست که نامشان در فهرست منابع مفصلاً ذکر شده‌است. بسیاری از این منابع برای جامعه فرهنگی ما تا این‌اواخر نشان‌ناخته بود و یا اصلاحی وجود نداشت.

مجموع منابع مورد استفاده در تألیف این کتاب ۶۴۲

ماخذ و منبع است که عمدتاً

به زبان عربی و اندکی هم به زبان های فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی و چند منبع فارسی نوشته شده‌اند



خبر با زحمات بسیار توانستم تا حدودی مهلت این منبع را به هر دشواری که بود برای نسل آینده فراهم سازم.

اقلیبیان چه نقشی در گسترش دین اسلام در آفریقا داشته‌اند؟ اقلبه برخلاف مذهب مورده پذیرش عیسایان یعنی اسنت مذهب مالکی یعنی مذهب اهل مدینه را در تونس رواج دادند و علمای این مذهب تأثیر بزرگی در سیر امور سیاسی در شمال آفریقا‌ها کردند. البته این‌دان معانیست که سایر مذاهب اهل سنت و یا تشیع جایگاهی نداشتند نه بلکه آنها نیز هر‌گه‌ام پیروانی داشتند اما در اقلیت بودند.

ابراهیم دوم اقلبی و سیبازی از افراد خاندانش و همچنین تعدادی از دربارانش گرایش‌های شیعی داشتند. هرچند ظاهراً پیرو مذهب مالکی حاکم‌باشه رسمی دولت بودند. آنان مساجد زیبایی ساختند که هنوز برخی از آنها چون مسجد لوفاته، سه‌دروازه، مسجد جامع موسمه و صقلیص پایتختاست.

آیا اقلیبیان با ایران و فرهنگ ایرانی آشنایی داشته یا آن آثار پذیرفته‌اند؟

دولت اقلیبیان ، معاصر با دولت‌های طاهریان و صفاریان در ایران بودند. اقلیبان در مناسبات خارجی خود از جمله با دولت‌های طاهری و صفاری تحت تأثیر سیاست خارجی کلی خلافت عباسی بودند و هنگام و مهاجرات با آن حرکت می‌کردند. بدون‌شک روابط اقلیبیان با حاکمان ایران اعم از طاهری یا صفاری بسیار محدود و کاملاً تحت‌الشعاع دولت عباسی بود. البته از زوری قران و شواهد متعددی می‌توان گفت که روابط تجاری، بازرگانی، اقتصادی و فرهنگی میان اقلیبان و ایرانیان به دور از مسائل سیاسی وجود داشته است که نمونه‌های آن آمدن بطوبی مورخ مشهور ایران در اوایل دولت اقلیبان به افریقیه، آمدن زویار آهنگساز مشهور ایرانی به دوران اقلبه و به‌وجود آوردن آهنگ‌های شرقی صدیقی که برخی مردم آن نیاز تاریکی داشت و یا سفر برخی از آنها با یازگانان آفریقایی به شیوه‌های مختلف ایران بود که تحت تأثیر فرهنگ ایران قرار گرفتند. از جمله آن روابط میان دیوان طرف بود. براساس برخی روایات ساعت‌بندی و مساجد و بناها هم در تونس تحت تأثیر معماری اصل ایران بوده‌است و حتی برخی از مظاهر تمدنی یا تشکیلات اداری اقتباس از ایران بوده است.

در پایان کار سختی تا کفنه مانده، فرمایید.

لازم می‌دانم پیشه‌اند کم که مرکزی یا موسسه‌ای برای مطالعات اسلامی مربوط به شمال آفریقای اسلامی



دانشگاه اسلامی در جایی در ایران و یا زیر نظر یکی از دانشگاه‌ها و نهادهای بزرگ ایرانی تأسیس شود و مجموعه‌ای از پژوهشگران و محققان علاقه‌مند بنده تحقیق و پژوهش در تاریخ شمال آفریقا و اندلس در شش قرن اول اسلامی (برای مثال) دور هم جمع شوند و همانند چنین امری در خطه و یا ترجمه نشده‌اند. به زبان فارسی بیش از حد و یا تصحیح و چاپ و منتشر شود. همانند چنین امری در دسترس مصر، قریبه (اندلس) از نیم‌قرن پیش ساخته شده و دستاوردهای عظیمی به ارمان آورده است. باز در اینجا پیشنهاد می‌کنم یکی از مراکز پژوهش ما مثلا کتابخانه دانشگاه تهران مکاتبی یا کتابخانه استواریان مادریه‌الانعام دهد و آن گنجینه عظیم کتب اسلامی موجود در این مرکز به‌صوی محلاً آن بخش بدهد. دوری ۷۵۰ ایران ارسال شود که تأثیر بزرگی در آشنایی مورات اصل اسلامی فرود نخستین اسلامی خواهد داشت. ما واقعاً نیاز به دانش چنین مرکز مطالعاتی در ایران داریم که بخشی از آن به مرکز احمادی آثار کهن و خطی اسلامی موجود در اندلس و کتابخانه‌های مغرب، سیبری، تونس و حتی مصر اختصاص یابد. تاغیر چنین مرکز احیا و نشر آثار کهن و متون قدیمی اسلامی و تاریخی متعلق به اندلس - که مسلمانان مشتق فن در آنجا قامت کردند- یک ضرورت است به‌خصوص که اخیراً مهات خواهر خوداندگی اعلام شد. دانش چنین مرکز مطالعات اسلامی شمال آفریقا و اندلس مزایای متعددی دارد. اول احیای آثار کهن اسلامی و ترجمه آنها، ایجاد هفتی بزرگ برای اطلاع از تاریخ این کشورها، جلب تعدادی از متخصصان به این مرکز، پر کردن خلأ، آنتکار موجود در دانشان و یا کمبود موجود در منابع و ماخذ و تمرکز کردن این منابع در یکجا، تمسکاً تأسیس چنین مرکز عظیمه، مطالعات شمال آفریقا و اندلس مورد استقبال مراکز دانشگاهی ما و کشورهای اروپا و مراکز تحقیقاتی آنها نیز قرار خواهد گرفت و بسیاری از کمک‌ها را می‌توان از طریق آنها جذب کرد. فقط کافی است همتی باشد و تا تأسیس آن را یکی از مراکز علمی ایران به عهده گیرد تا لسیل کمک‌های علمی و فرهنگی را از سوی این کشورها داشته باشیم. در خاتمه ابودوام این کتاب سر آغازی برای مطالعات تاریخی بیشتر و مشوقی برای سایر دوستان برای انجام پژوهش‌هایی در این خطه و احیای بخش مشهور شده از تاریخ جهان اسلام باشد.



تفکر روی گسل

محمد رضا ایبانی داستان نویسن

محمد رضا ایبانی

پس از رمان های معلق ^۱ که سال گذشته از سوی نشر افق نشر شد جلدی است درم روی رمان دیگری کار می کند که به احتمال قوی نام «سورمین آرام قش» را بر روی جلد خواهد داشت. این رمان به نوعی دربرگیرنده دغدغه های انسان معاصر است؛ دغدغه هایی نظیر معنای زندگی، تقدیر و مباحث دینی و فلسفی ای که در حوادث غیر مترقبه به خصوص زلزله رخ می نمایند. کفر می کشد خوب باید پایان اسلام کار نگارش و بازیابی نهایی آن تمام و آماده تحویل به ناشر باشد. البته هنوز در مورد انتشار آن با ناشر خاصی قرارداد بسته ام اما با انتشارات قدیانی صحبت های شده و شاید در صورت توافق با این ناشر کتاب چاپ را به او بسپارم.

علاوه بر این رمان که عنوان کرم قرمز شده و رمان دو جلدی باده های خزان ^۲ را که حدود یازده سال پیش منتشر شده بود باز نویسی کنم تا توسط انتشارات سورمه مهر تجدید چاپ شود.

جدید پیش انتشارات سورمه مهر هفت روز آخر را انتخابید چاپ کرد و به احتمال قوی رمان هفتاد های نه هفت روز آخر را انتخابید چاپ از گذشته زمانی نزدیک به هشتاد سال تجدید چاپ خواهد شد. تصور می کنم اهل ادبیات خوب یادشان باشد که این رمان در زمان خودش طوفانی ترین و جالبه موفی ترین رمان های دههٔ هفتاد مقدس برای بیرونیان بود که به نوعی با وجود طوفانی بودن مورد استقبال زیادی قرار گرفت و پنج مجاز معتبرا نیز به عنوان انتصفاص داد. من برای کتاب داستان یک گروه گشتی را ترتیب دادم که برای انجام وظیفه به یک جنگل می روند و رابطهٔ صمیمی با طبیعت و حیوانات برقرار می کنند.

کتاب هفتاد شقایق ها ^۳ نیز به زودی تجدید چاپ خواهد شد. این کتاب نیز بخشی از خاطرات من در دوره هشت ساله دفاع مقدس را در بر می گیرد.

شال خور شید و شعر اقوام

واژه ترن شاعر و مترجم

پس از انتشار مجموعه شعر «باله‌پاش و کاکاز» شعر جا گذاشت و رفت؛ که اواخر سال گذشته از سوی نشر شمشک منتشر شد. در تدارک یک مجموعه شعر دیگر همنتم تا در آینده ای نه چندان دور شعرهای این سال را ارائه باز کنم اما هنوز به کامل نشدن مجموعه و قطعی نبودن شعرها بهتر است از دادن یک نام خاص اجتناب شود.

علاوه بر این مجموعه، به سفارش پژوهشگاه مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری یک مجموعه از اشعار اقوام مختلف (نظیر اقوام ترک، کرد، گیلکی و…) در دست تهیه و ترجمه است. دبیر این مجموعه جناب میرضا حسزاده از مترجمان مختلف خوانسته تا مسئولیت برگردان کتاب تر بخش را بر عهده بگیرند و نده نیز بر همین مبنای کار ترجمه شعرهای ارمنی را آغاز کردیم که عنوانی نیز بر این بخش انتخاب کردیم. این بخش در کنار بخشهای دیگر با نام شال خورشید بر سر شاه‌های زمین ^۴ منتشر خواهد شد.

آشنایی باتالاش انسان شناسان

دکتر علی بلوکیاشی مردم شناس

هم اکنون دو کتاب به انتشارات گل آذین سپرده‌ام که کار آماده‌سازی اولیه هر دو آنها تمام شده ولی به دلیل مشغله کاری فراوان از جمله درگیر

شدن با یک موضوع پژوهشی برای دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (که به شکل مقاله‌ای مفصل برای مجله یازدهم این دایه‌المعارف تحت عنوان تهران در دست نگارش است) نوشته‌ام کار ویرایش این دو کتاب را تمام کنم و طبعاً به همین دلیل نیز فعلاً تا پایان سال نمی‌توان مینی بر انتشار آن به این زودی‌ها قوی داد.

کتاب اول عنوان دهر فرهنگ خودیست ^۵ را بر روی جلد خواهد داشت. این کتاب در برگزیده ۳۰ مقاله در پنج بخش کلی (هر کدام یک مقاله فرهنگی) نظیر کلیات فرهنگ دانش‌ها، فنون و… است. نمونه اول این کتاب را ناشر برای تصحیح تحویل داده اما به دلیل مشغله‌های کاری که پیش تر عنوان کردم تصور نمی‌کنم به این زودها منتشر شود و به احتمال قوی تا نامیاشگاه کتاب انتشار آن به طول می‌انجامد.

کتابی نیز در حوزه انسان‌شناسی به فارسی برگزیده‌ام به سر ویراستاری نوحاس هیلندایرکسون و فین سورنر نیلسن از انسان‌شناسان اسکندنیایی تحت عنوان تاریخ انسان‌شناسی از آغاز تا امروز؛ این کتاب همان طور که از عنوان آن پیداست تا سال ۲۰۱۱ تمام مقالات انسان‌شناسی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده در ضمن آن پیش‌فلسفی انسان‌شناسان و تحول مکانیبه، مقدمه‌ها بر خورد‌ها، میجالات‌نیز انسان‌شناسان مختلف را بدون چیداری در خود گردآورده‌است. این کتاب به نوعی اغلب تلاش‌ها و کارهای مهم انسان‌شناسان برجسته را تا سال ۲۰۱۱ تحت پوشش قرار می‌دهد.

مراحل اولیه نشر کتاب حاضر (نظیر ویرایش دوم و…) تقریباً تمام شده‌من نیز منتظر فرصتی هستم تا مقدمه‌های متوسط بر آن بنویسم. کتاب به احتمال قوی در یک مجلد منتشر خواهد شد. اما آن مقاله مفصل درباره تهران به احتمال قوی در صورت رضایت و ادامه کاری از پایان پژوهش برای دایه‌المعارف به شکل مجزائیتر چاپ خواهد شد. هر چند نمی‌توانم هیچ قوی بدهم اما در صورتی که این کار در سال‌های آتی نیز به تکمیل نرسد و… داشته باشد آن را تکمیل و در هفت کتابی مجزا منتشر خواهم کرد.

منبع شناسی هخامنشیان

مرتضی ثاقب فر تاریخ پوره

مرتضی ثاقب فر

مرتضی ثاقب فر

یادداشت‌هایی درباره تاریخ و فرهنگ ایران ^۶ عنوان پژوهشی است مفصل که چند سالی وقت و انرژی مرا به خود اختصاص داده و هم اکنون مراحل نهایی نگارش را طی می‌کند و تصور می‌کنم در صورت انتشار نزدیک به چهارصد صفحه باشد. در مورد انتشار این کتاب هنوز با ناشری وارد مذاکره نشده‌ام.

کتاب‌هایی برگردان یک مجموعه ۹ جلدی تحت عنوان کلی تاریخ هخامنشی است که توسط استاد دانشگاه هنر وینگی هلند تهیه و تکوین شده‌است. کار برگزیده من به‌عنوان این کتاب تمام شده‌و هم اکنون در پایان ترجمه مجلد چهارم آن هستم. این کتاب به استعاری از جمله بهترین و کامل ترین کتاب‌های این چند سال به‌شمار می‌آید. تا جایی که فقط سه جلد از این کتاب شامل متن شناسی هخامنشیان است. این کتاب را نشر توس منتشر خواهد کرد.

به‌علاوه تاریخ جهان‌پستان کمبریج (مباحثات چهار پنجپنجم هفتی) آرای انتشارات اساطیر به فارسی ترجمه کردیم که فر اوست زین نظر جناب کمران فانی (به عنوان سر ویراستار) منتشر شود.

تاریخ هردوت ^۷ را نیز بر دو مجلد باصدا منسخه‌ای به فارسی برگزیده‌ام و با سه متن فرانسه انگلیسی و آلمانی نیز تطبیق داده شده است. این کتاب نیز با منایبه مفصل چند زبانه به نشر اساطیر سپرده شده است. تاریخ کمبریج ایران نیز به فارسی برگزیده شده و در دست نشر سامی است. احداثات آخر این کتاب برده تاریخی از نادر شاه انتشارات انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد.



محمدرضا ایبانی



دکتر علی بلوکیاشی

تاریخ اندیشه سیاسی

دکتر کمالی بیرو هوشگر علوم سیاسی و جامعه شناسی

کمالی بیرو

به‌احتمال قریب به یقین همین روزها نشر بر یک کتاب درسی در حوزه علوم سیاسی آنته‌دوله بازار خواهد کرد. این پژوهش که عنوان تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام را بر روی جلد دارد برای دانشجویان دوره کارشناسی علوم سیاسی نگاشته شده و در اصل دو دوره کلی از تاریخ سیاسی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. من در بخش اول اندیشه‌های سیاسی عصر اساطیری و دین‌های باستانی را مورد بررسی قرار داده‌ام و در بخش دوم به ظهور و ورود اسلام به ایران اندیشه‌های سیاسی مسلمانان از قرون اول تا انقلاب اسلامی و اندیشمندان پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌ام.

کتاب‌هایی من در اصل برگردان‌تری مفصل از جین هیلر استاد و برنامیزی شهری انگلیسی تحت عنوان ایران‌زمی در شهرسازی است. وی در این کتاب با رویکردی سیاسی اجتماعی مسائلی برنامه‌ریزی شهری و مباحث نظیر مکان‌یابی در شهرسازی براساس مسائل اجتماعی و استراتژیک، اداره شهر، عوامل موثر و نقش‌های دی‌نوع ^۸ در اداره شهر،… را به شکل جامع مورد بررسی قرار می‌دهد. البته مباحث فنی نیز تا حدودی در کتاب مطرح شده است. این کتاب را به سفارش موسسه سروانده به فارسی برگزیده‌ام و در مورد انتشار آن (یکه همین موسسه مسئولیت انتشار آن را بر عهده خواهد داشت) با آن را برای چاپ به ناشری خواهد

سیرد

سیرد

علاوه بر این دو کتابی که عنوان کردیم، ترجمه و نگارش دایره‌المعارف مدیریت شهری و روستایی نیز زیر نظر دکتر موهجر اکبری و با همکاری دکتر سعیدی دریناد دانشنامه بزرگ فارسی همچنان ادامه دارد. این دایره‌المعارف پتان‌که از شانسی پیداست تمامی اطلاعات البته اگر بتوان حکم قطعی داد) مربوط به مدیریت شهری و روستایی را در اختیار پژوهشگران حوزه مدیریت شهری و روستایی قرار می‌دهد.

گریز از نقد گرته بردان

بیروز حاج محمدی مترجم و نظریه پردازان ادبی

بیروز حاج محمدی

پس از انتشار آخرین کتاب‌هایی آنتوان جنخوف، دانش داستان و نقد آن ^۹ که در سال ۱۳۸۳ توسط نشر ققنوس به بازار آمد، حدود دو سالی روی یک نقده بر گردان دیگر کار کردم تحت عنوان ساختار معنا در آثار منظوم نثی. اس البوت ^{۱۰} من در این کتاب برخی از آثار عمده نثی، اس البوت شاعر بزرگ انگلیسی نظیر چهار کرات، دشت سترن، پیش در آمده، تصویر یک پادشاه‌های عشقانه جی آگرت و فرداگینسفر معانی، مرغان پوک ملینا، اسپودی درازه شی طوفانی و… را ترجمه و بر اساس رویکردهای ساختار گرایانه مورد نقد و ارزیابی تحلیلی قرار داده‌ام البته برخی از این آثار و شاه‌پاش نیز به قصد پیش و تلاش همکاران در یکم به فارسی برگزیده شده‌اند. اما من چون شعرهای البوت بررسی کنم تا بگویم بود تمام بخش عمده‌ای از این شعرها را به فارسی برگزیده‌ام و آنها را تحلیل کنم. از سوی دیگر لازم به تأکید می‌دانم که در این بررسی نیز سعی داشته‌ام به مانند کارهای قبلی از نقد گرته بر دار و تالیف‌پژوهی بی‌چون و سچ از آموزه‌های فلاسفه کلاسیک فرامتنقا اجتناب کنم، چرا که با یرم آنچه در طی این سال‌ها مباحث و ترقی در نقد جامعه‌ای ایران شده‌است،اگرچه بر تدری صرف فرمول‌محور و آرای فیلسوفان غرب به‌زود پاک‌دینا و رولان بارت است.

کتاب‌هایی اما برگردانی است از پژوهش دکتر ایو اسالیس منتقد و نظریه پرداز (استرالایایی) تحت عنوان شهراد در آینه، سالیس در این کتاب ضمن پژوهش در تاریخچه قصه‌های هزار و یک شب و اثبات تالیف‌پژوهی افسانه‌های شهراد قصه‌گر از هزار افسانه فارسی برگردان‌های فرانسوی و انگلیسی و… از این قصه‌ها مورد تحلیل قرار داده است. کار جناب تر او در مورد این قصه‌ها نقد چند افسانه نظیر اعزیز و عزیزه، دشکایت عبدالله ماهیگر و… بر اساس الگوهای نقد نوست که می‌تواند برای منتقدان ادبی مایسایر جناب توجه و آموزنده باشد.

مورد این دو کتاب هنوز با ناشر خاصی قرارداد قطعی بسته‌ام اما پس از تجدید چاپ کتاب آنتوان جنخوف، دانش داستان و نقد آن، نشر ققنوس به زودی برگردان مرا از نمایش نامه‌های آخر بازی و در انتظار گوید، تجدید چاپ خواهد کرد.